

مسائل بین المللی

مجله تئوریک و اطلاعاتی

شماره ۶ (۱۴)

آذر - دی سال ۱۳۵۵

فهرست مقالات این شماره :

صفحه	عنوان	نویسندگان مقالهها
۱۱ - ۳	اتحادی که اکثر وجود آورد و از بنوته آزمون تاریخ بد آمد	از کمل با با یوانسو
۲۰ - ۱۱	وحدت سیاسی ، اقتصادی واجتماعی حزب سوسیالیست متحد آلمان	هاری تیش
۲۱ - ۲۱	حزب طبقه ، حزب خلق	نیکلای پتاروویچف
۳۸ - ۳۰	منابع نیروی حزب انقلابی	میوگ ایندراشارما
۴۵ - ۳۶	انسانهای زائید در جهان "آزاد"	گئورگ کویاتفسکی
۵۶ - ۴۶	درباره منطق پیشرفت معلومات تئوریک	ولادیمیر ولکتورسکی حمید صفری
۶۳ - ۵۷	فاشیسم و تاکتیک "دموکراسی پارلمانی"	سوفیاد وکاسترو

اتحادی که اکتبر بوجود آورد

و

از پوته آزمون تاریخ بدر آمد

ازکیل پایوانسو

دبیرکل حزب ترقیخواه

زحمتکشان قبرس

در آستانه شصتمین سالروزى که لنين بزرگ، پيدايش نظام اجتماعى نوين يعنى نظامى را که در قطب مخالف بهره‌کشى سرمايه دارى و امپرياليستى قرار دارد بشارت داد، بشریت مترقى یکبار ديگر پیروزی انقلاب کبير سوسیالیستى اکتبر را که حائز اهمیت تاریخی - جهانی است، جشن میگیرد. گسستن زنجیر سیستم امپرياليستى در يك ششم کره ارض در نتیجه انقلاب آفرمون اکتبر، تشکیل نخستین کشور سوسیالیستى در جهان، تبدیل روسیه عقب مانده پیشین در مدت زمان تاریخى کوتاهی به دولت مقتدر سوسیالیستى که در یگانا مرگ، وزندگی در برابر فاشیسم آلمان ایستادگی کرد و بر آن پیروز شد، کامیابیهای عظیم خلفهای اتحاد شوروى در تمام زمینه های رشد و ترقی - همه اینها بمعنی استقرار نیروئى بود که از همان آغاز پيدايش به تنگه گاه استوار و متحد اطمینان بخش جنبش انقلابی در همه کشورها و در همه قاره ها تبدیل شد و به این جنبش نیرو و تحرک تازه ای بخشید.

در واقع هم تنها انقلاب اکتبر آنچه که با مبدل شدن اتحاد شوروى به يك کشور سوسیالیستى بزرگ در ارتباط است برای گذار به سوسیالیسم بمعیار جهانی که مشخص کننده دوران ما است، امکان عینی و شرایط ضرور را ایجاد کردند.

1

یکی از نتایج برجسته انقلاب کبير سوسیالیستى اکتبر از لحاظ پیشرفت جهانی پيدايش و رشد و گسترش جنبش رهایی بخش ملی در کشورهای مستعده است که اکنون تقریباً به تلاشی کامل سیستم مستعمراتی امپرياليسم انجامیده است.

اینک خلفهای کشورهای ایند رسته کوشش فراوانی بکار میبرند تا به عقب ماندگی اقتصادى و وابستگی از امپرياليسم پایان دهند و با پیگیری و ابرام برای بند بست آوردن روابط اقتصادى بین العلی با حقوق برابر تلاش میکنند.

در همین حال نیروی شعبش مناسبات همبستگی، اتحاد و کمک متقابل در مبارزه علیه امپرياليسم که میان اتحاد شوروى، کشورهای جامعه سوسیالیستى و جنبش رهایی بخش ملی موجود است در این کوشش با روشنی هرچه بیشتری متجلی میگردد.

شعبشى این هماهنگی را تاریخ بارها به اثبات رسانده است. این تاثیرتها در مرحله مبارزه مستعمرات و کشورهای وابسته بخاطر آزادی سیاسى بروز نمیکند.

ند
 خلقهای آسیا و آفریقا و آمریکا لاتین در مرحله کنونی از پشتیبانی موثر سوسیالیسم جهانی برخوردارند و این مرحله ایست که آنها ناگزیرند تجاوا امپریالیسم را دفع کنند و هنگامی است که مرکز ثقل مبارزات جهانی بخش ملی به حیطه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی منتقل میشود و کوششهای راهم که برای تغییر خصلت نابرابر روابط اقتصادی کشورهای جوان یا کشورهای پیشرفته سرمایه داری بسوی آنکشورها بعمل میآید در برمیگیرد. این پشتیبانی که به تناسب افزایش قدرت اقتصادی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و تاثیر آن بر روند حوادث در جهان فزونی مییابد، اکنون عاملی است که اهمیت دیرپای آن برده و از آنجمله بر محافل امپریالیستی نیز کاملاً آشکار است. از همین روست که اقداماتی که در جهت تضعیف یا حتی برهم زدن اتحاد میان سوسیالیسم جهانی و جنبش آزادی بخش ملی به عمل میآید در راستا تزی و تاکتیک امپریالیسم و نیروهای وابسته به آن دارای چنین مقام مهمی است.

در روش نیروهای ارتجاعی، راستگرا و سازشکار در مراحل بحرانی دوران ساز تاریخی ادوار بحرانی قانوننندیهای معینی وجود دارد؛ در این لحظات تعرضات تئوریک و سیاسی آنها علییه مسائل گری سرنوشت جنبش انقلابی متمرکز میگردد. این پدیده را اکنون میتوان در منطقه مایعی منافع خاوری دریای مدیترانه مشاهده کرد. در اوضاع متشنج و انفجاری که در سالهای اخیر در این منطقه موجود است حملات بر ضد مهمترین کامیابیهای نیروی رهایی بخش ملی و سوسیالیسم، اتحاد نزدیک ضد امپریالیستی آنها و پیرویه علیه همکاری و دوستی با اتحاد شوروی از پویه آزمون تاریخ بدر آمده و تشدید شده است. در کشورهای خاور نزدیک و قبرس نظریات و عقاید بیگانه با منافع مبارزه خلقهای ماباد امنه ای گسترده تبلیغ میشود و حملات و اتهامات آشکار ضد شوروی فزونی یافته است. مبارزه جدی و قاطع با این دشمنان را ما وظیفه خود و وظیفه همه کمونیست ها و همه میهن پرستان میدانیم. مصویات کنفرانس برلن ۲۹ حزب کمونیست و کارگری اروپا نیز ما را به این مبارزه علیه کارزار تبلیغاتی که از جانب محافل امپریالیستی و ارتجاعی بر ضد احزاب کمونیست، کشورهای سوسیالیستی و مقدم بر همه علیه اتحاد شوروی و نیروهای سوسیالیسم دامن زده میشود فرامیخواند.

شکلهای با اصطلاح معاصر آنتی سوسیالیسم که نسبتاً بتازگی پیدا شده و امروزه در روزه ای را تشکیل میدهند. وجه تمایز این اشکال در آنستکه در صورت ظاهر واقعیت جهان معاصر روزن و اعتبار اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را در امر بین المللی در نظر نمیگیرند، اما این پدیده ها را عمدتاً نادرست تعبیر میکنند. مثلاً محافل راستگرای قبرس ضمن استناد بواقعیت گسترش همکاری دولتی میان شوروی و ترکیه، ادعا میکنند که به همین علت گویا اتحاد شوروی به یافتن راه حل معضل قبرس بهیچوجه علاقمند نیست و حتی حفظ وضع کنونی بسود آن است. محافل معینی از کشورهای عربی مشی ای را که اتحاد شوروی در زمینه و خامت زدائی در اوضاع بین المللی اتخاذ کرده به مثابه سازش با امپریالیسم و کوشش برای یافتن زبان مشترک با ایالات متحده آمریکا، گویا بزیان منافع اعراب تعبیر و تفسیر میکنند. ارتجاع عرب با این ادعای نادرست که گویا هر نوع کوشش دادن حل و فصل مسئله خاور نزدیک و عدم ثبات در این منطقه مقدم بر هر چیزینفع "کمونیسم بین المللی" است، اتهاماتی بسوی اتحاد شوروی وارد میسازد.

وجه مشترک بسیاری از این قبیل حملات بطور دقیق تلاش برای اثبات این است که سیاست خارجی شوروی بر پرآگاتیسم خود خواهانه مبتنی است و انترناسیونالیسم این خط مشی ظاهر است و محرک عمدتاً آن عطف و تعامیل شدید برای حکمفرمایی در عرصه بین المللی میباشد. در ضمن یاد آور میشویم که چنین تعبیر مغرضانه سیاست شوروی امر تازه ای نیست؛ تبلیغات ارتجاع دیرزمانی است نظریه خطر "امپریالیسم شوروی" را علم کرده و امروزه تلاش دارد کشورهای آسیا و آفریقا را

با مترسك " خطر شوروی " بترسانند . بدخواهان کشور بزرگ سوسیالیستی تلاشهای فراوانی بکنار میبرند که این کشور را در نظر خلقهای آسیا و آفریقا بمثابة " دولت امپریالیستی تازه ای " جلوه دهند که گویا میکوشد هموونی خود را بر جنبش رهایی بخش برقرار سازد . اما هر کس که حتی آشنائی کمی با تاریخ سیاست خارجی اتحاد شوروی دارد ، نمیتواند حداقل به د و خصوصیت بنیادی آن توجه نکند .

نخست آنکه اتحاد شوروی از دوران انقلاب اکثریتاکنون سیاستی را در عرصه جهانی دنبال میکند که در جهت متلاشی کردن سیستم " امپراطوری " در مناسبات بین المللی است که در دوران سلطه سرمایه داری وجود داشت و این سیستم کشورها را به " ضعیف " و " قوی " تقسیم میکرد و طبق آن کشورهای ضعیف موظف به تبعیت اقتصادی و سیاسی از کشورهای قوی بودند .

در واقع این اتحاد شوروی و موجودیت و سیاست آن بود که موجب درهم فروریختن سلطه جهانی امپریالیسم در عرصه های سیاسی و اقتصادی واید ثولوزیک گردید . اگر در دوران پیش از اکثریت مناسبات فرمانروائی و تبعیت در زندگی بین المللی مسلط بود ، پرازیروزی انقلاب در روسیه و پیروژه پرازیروزی تشکیل سیستم سوسیالیستی ، اصول برابری حقوق و همبستگی ضد امپریالیستی در صحنه جهانی نقش افزایش یافته دارد . اگر در گذشته سرمایه داری جهانی همه خلقها و مقدم بر همه خلقهای مستعمرات را سرکوب و استثمار میکرد ، پرازدائی روسیه از سیستم سرمایه داری و تشکیل دولت شوروی نعمت ناحیه سلطه اقتصاد سرمایه داری محدود شد ، بلکه نیروی تازه ای پدیدار گشت که قادر بود در آینده قدرت سیاسی و اقتصادی امپریالیسم را به هم آوردی فراخواند .

سرانجام با پیروزی انقلاب کبیرا اکثریت ثولوزی امپریالیسم سلطه بلا منازح خود را از دست داد . مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه های ملی و میهن پرستی در مبارزه علیه آئین های ضد انسانی استثمار که مدعی برتری یک ملت بر ملت دیگر بوده و به اسارت در آوردن و بهره کشی از صد ها میلیون انسان را از طرف امپریالیسم تیر می کشند ، در نقش متحد یکدیگر با هر چه نهادند ، تحولات ژرف در محیط بین المللی که جنبش رهایی بخش در آن گسترش یافته از نتایج کلی تنگ شدن حیطه سلطه امپریالیسم میباشد . این جنبش در آن گسترش یافته از نتایج کلی تنگ شدن حیطه سلطه رسالت تاریخی خود را پیروز مندانه تحقق بخشند .

دوم آنکه سیاست خارجی اتحاد شوروی همواره متوجه تبدیل جنبش رهایی بخش ملی به نیروی مقتدری در جهان معاصر و بر روزگام کامل اراده مستقل خلقهای شرکت کننده در آن بوده است . این سیاست همواره به تقویت نیروی جنبش رهایی بخش و استحکام قدرت و آمادگی آن برای مبارزه کمک کرده است . مساعی انکارناپذیر اتحاد شوروی را در مبارزه بخاطر آنکه خلقهای اسارت زده پیشین بمثابة آفرینندگان واقعی تاریخ به عرصه جهانی گام نهند جز با انترناسیونالیسم نمیتوان تعریف و تشریح کرد .

در اینکه بسیاری از کشورهای جوان که در گذشته وابسته و یا مستعمره بوده اند و اکنون نقش هر چه موثرتری در زندگی بین المللی ایفا میکنند ، اتحاد شوروی سهم شایانی دارد . بطور مثال در واقع پشتیبانی برادرانه اتحاد شوروی بدولت انقلابی مصر کمک کرد که به اراده واقعی ملت جامعه عصل پیوست و در دوران رئیس جمهور ناصر در منطقه ما و سراسر " جهان سوم " برای کشور خود اعتبار و حیثیت کسب کند . این پشتیبانی ، تحقق شریخش مشی انجام تحولات اجتماعی - بنیادی و سیاست خارجی عملی ساختن اصول عدم الحاق به پیمانها و سمعته گیری ضد امپریالیسم پیگیر را تسهیل کرد . طبری در سال اخیر مواضع بین المللی کشورهای عربی مانند عراق ، سوریه و الجزیره که به تعرضات گسترده ما

علیه مواضع امپریالیسم و از جمله در جنبه اقتصادی دست زده اند میزان شایان توجهی استحکام یافته است . در این مورد هم پشتیبانی شوروی نقش موثر خود را ایفا کرد . صدام حسین معاون رئیس شورای فرماندهی انقلابی عراق گفت : " باید در نظر داشت که مبارزه خلق عرب بخاطر آزادی اقتصاد و رشد و توسعه همجانبه با سیاست امپریالیستی در تضاد شدید است . این امر ارتباط با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی را در این رشته ضروری و طبیعی و موافق با کوشش‌ها و اعراب در راه ترقی میکند " . (١)

زندگی نشان داده است ، هر بار که بجای چشم پوشی از واقعیات با روشن بینی به فاکت‌ها توجه شود ، آتوهای ضد شوروی بی اثر خواهند شد . تاریخچه مناسبات شوروی و کشورهای عربی پس از شوروی و مصر را میتوان بارها بر پایه جعل و تحریف برشته تحریر و آورد ولی سرشت واقعی این مناسبات از این عمل تغییر حاصل نخواهد کرد . زیرا تاریخ واقعی این مناسبات را خود خلقهای آسیا و آفریقا می نویسند ، و این تاریخ در ذهن آنها از تجربه واقعی همکاری با کشورهای شوروی بوجود میآید .

٢

بگرفته عوامل بنیادی وجود دارد که به روابط خلقهای کشورهای در حال رشد با اتحاد شوروی در نظر این خلقها اهمیت ویژه ای میدهد .
این عوامل کدامند ؟

١ - دولت شوروی از نخستین روز پیدایش خود به تنگه گاه مقتدر مبارزه ضد استعمار تیدیل گردید . مراحل دوران سازی مانند پیکارهای رهائی بخش سالهای ٢٠ و ٣٠ و بیوزده دوران جنگ دوم جهانی که اتحاد شوروی در آنها نقش قاطع داشت از خاطره نسلهای معاصر محو نشده است . علت چیست که اظهارات خود خواهانه و بنامتون چرچیل که در محبوحه جنگ جهانی دوم میگفت او نخستوزیر پادشاه انگلستان نشده است که هنگام انقراض امپراطوری بریتانیا صادر کنند ، مردود گردید ؟ در مصر ، دگرگونیهای مداوم نقشه سیاسی جهان در سالهای تلاش سیستم مستعمراتی چه چیزی قرار داشت که مفهوم مستعمر را به یک مفهوم منسوخ و کهنه تبدیل ساخت و برای پرسوده جنبش رهائی بخش دامنه وسیع به سابقه ای تا مین نمود ؟ ما چیزی خلاف حقیقت نگفته ایم اگر بگوئیم هرگاه نخستین حکومت کارگری و دهقانی در جهان وجود نداشت چنین دگرگونیهای غیر قابل تصور بود .

٢ - خلقهای آسیا و آفریقا بخواهی بخاطر دارند که درست همین اتحاد شوروی همواره در بحرانی ترین لحظات بقا ن کمک کرده است که در برابر دشمنان خود ایستادگی کنند . تجارب و بیتمام و کوبا و بسیاری از کشورهای عربی گواه این امر است . آخرین نمونه در خشان انترناسیونالیسم واقعی مردم شوروی یاری رساندن به آنگولا در کسب استقلال است . امروز هم با وجود و سانس و تضییق و فشار امپریالیسم کفار زود ارد جزیره مارا به پایگاه نظامی پیمان ناتو تبدیل کند ، خلق قبرس بخوبی درک میکند که دولت مقتدری وجود دارد که طرفدار آنست و با اشکال تراشی و کار شکنی در مراحل و فصل مسئله قبرس و تلاشهایی که برای یافتن راه حل مسئله قبرس بدون شرکت اهالی قبرس در جهت منافع محدود و این یا آن کشور و پیمان نظامی انجام میگیرد ، مخالف میباشد . این دولت اتحاد شوروی است . در اعلامیه ٢٢ ژوئیه سال ١٩٧٦ خبرگزاری تلگرافی شوروی (تاس) موضع اصولی دولت شوروی که اجرای فوری و کامل تصمیمات سازمان ملل متحد در مورد قبرس را ضروری می شمارد و باره تاکید گردید . پیشنهاد معروف شوروی درباره فراخواندن کنفرانس بین المللی در جنوآ را چوب

١ - اتحاد سیستم سوسیالیستی جهانی و جنبش رهائی بخش ملی " بنگاه نشریات بین المللی " صلح و سوسیالیسم " پراگ سال ١٩٧٥ ، ص ٢٤ .

سازمان ملل متحد بمنظور حل و فصل عادلانه بحران قبرس، کمیسور پشتیبانی قاطع حزب ماقرار گرفت در جزیره طنین گسترده ای داشت.

۳ - ساختمان هر مؤسسه ای که با کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی در کشورهای رشد یافته انجام میگردد و با زیربنای اولیه ساختمانهای غذایی مانند سد آسمان و مجتمع ذوب آهن هلوآن در مصر، سد فرات در سوریه، تأسیسات ذوب آهن در بهیلا و حمار در هندوستان به سلسلههای واقعی استقلال ملی در این کشورها تبدیل میشوند. همکاری اقتصادی این کشورها با اتحاد شوروی به استحکام مبانی استقلال سیاسی و اقتصادی آنها کمک میکند. کمکهای نظامی اتحاد شوروی هم برای کمک به این هدفهاست.

۴ - اتحاد شوروی همواره طرفدار نیروهای ترقیخواه و مصلحت پرست یعنی اکثریت خلق در کشورهای نپسندید است. بدون پشتیبانی اتحاد شوروی گمان نمیرود پروسه های آزادی اجتماعی در بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا چنین دامنه گسترده ای کسب میکرد. نمایندگان جریانهای دموکراسی-انقلابی اهمیت فوق العاده این کمکها را بارها تأیید کرده اند.

تبدیل این جریانها به نیروی عظیم موثر جنبش رهایی بخش معاصر بد رجایان توحشی در نتیجه پشتیبانی پیگیر دول سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی از جناح انقلابی ایمن جنبش، امکان پذیر گردید.

۵ - سیاست اتحاد شوروی در مسائلی مانند مبارزه با خطر صلح و وخامت زدائی در منطقه

جنبش رهایی بخش ملی با توجه و علاقه پرشوری روپروگردید.

در تظاهرات کمیته مرکزی حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس بنسایت پنجاهمین سال تأسیس حزب طبقه کارگر قبرس، میت عظیم برنامه صلحی که در ۲۴ - مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح شده تأکید گردیده است. این برنامه که تا روپود آتراهد فهای انساند و ستانه پارو حیه ضد امپریالیستی تشکیل میدهد از تقویت میلیونها انسان را در تمام قاره ها به تسخیر اتحاد شوروی در آورده است. در جریان تحقق قرارهای کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی، مبارزه در راه صلح و وخامت زدائی به سطح عالی تری ارتقا یافت. اتحاد شوروی پیگیرانه در راه اجرای موافقت نامه های کنفرانس سراسر اروپا که در هلندینکی برگزار شد و برای ایجاد اروپای صلح و همکاری و ترقیات اجتماعی کوشش میورزد. چنانکه در سند نهائی کنفرانس ۲۱ حزب کمونیست و کارگری اروپا خاطر نشان شده است، پیشرفتهای مثبت در قاره اروپا برای مبارزه رهایی بخش خلقها و برای مبارزه علیه خطر جنگ و گاهش و خامت در مناطق دیگر جهان شرایط مساعد ایجاد میکند.

گرایش به وخامت زدائی بمقیاس جهانی بر مبارزه قبرسی ها با خطر حفظ استقلال، حقوق حاکمیت و تمامیت ارضی هم تأثیر مثبتی میبخشد. البته این بدان معنی نیست که تجاوزکارترین محافل ناتوازن گذشته های تبدیل قبرس به پایگاه خود در دریای مدیترانه صرفنظر کرده اند. اصالح قبرس تنها نیست.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای خلق قبرس در استان مطمن و صادتسی هستند. مثلاً ما میدانیم در شرایطی که دول امپریالیستی در عین اینکه از یزدیرش پیشنهاد های مربوط به تأمین امنیت در منطقه دریای مدیترانه با سرسختی امتناع میورزند و نیروهای نظامی در ریاس خود را در این ناحیه تقویت مینمایند، حضور واحد کشتی های جنگی اتحاد شوروی در دریای مدیترانه بدون تردید عامل نیرومند صلح در این منطقه است. و روی محافل معینی تأثیری هشدارکننده دارد. با جمع بندی آنچه در بالا گفته شد روی این مطالب باید بویژه متکی کرد که اتحاد شوروی برخوردار

واقعی برادرانه به خلقهای کشورهای درحال رشد و صداقت و وفاداری به اصول انترناسیونال-لیسم پرولتری را بارها در عمل به اثبات رسانیده است. از همین روست که نظریات و قضایات کسانسی که در این کشورها بسط و توسعه یافته اند و میان اتحاد شوروی و ایالات متحد و امریکا در مسائل بین المللی علامت مساوی قرار میدهند و تلاش دارند سیاست آنها را نسبت به کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین یکسان جلوه دهند، باعث حیرت و گاهی حتی تنفروانزجار میگردند.

۲

اکنون در منظره مانظره ای که بموجب آن مسائل گهری برای سرزشت کشور ۱۵ نوپنیاد هنگامی میتواند به طور عمده حل و فصل شود که این کشورها در صحنه جهانی خود را به اتحاد های واقعی مقید نمایند و در گزینش متحدین خود تنها به جنبه پراگماتیک مسئله توجه داشته باشند، روح فراوان یافته است. راستگرایان در قبرس اینطور فکر میکنند که اگر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نمیتوانند در خاتمه دادن به اشغالگری ترکیه بیا کمک کنند و جنبش کشورهای غیر متعهد قادر نیست ترکیه را تحت فشار قرار دهد، پس از قرب باید تقاضای کمک کرد.

نمونه دیگری از برخورد پراگماتیک موضع گیری محافظه معینی از کشورهای عربی است که تقریباً چنین فکر میکنند: حالا که محل و فصل کامل و همه جانبه اختلافات خاور نزدیک که مورد نظر اتحاد شوروی است بد را می کشد، پراتخاذ تدابیر نیهند و نیمه کاره با حد اکثر استفاده از " کمکهای خیرخواهانه " ایالات متحد امریکا کاملاً منطقی است. مفهوم واقعی چنین اندیشه هائی را میتوان در یک جمله خلاصه کرد و آن اینکه: متحدین می آیند و می روند اما منافع ملی باقی میماند. برخی از محافل عربی این اندیشه را چنین فرمول بندی میکنند: " هر یک از طرفین بدون توجه به مقتضای مقتضای منافع خود با منافع جانب های دیگر و منافع مشترک جامعه بین المللی در تلاش برای تحقق منافع خویش است " .

توجه بدین نکته در شوازیست که این در برخورد سرشت طبقاتی منافع ملی را صاف و پوست کنده ناید و میگرد. این نحوه برخورد، چنانکه در قبرس مشاهده میشود، حتی به ارتجاعی ترین عناصر امکان میدهد خود را میهن پرست و لوسوز برای رفاه و سعادت میهن جاهزنند (۱) . این منافع را در کشورهای عربی هواداران سمت گیری سوسیالیستی از یک سو و عناصر سازشکار و وادار رژیم سلطنتی از سوی دیگر گونه های مختلف تعبیر میکنند. اگر گروه اول شالوده اساسی سیاست خود را مبارزه ضد امپریالیسم میدانند، گروه دوم سمت گیری همکاری با امپریالیسم را در پیش گرفته اند و تلاش دارند منافع ملی را با منافع انحصارات بین المللی سازگار کنند. بدگر سخن روش هر دو گروه دارای انگیزه عمیق طبقاتی است و علاقه و بیعلاقگی آنها نسبت به نیروهای بین المللی بطور عینی از پیش تعیین شده است. بهمین جهت است که نظریات " پراگماتیک ها " که تطابق یابد تطابق منافع نیروهای معین ملی و اجتماعی را که در عرصه بین المللی عمل میکنند و بنا بر کشورهای خود اظهار نظر مینمایند، در حقیقت تصادفی اعلام میکنند چندان قانع کننده نیست.

سراسر تاریخ معاصر جهان گواهاست که همکاری بین المللی، تماسهای سیاسی کشورهای و اتحاد ۱۵ ای طبقاتی در عرصه جهانی دارای پایه اصولی معینی هستند که ناشی از منافع قشرهای معین اجتماعی است. مثلاً اگر کشورهای سوسیالیستی مناسبات خود را با کشورهای سرمایه داری بر پایه سوسیالیستی مسالمت آمیز برقرار میکنند، روابط آنها با کشورهای در حال رشد، مشحون از محتوی

۱ - اما شکست قطعی راستگرایان در انتخابات پارلمان قبرس که در سپتامبر ۱۹۷۶ انجام گرفت نشان داد که آنها موفق به فریب خلق قبرس نشده اند.

ضد امپریالیستی است که برپایه نزدیکی هدفهای طبقاتی درازمدت آنها استوار است . به همین جهت همکاریهای میان این کشورها میتواند بوظائف ترقیبات اجتماعی فعالانه خدمت کند . مثلاً تجربه مناسبات شوروی و کشورهای عربی و از آنجمله شوروی و مصر نشان دهنده این واقعیت است . مشکل بتوان تصور کرد که رئیس جمهور فقید مصر ناصر مناسبات دوستانه با شوروی را یک انتخاب صرفاً موقتی و وابسته به شرایط روزحساب میآورد . برعکس زندگی نشان داد که گرایش به نزدیکی دو کشور دارای ریشههای منافع مشترک درازمدت بود . وجه تمایز یک شخصیت برجسته جنبش رهائسی بخش ملی اردیگزان در همین است که اوسیاست خود را برپایه چنین اصول بنیادی مانند مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم و مبارزه بخاطر ترقیبات اجتماعی برقرار میکند که در عین حال پایه محکم و دائمی برای مناسبات متقابل با جهان سوسیالیستی است . صداقت نسبت بدین اصول هنگام تدوین خط مشی عملی در شرایط بفرنج و بحرانی هم راهنمای مطمئنی است .

تاریخچههای منطق " پراگماتیک ها " که از االیسم واقعی در سیاست تا این حدید و راست در موضعگیری آنها در چنین مسئلهگرهی مانند برخوردشان به دو گروه دول یعنی دولتتهای سوسیالیستی و امپریالیستی آشکارا مشاهده میشود . طبق معمول آنها نه فقط اتحاد شوروی و ایالات متحد امریکارا در یک جرگه قرار میدهند ، بلکه همچنین توصیه میکنند که بخورگلی از اصطلاح " ابر قدرت ها " دوری شود و از سیاست " فاصلهگیری برابر " از آنها پیروی کرد . بجاست گفته شود که در کنفرانس چندی پیش کشورهای غیرمتعهد در کلمبوهوم کسانی بودند که با طرح نظریه " هژمونیسیم ابر قدرت ها " در برابر نمایندگان تلاش داشتند مباحثات را از دایره مسائل واقعی کشورهای غیرمتعهد خارج سازند (۱) . بدیهی است که بدین شکل قرارداد این کشورهای مقابل کشورهای سوسیالیستی کاملاً بیفایده است . موضوع " فاصلهگیری برابر " بطور عینی به امر آزادی ملی زیان میرساند . مثلاً چنین موضعگیری (محافل معینی در قاره تلاش داشتند آنها به همین پرستان آنگولا تحصیل کنند) برای انقلاب آنگولا چه نتایجی میتواندست ببار آورد ؟ تصویری آمدهای آن چندان دشوار نیست .

سرانجام در زیر پرده خط مشی پراگماتیک اغلب در اصول مترقی سیاست خارجی تجدید نظر میشود که این از همه خطرناکتر است . مثلاً نیروهای راستگرای قبرس نعمتها محدود کردن مناسبات با اتحاد شوروی و امتناع از سیاست عدم تعهد سنتی کشورها را تبلیغ میکنند ، بلکه در عین حال تلاش دارند به اثبات برسانند که قبرس از لحاظ " تاریخی و جغرافیائی و فرهنگی " متعلق به اروپای غربی است و گویا به همین علت ما باید با سازمانهای اقتصادی و سیاسی اروپای غربی همکاری نزدیک داشته باشیم . درباره چنین مسئله قبرس محافل راستگوار تجاعی در واقع بما پیشنهاد میکنند که این مسئله در چهارچوب و طبق شرایط پیمان ناتو حل شود که مفهوم آن در عمل تقسیم جزیره میان ترکیه و یونان می بود .

در خاور نزدیک هم اغلب ندهائی بگوشه میروند مبنی بر اینکه " کلید های عمده " حل و فصل مسائل خاور نزدیک در دست ایالات متحده امریکاست و به همین سبب گویا در رسمتگیری سیاست خارجی باید تغییرات لازم بعضی آید . در اینصورت باید پرسید : مساعی سالهای متعددی اعراب در مبارزه علیه امپریالیسم و تجاوز اسرائیل ، مشقاتورنجهای فلسطینی ها که در سنگین ترین پیکارهای ملی ده ها هزار تن تلفات داده اند چه معنی داشته است ؟ اگر خلقهای مستعمرات اینطور تصور میکردند

۱ - این مسائل بطور مبسوط تر در مقاله کن نمان " درباره خط مشی سیاسی کشورهای غیرمتعهد " که در این شماره انتشار یافته بررسی شده است . هیئت تحریریه .

که کلید استقلال آنها در جیب اربابان آنهاست مشکل ما امروز نمیتوانستیم گواه تلاشی سیستم مستعمراتی باشیم . اما این تلاش انجامی یابد و در این امر نقش عمده را در درجه اول خلقهای آسیا و آفریقا داشتند و این گواه صحت سیاست آنها در اتحاد همه جانبه با جهان سوسیالیستی و رنویت اول با اتحاد شوروی است .

امسال پنجاه سال از زمان پیدایش حزب طبقه کارگر قبرس سپری میشود ، کمونیستهای کشور ما با ارزیابی فعالیت قهرمانانه این حزب یا سربلندی میتواند بگویند که آنها در جریان اجرای وظیفه انترناسیونالیستی خود هیچگاه از صرف مساعی و نیرو در مبارزه علیه بدخواهان نخستین دولت کارگران و دهقانان که با اکثریت آید آمد و بدولت سوسیالیستی مقتدری تبدیل گردید و در مبارزه علیه همه مخالفان اتحاد نیروهای سوسیالیستی و آزادی ملی فرود آمدند . ماضی مبارزه با آنتی کمونیسم در تمام مراحل تاریخ اتحاد شوروی این مطالب را بروشنی درک کرده ایم که با این اقدام پیروسی آزادی ملی خود و پیدایش دولت مستقل برخوردار از حقوق حاکمیت و تمامیت ارضی و واحد قبرس را تسریع میکنیم ، زیرا هر عنصر ضد شوروی و مخالف کشورشوراها همواره دشمن مایعنی استعمارگره ضد کمونیست و مرتجع بوده است . این در مسها امروز هم که ارتجاع قبرس ضمن مبارزه علیه کمونیستها به اتمام زنی و تحریک علیه اتحاد شوروی میپردازد ، اهمیت خود را همچنان حفظ کرده است . سرانجام از تجارب جنبش رهایی بخش ما این نتیجه روشن بدست میآید که اگر در استان نیرومند پابرجائی و رنویت اول کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی از مردم قبرس حمایت نمیکردند ، در پرزمانی بود که قبرس بمثابه یک کشور مستقل موجودیت خود را از دست داده بود .

وحدت سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی

حزب سوسیالیست متحد آلمان

هاری تیش

عضو بروی سیاسی کمیته مرکزی
حزب سوسیالیست متحد آلمان ،
صدر شورای مرکزی اتحادیه
مندیگای آزاد آلمان

نهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان که در مه سال ۱۹۷۶ در برلین تشکیل شد ، ادامه ساختن جامعه سوسیالیستی پیشرفته در جمهوری دموکراتیک آلمان و فراهم ساختن شرایط بنیادی لازم برای گذارتدریجی به کمونیسم را بمنزله هدفهای حزب تعیین کرد . دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان (سپتامبر سال ۱۹۷۶) پراز جمع بندی نخستین نتایج پیشرفت کشور ما پس از کنگره یادآور شد که این هدفهای الهام بخش با موفقیت تحقق مییابد . بدین ترتیب جمهوری دموکراتیک آلمان به مرحله نئی از پیشرفت خود گام نهاد . رفیق هونکر ، دبیرکل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان ضمن سخنرانی خود در پلنوم تأیید کرد که " تحقق سیاسی که نهمین کنگره حزب تعیین کرده سیعای جمهوری دموکراتیک آلمان را با زهم بیشتر عوض خواهد کرد . در این جریان خصلت انساندوستانه کار عظیم سازنده ما هر چه بیشتر پدید آرمیگرد . واقعیت جامعه ما امکان میدهد این راهر چه روشن تربیینند که سوسیالیسم بزندگی انسانهاغنائی بیشتری میبخشد و بدان مضمون تازه ای میدهد " (۱) .

برنامه نهمین حزب سوسیالیست متحد آلمان که در کنگره نهم بتصویب رسید طبق تعالیسم مارکسیسم - لنینیسم و تجربه ای که ما در جریان پیشرفت سوسیالیستی بدست آورده ایم و مطابق بان نتیجه گیریهای تئوریک حزب کمونیست اتحاد شوروی و دیگر احزاب برادر ، خطوط برجسته سوسیالیسم پیشرفته را همانند مرحله ای از صورت بندی اجتماعی واحد کمونیستی بطور دقیق و همه جانبه تعریف و توصیف نمود . در برنامه تأیید شده است که ساختمان جامعه پیشرفته سوسیالیستی عبارت از پروسه تغییرات ژرف سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، معنوی و فرهنگی است . در برنامه خاطر نشان میشود که " جامعه پیشرفته سوسیالیستی بمعنی فراهم آوردن تمام شرایط ضروری مادی ، اجتماعی - اقتصادی وایدئولوژیک و سیاسی برای آشکار ساختن معنی و مفهوم سوسیالیسم است که در این جمله خلاصه میشود ، همه چیز برای خیر و رفاه مردم ، بصورت طبقه کارگر ، دهقانان تعاونی ها ، روشنفکران و سایر جمعتهکشان . وظیفه عمده در امر ساختمان جامعه پیشرفته سوسیالیستی ، طبق قانون اقتصادی

اساسی سوسیالیسم عبارت از بالا بردن هرچه بیشتر سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم برپایه آهنگ سریع رشد تولید سوسیالیستی ، افزایش شریکشی و ترقی علمی و فنی و بالا بردن بازده کار است " (۱) .

وظیفه عمد حزب ماد ر همان کنگره هشتم حزب فرمول بندی و تدوین شد و از آن زمان بپس بعد بطور مداوم مشی سیاسی حزب سوسیالیست متحد آلمان را معین میکند و برای آن بمنزله راهنمای استراتژیک درازمدتی است . هدف اساسی سوسیالیسم یعنی تأمین " رفاه کامل مادی و معنوی و پیشرفت آزاد و همه جانبه تمام اعضا جامعه " (۲) و ارتباط ارگانیک و وظیفه عمد حزب با مسائل لازم برای دست یافتن بدین هدف یارشد کمی و کیفی تولید سوسیالیستی نیز جزو وظیفه عمد است . وظیفه ای که بدان اشاره شد با توانین عینی اقتصاد شیوه سوسیالیستی تولید و از جمله با مقتضیات قانون اقتصاد اساسی سوسیالیسم توافق کامل دارد و تطابق اصولی منافع اجتماعی و فردی را که نیروی محرکه قاطع بسط و تکامل جامعه سوسیالیستی است ، منعکس میکند .

وظیفه ای که از آن یاد کردیم و تحقق پیگیر آن طی سالهای اخیر در نظر زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان بیانگر وحدت سیاست اقتصادی و اجتماعی حزب سوسیالیست متحد آلمان بطرز ممتنع و یکپارچه است . تأمین این وحدت عامل افزایش هرچه بیشتر آن اعتمادی گردید که میان حزب طبقه کارگر و توده های زحمتکش برقرار شده است . اطمینان تمام اتباع جمهوری دموکراتیک آلمان به اینکه هلاقه به بهبود مداوم برآورده شدن نیازمندیهای مادی و فرهنگی فزاینده مردم در مرکز توجه حزب سوسیالیست متحد آلمان و دولت سوسیالیستی است ، افزایش بیشتری یافت . آمادگی زحمتکشان برای صرف تمام نیروی خود در راه بالا بردن سطح قدرت اقتصاد جمهوری دموکراتیک آلمان و شرکت فعال در تحقق سیاست اقتصادی و اجتماعی حزب از این اطمینان سرچشمه میگردد .

نتایج انجام برنامه پنجساله پیشین بسط و تکامل اقتصاد کشور (سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۵) دلیل آشکار این امر است . در اثر افزایش فعالیت زحمتکشان در جهت انجام شریکشی تر و ژانف مربوط به پیشرفت اقتصاد کشور بالا ترین میزان رشد توان اقتصادی طی تمام برنامه های پنجساله بدست آمد . براین پایه ما توانستیم همزمان قابل توجهی شرایط زندگی مادی و فرهنگی مردم را بهبود بخشیده و وظایف مهم ترین تدابیر رتاریخ جمهوری را در رشته سیاست اجتماعی بحرحله عمل درآوریم . بطور مثال ، در نتیجه انجام برنامه های ساختمان مسکن طی برنامه پنجساله گذشته مساحتاً مسکن بیش از میزانی که در برنامه منظور شده بود در شرایط مسکن تقریباً ۱۸۸ میلیون تن از افراد با درحد و ۱۱ درصد از اهالی جمهوری دموکراتیک آلمان بهبود حاصل گردید .

درآمد خالص نقدی مردم در مقایسه با سال ۱۹۷۰ تا ۲۶٫۶ درصد و درآمد واقعی سرانه در خانواد های کارگران و کارمندان ۳۰ درصد افزایش یافت ؛ (قیمت کالا های مصرفی عموم مردم و بهای خدمات ، کرایه خانه و قیمت پلیط و مسائل نقلیه کشوری ثابت مانده است) . بمنظور بالا بردن سطح زندگی افراد مسن بمقدار حقوق بازنشستگی ۳٫۹ میلیون نفر از آنان افزوده شده است و این اقدام بزرگترین کمک در قسمت تأمین افراد بازنشسته نسبت به تدابیر مشابه گذشته بشمار میآید .

در کشورهای سرمایه داری که پدیده های بحرانی از ویژگیهای آنهاست ، سطح بالای بیکاری در آنها ثابت مانده است ، تورم افزایش مییابد و هزینه زندگی بطور سرسام آوری بالا میرود ، بیم و هراس

1 - Programm der Sozialistischen Einheitspartei Deutschlands.

Berlin, Dietz Verlag, 1976, S. 19-20.

۲ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۶ ، صفحه ۲۳۲ .

زحمتکشان نسبت به آینده شان شد تصمیمیاد و با احساس عدم اعتماد اجتماعی رنج آوری سروکار دارند . ولی در جمهوری دموکراتیک آلمان سوسیالیستی مردم با اعتماد کامل به آیند همینگزند و این اعتماد آنان روز بروز استوارتر میگردد . در حالیکه افکار عمومی در بسیاری از کشورهای سرمایه داری از نواقص موجود در رشته آموزش و پرورش اظهار نگرانی هرچه بیشتری میکنند ، در جمهوری دموکراتیک آلمان در همان سال ۱۹۷۳ ، که در هم تمام کودکانی که در مدارس تحصیل میکردند سال دهم را پایان میرسانند ، در رشته زندگی معنوی و فرهنگی مردم کشورمان نیز اعتلای شایان توجهی بدست آمده است .

نهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان مقرر داشت که بطور پیگیر و بدون انحراف به انجام وظایف عمده یعنی تامین وحدت سیاست اقتصادی و اجتماعی در آیند نیز ادامه داده شود . این امر گواه پیگیری و تغییر ناپذیری در مشی سیاسی حزب سوسیالیست متحد آلمان است . رفیق هونکر در گزارش کمیته مرکزی بنهمین کنگره حزب تاکید کرد که " حزب ما در آیند نیز تمام کوشش خود را در این راه بکار خواهد برد که موفقیت های فزاینده در عرصه کار و پیشرفت و ترقی در رشته تولید و همچنین استفاده از هر چه گسترده تر از دستاوردهای علمی و فنی به خیر و رفاه طبقه کارگر و تمام زحمتکشان خدمت کند و سطح زندگی مردم در آیند نیز بالا رود و مجموعه زندگی معنوی و فرهنگی ما غنی تر گردد . در ضمن باید بطور پیگیر و با دقت سنجید که وسایلی که اقتصاد کشور بوجود میآورد کجا و چگونه موثرتر به افزایش بازهم بیشتر رفاه و آسایش اهالی کشور و بهبود شرایط کار و زندگی زحمتکشان ، بر پایه برنامه معین ، کمک و خدمت خواهد کرد " (۱) .

حزب سوسیالیست متحد آلمان در جریان تحقق بخشیدن به هدفهای اقتصادی و اجتماعی - سیاسی خود این اصل ساده را که جامعه میتواند فقط آنچه را که تولید میکند بمصرف رساند یعنی اصلی را که برای تمام زحمتکشان روشن و آشکار است رهنمود خویش قرار میدهد . به بیان دیگر منبع رفاه و آسایش روز افزون زحمتکشان و توسعه تولید درآمد ملی است . برتری شیوه سوسیالیستی تولید عبارت از این است که بر پایه مالکیت اجتماعی بر وسایلی تولید و در پرتو اقتصاد سوسیالیستی طبق برنامه درآمد ملی بدون وقفه و با آهنگ رشد بسیار زیاد افزایش می یابد . آهنگ های رشد متوسط سالانه آن طی پنجساله گذشته ۴٫۵ درصد بود ، این آهنگ های رشد بسیار زیاد طی پنجساله کنونی هم حفظ خواهد شد . تا سال ۱۹۸۰ درآمد ملی ۲۷ تا ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت . این بدان معنی است که طی پنج سال آیند درآمد ملی خواهیم داشت که رویه معرفته به بیش از ۸۳۰ میلیارد مارک خواهد رسید . بدین ترتیب در حدود ۲۰۰ میلیارد مارک بیش از پنج ساله گذشته در اختیار جامعه ما قرار خواهد گرفت .

طی دوران سالهای ۱۹۷۶-۱۹۸۰ تولیدات صنعتی هم بمیزان چشمگیری که از ۳۴ تا ۳۶ درصد است افزایش خواهد یافت ، در ضمن آهنگ رشد هم تقریباً همانقدر خواهد بود که در پنجساله گذشته بوده است . ولی باید یادآور شویم که اگر طی سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۵ یک درصد رشد تولیدات صنعتی برابر با ایجاد محصولات صنعتی بمبلغ تقریباً ۲٫۱ میلیارد مارک بود ، این شاخص طی سالهای ۱۹۷۶-۱۹۸۰ تا حدود ۲٫۸ میلیارد مارک افزایش خواهد یافت . در عین حال افزایش درآمد ملی و تولید محصولات صنعتی تقریباً بحساب افزایش بازدهی کار فقط تامین خواهد گشت . بطور مثال در صنایع ، بازدهی کار ۳۰ تا ۳۲ درصد بالا خواهد رفت . حزب سوسیالیست

1 - Bericht des Zentralkomitees der Sozialistischen Einheitspartei Deutschlands an den IX. Parteitag der SED, Berichterstattung; Ge, Erich Honecker, Dietz Verlag Berlin 1976, S. 43/44.

متحد آلمان با تحقق سیاست خود در این عرصه این سخنان پراهمیت لنین را که هنوز هم در دسترس روزاست رهنمود خویش قرار میدهد که باز هم کار در آخرین تحلیل عمدترین مسئله برای پیروزی نظام اجتماعی تازه است (۱) . در برنامه پنجساله کنونی برای مدرنیزه کردن ، بازسازی ، نوسازی و گسترش فوند های اصلی صنایع ۲۴۰ تا ۲۴۳ میلیارد مارک یعنی نزدیک به ۶۰ میلیارد مارک بیشتر از آنچه در سالهای ۱۹۲۱-۱۹۲۵ بود اعتبار داده خواهد شد .

در رشته کشاورزی نیز پیشرفت و ترقی زیادی بچشم میخورد ، این امر هم مربوط به افزایش محصولات کشاورزی و هم مربوط به افزایش خرید فرآورده های دامی وسیله دولت است .

پیشرفت بدوین وقفه و پرتحرک اقتصاد کشور که در آهنگ های رشد بسیار زیادی که برای پنجساله جاری در نظر گرفته شده تجلی میکند بمیزان بیشتری قدرت اقتصادی جمهوری دموکراتیک آلمان را استحکام خواهد بخشید . این پیشرفت و ترقی گواه انکارناپذیر برتریهای سوسیالیسم کنونی بر سرمایه داری است که تنزل تولید و رکود از مشخصات اقتصاد آن طی سالهای اخیر است . تصادفی نیست که در انتشارات کشورهای سرمایه داری هر چه بیشتر با مفهوم " رشد صفر " برخورد میکنیم . هرگاه مدافعان نظام بورژوازی پیش از این بمتوصیف و تمجید رشد اقتصادی میپرداختند و گاهی آنرا حتی بمنزله معیاری هنگام تعیین مراحل ترقی و پیشرفت جامعه بشری مورد استفاده قرار میدادند ، امروز دیگر از طرف آنها هر چه بیشتر نظریات ضد و نقیض ابراز میگردد که طبق آنها کنونی پیشرفت اقتصادی تا مرز " رشد صفر " را باید همانند پدیده مثبتی ارزیابی کرد . در ضمن این نوع نظریات اغلب بسا فراخواندن زحمات کشان به این که " از بالا بردن میزان مصرف بپرهیزند " همراه است .

خصیلت جانبدارانه نظریات ایدئولوگ های امپریالیستی در باره مطلوب بودن جلوگیری از رشد اقتصادی روشن و آشکار است . رشد اقتصادی عامل مهمی در بریکار و سیستم اجتماعی - اقتصادی متضاد است و برتری سوسیالیسم در این رهگذر هر چه آشکارتر میشود . بهمین سبب هم مدافعان سرمایه داری امروز با اصرار فراوان میگویند رشد اقتصادی ثابت و مداوم گویای امری زیان بخش و خطرناک است .

گمونیستهای جمهوری دموکراتیک آلمان همانند کمونیست های سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی مشی پیشرفت بدوین وقفه اقتصاد را بطور پیگیر و آگاهانه دنبال میکنند . نه کسانی که بخاطر اغراض خویش کند کردن رشد اقتصاد را توصیه میکنند و نه آنهایی که اعلام میدارند که اقتصاد هم اکنون به دوره چنین کنونی داخل شده است و ما را همراه نخواهند کرد . افزایش مداوم توان اقتصادی ما و رشد شریخی تولید سوسیالیستی پایه و اساس امنیایان بخش اعتدالی هر چه بیشتر و طبق برنامه سطح زندگی مردم را تشکیل میدهد . طبق اسناد نهیمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان ، این پیروسی که باقرارهای کنگره قبلی آغاز گردیده ، بطور پیگیر ادامه خواهد یافت .

علاقه و توجه به بهبود باز هم بیشتر شرایط مسکن اهالی کشورهای میان تدابیر متعدد در رشته سیاست اجتماعی مقام اول را دارا است . طی دوران سالهای ۱۹۲۶-۱۹۸۰ ، ۷۵۰ هزار خانه در کشور ما ساخته خواهد شد و با مرمت و بازسازی میگردد و این رقم نزدیک به ۱۵۰ هزار خانه بیشتر از برنامه پنجساله گذشته است . ۵۵۰ هزار خانه از این مجموعه در بخش های نوینیا به اهالی تحویل داده خواهد شد . این امر امکان میدهد که شرایط مسکن ۲ میلیون نفر از مردم بهبود داده شود . خانه های تازه در درجه اول بمخانواده های کارگران ، خانواد ههائی کثیرالا ولد

و آنهاییکه تازه خانواده تشکیل داده اند واگذازمیشود . اندازه متوسط مساحت قابل استفاده این خانه‌ها در ساختمانهای تازه از ۵۶ به ۵۸ مترمربع افزایش داده خواهد شد . نزدیک به ۴۵ درصد تمام خانه‌های تازه را تعاونی‌های مسکن و ساختمان‌کارگران خواهند ساخت و در اختیار همین تعاونی‌ها خواهند بود .

ولی جامعه سوسیالیستی فقط به تامین افراد با خانه مسکونی قناعت نمیکند . منظور ما این است که در تمام نقاط کشور مردم خوب زندگی کنند و شهرها و روستاها با حفظ وضع و نواحی تاریخی خود از منظره ای که از لحاظ شهرسازی و معماری بد قلمور توجه قرار گرفته باشد برخوردار گردند . از این رود و لت سوسیالیستی هزینه بسیار زیادی را به بازسازی و مرمت بخش‌های مسکونی کهنه اختصاص میدهد . در برنامه تازه پنجساله به سرمایه‌های اجتماعی ساختمان مسکن بحساب بودجه دولت نزدیک به ۷ درصد افزود خواهد شد .

گرایه‌خانه هونوزهم در همان سطح نازل خود باقی است . این مبلغ در سال ۱۹۷۵ با قیمت برق ، آب و شوقاژ متوسط ۴۴ درصد درآمد کلی یک خانواده چهار نفری را تشکیل میداد (۱) . در حالیکه ، بطور مثال در جمهوری فدرال آلمان این هزینه‌ها ۲۰٫۸ درصد بود چه این قبیل خانواده‌ها را " می‌بلعد " (۲) .

پیاده کردن سریع برنامه ساختمان مسکن و سیاست خانه سازی جمهوری دموکراتیک آلمان در مجموع پیراهن قاطع دیگری بر برتری سیستم اقتصاد سوسیالیستی ما است . در حالیکه جامعه سرمایه داری (فریدریش انگلس هم صد سال پیش در اثر خود بنام " درباره مسئله مسکن " (۳) این را نشان داده است) قادر به حل مشکل مسکن بسود اکثریت مردم طبق نیازمندیهای آنان نیست ، تجربه جمهوری دموکراتیک آلمان بطرز مقننی گواه بر این است که سوسیالیسم بتدریج این معضل اجتماعی دشوار را هم که از سرمایه داری به ارث رسیده حل خواهد کرد .

بهبود مداوم وضع تامین اهالی با کالاهای مورد نیاز همگان یکی دیگر از وظایف مهم در امریالا بردن سطح زندگی مردم است . طبق قرارهای نهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان گردنر کالایا در بازار گانی بشکل خرده فروشی در سالهای ۱۹۷۶-۱۹۸۰ از ۲۰ تا ۲۲ درصد افزایش می یابد . در آستانه سال ۱۹۸۰ هر خانواده ای یخچال خواهد داشت ، نزدیک به ۸۰ درصد خانواده ها ماشین رختشویی و ۹۷ درصد خانواده ها تلویزیون خواهند داشت . این بهبود مداوم وضع تامین اهالی با کالاهای مورد نیاز همگان در شرایط حفظ بهای مصرفی کالا ها انجام خواهد یافت .

از آنجاکه حزب ما در سیاست ثبات قیمت های خود پیگیری است و در راستای اطمینان اجتماعی اهالی کشور تمام مقدمات خود را بکار میگیرد ، وظایفی هم که کنگره نهم حزب سوسیالیست متحد آلمان برای بالا بردن درآمد خالص نقدی مردم تعیین کرده شاخص بد و ن واسطه بالا رفتن سطح زندگی مردم است . ما در نظر داریم که درآمد خالص مردم جمهوری دموکراتیک آلمان در سال ۱۹۸۰ بین ۲۰ تا ۲۲ درصد از سطح سال ۱۹۷۵ بالاتر رود .

وجوه اجتماعی ویژه مصرف اهالی که از جمله به رشته های تحصیلات همگانی ، بهبود قابل توجه خدمات بهداشتی و اجتماعی ، سازمان دادن استراحت و آسایش و ورزش و زندگی معنوی اختصاص داده میشود با سرعت بیشتری افزایش خواهد یافت . این وسائل و امکانات که بخش مهمی از افزایش

1- Statistisches Jahrbuch der DDR, 1976, Berlin, Staatsverlag der DDR, S. 314.

۲ - رجوع کنید به "Vorwärts" ، ۲۶ اوت ۱۹۷۶ ، صفحه ۱۲ .

۳ - رجوع کنید به مارکس ، انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۱۸ ، صفحه ۲۰۳-۲۸۴ .

درآمد های زحمتکشان وابسته بدانهاست تا سال ۱۹۸۰، ۲۹ تا ۳۱ درصد بیشتر خواهد شد . یکی از اصول تزلزل ناپذیر سیاست حزب سوسیالیست متحد آلمان در رشته دستمزدها عبارت از افزایش سهم طبقه کارگر در جریان تقسیم درآمد ملی کشور طبق برنامه ای معین و مطابق با بالا رفتن میزان کار این طبقه و افزایش نقش و مسئولیت آنست . در واقع از این رو است که در برنامه پنجساله جاری به درآمد کارگران و کارمندان با سرعت بیشتری از درآمد دیگر گروه های اهالی افزودن خواهد شد .

اصل سوسیالیستی " از هر کس باندازه استعدادش ، به هر کس به اندازه کارش " پایه و اساس سیاست حزب ماراد در رشته دستمزدها و درآمد های حاصله از کار تشکیل میدهد . این اصل که از قوانین اقتصاد ی عینی ناشی میگردد تاثیر خود را در شرایط سوسیالیسم کامل و پیشرفته هم کاملاً حفظ میکند ، زیرا این اصل در این مرحله هم بهیچوجه جای خود را به اصل تقسیم کونیستی نمیدهد و محدود و درهم نمیشود . به همین سبب سیاست حزب سوسیالیست متحد آلمان و دولت سوسیالیستی در رشته دستمزدها بطور دقیق در جهت پرداخت مزد کار به نسبت میزان کار هر یک از افراد بطور جداگانه تعیین و مشخص میگردد . دستمزدها فقط آنجا افزایش خواهد یافت که کارگران و کارمندان واقعا شاخص های بالاتری بدست آورند . چنین سیاستی به اعتلای اقتصاد کشور ، رسیدن به متعاقب هر چه کاملتر میان منافع اجتماعی و شخصی کمک خواهد کرد . دستمزدها که خود از انگیزه های بسیار مهم مادی بالا بردن بازدهی کار و عامل اصلی بالا رفتن سطح زندگی کارگران و کارمندان است ، به بدین ترتیب ارتباط متقابل سیاست اقتصادی و اجتماعی و وحدت ترقی اقتصاد و اجتماعی را منعکس میسازد .

هدف های بهبود همگانه شرایط کار و زندگی مردم که بنهمن کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان پیش کشید و در رهنمود های برنامه پنجساله تثبیت شده است ، بروشنی نشان میدهد که نه در رشته پیشرفت تولید سوسیالیستی و نه در رشته مصرف سخنی هم از هیچ نوع کاهش آهنگ رشد نمیتواند در میان باشد . اظهارات خاید غولوگ های بورژوازی در باره " عقب ماندن مصرف " توده های زحمتکش ، " پیشرفت کند و ناموزون مصرف در آینده " (۱) در کشورهای سوسیالیستی و از جمله در جمهوری دموکراتیک آلمان با فاکت های عینی در تضاد است .

به ذکر یک نمونه میرسیم . درست چند روز پیش از کنگره نهم حزب سوسیالیست متحد آلمان زمانیکه مسائل ارتباط جمعی جمهوری فدرال آلمان و دیگر کشورهای سرمایه داری با اصرار و ابهام به خوانندگان و شنوندگان خود اطمینان میدادند که کنگره نهم هیچ چیز مهم تازه ای در رشته تدابیر اجتماعی همراه نداشت ، کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان ، شورای مرکزی سندیکا های متحد آلمان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک آلمان تصویبنامه مشترکی را در باره تدابیر گسترده برای بهبود شرایط کار و زندگی زحمتکشان با مضمون " رساندن وقت و موعده مشخص انجام آنها را هم معین کردند . عملی ساختن این تصویبنامه مدتی است آغاز شده است . بطور مثال میزان نازل ترین حقوق کارگران و کارمندان از اول اکتبر سال ۱۹۷۶ از ۳۵۰ تا ۴۰۰ مارك افزایش یافته است و بار دیگر افزایش غیر برابر و مختلف ، مزد کار افرادی که درآمد نازلی دارند در مرحله عمل درآمد است .

1 - Haller. Sozialistische Akkumulations- und Wachstums-Theorie, Zur Kritik der Politischen Ökonomie des Sozialismus in der DDR, Verlag Dunker und Humblot, Berlin (West), 1974, S.114.

حقوق بازنشستگی و کمک هزینه افراد معلول از اول دسامبر سال ۱۹۷۶ تا حد قابل توجهی افزوده خواهد شد. از آغاز سال ۱۹۷۷ قرارکنگره حزب درباره معین کردن ۴ ساعت کار در هفته مرحله مرحله بمورد اجراء خواهد آمد و از سال ۱۹۷۹ بمرخصی زحمتکشان حداقل سه روز با استفاده از حقوق افزوده خواهد شد. قراری که امتیازهای تازه ای به مادرانی که کار میکنند میدهد، بمرحله اجراء آمده است.

مجموعه کل مبلغ لازم برای انجام این تدابیر طبق برنامه پنجساله به ۱۴ میلیارد مارک میرسد. این مبلغ با اضافه ۳۶۳ میلیارد مارک اعتباری که برای انجام برنامه اجتماعی - اقتصادی که در پنج ساله گذشته در نظر گرفته شده، رویهمرفته کل وجوه و وسائلی را دربرمیگیرد که برای بهبود شرایط کارزندگی اهالی کشور اختصاص یافته و طبق برنامه جاری به ابعاد عظیم ۵۰ میلیارد مارک خواهد رسید. رفیق هونکر در همین پنوم کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان گفت: "این برنامه اجتماعی - سیاسی پودامنه عظیم ترین برنامه در تاریخ مردم آلمان است. در ضمن بشرط بسا رفتن هماهنگ بازدهی کار در اقتصاد کشور امکانهای واقعی برای پیش بینی انجام تدابیر اجتماعی - سیاسی دیگری در پنجساله جاری نیز موجود است" (۱).

حزب سوسیالیست متحد آلمان ضمن عطفی ساختن برنامه اجتماعی - سیاسی خود به موافقت گسترده مردم با مشی که با وحدت سیاست اقتصادی و اجتماعی مشخص میشود اکتفا میکند. زحمتکشان در جریان تجربه روزانه شخصی خود بدین امریقین حاصل میکنند که با رشد توان اقتصادی جمهوری دموکراتیک آلمان زندگی آنها غنی تر و پررغبت تر میشود.

بزرگ راه اعتلای اقتصادی جمهوری دموکراتیک آلمان تشدید تولید اجتماعی است. در برنامه حزب سوسیالیست متحد آلمان تاکید میشود که همین تشدید تولید اجتماعی، امکان میدهد به چنان اعتلای اقتصاد کشور دست یابیم که برای بالابردن سطح زندگی مردم ضروری است و همچنین برای مد ریزه کردن مداوم و گسترش زیربنای مادی - تکنیکی سوسیالیسم دموکراتیک آلمان و ایجاد شرایط اساسی ضروری بمنظور گذارتن ریجی به کمونیسم امکان فراهم میکند" (۲). تشدید تولید اجتماعی، بدین ترتیب، یک تدبیر موقتی و گذار نیست. بعکس، تشدید تولید اجتماعی از نشانه های نمونه وار سیاست اقتصادی در مرحله ساختمان سوسیالیسم پیشرفته است. بکاربردن این سیاست مقدم بر هر چیز بمعنی راسخونالیزاسیون سوسیالیستی و سازسازی و نوکردن مؤسسات موجود است. تشدید تولید اجتماعی، علاوه بر این، ایجاد ظرفیتهای تازه تولیدی به نسبت نیازمندیهای پیشرفت موزون و طبق برنامه اقتصاد کشور را هم شامل میشود. هدف تشدید تولید سوسیالیستی عبارت از این است که در زمین مصرف رساندن حداقل بودجه و وسائل در تمام رشته ها بالا ترین نتایج را بدست آوریم و بدین ترتیب شریکشی اقتصاد کشور را افزایش دهیم. بخور مثال، مدت زمان استفاده از ماشین ها و دستگاههای پر قدرتمند موجود طبق برنامه پنجساله جاری هر ساله ۴ تا ۵ درصد باید بیشتر شود. تشدید تولید سوسیالیستی وابسته بیک سلسله عواملی است که اگر آنها یکجا و بشرط تاثیر متقابلشان روی یکدیگر استفاده شود به بالا رفتن مستمر بازدهی کار، تامین کیفیت عالی اشیاء ساخته شده، بالا ترین حد صرفه جویی در مواد لازم و سوخت و استفاده منطقی و کامل از منابع کارجمعه کمک خواهد کرد.

1 - "Neues Deutschland", 4/5, September 1976, S. 4.

2 - Programm der Sozialistischen Einheitspartei Deutschlands, S. 26-27.

ترقی علم و تکنیک ، بحقیدہ برخی از ایدئولوگ های بورژوازی جامعه رایہ بن بست میکشاند . ماعقیدہ ای مخالف با این نظریہ داریم . حزب ما توجہ فراوانی بہ مسائل مربوط بہ علم و تکنیک میدول میدارد و بدأ ورمداوم با تمام وسائل بہترقی و پیشرفت آنها کمک میکند . ارتباط ارگانیک ترقی علمی و تکنیکی با برتریهای سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان و سایر کشورهای برادر نیروی عظیمی بدان میبخشد . در پرتو همین پدیده ، علم و تکنیک در کشورهای ما بدون هیچ محدودیتی بہ امر پیشرفت سوسیالیسم خدمت میکند . دستاورد های علم و تکنیک کار انسان ، این نیروی تولیدی عمده جامعه را نہ فقط پربہرہ تر ، بلکه آسان تر و پرمضمون تر میسازد .

بہ اهمیت ترقی و پیشرفت علمی و تکنیکی برای پیشرفت پرتحرک اقتصاد کشور از جمله این فاکت گواہی میدہد کہ در جمهوری دموکراتیک آلمان در حال حاضر ۶ درصد وحشی میزان بیشتر ی از افزایش بازدهی کار بحساب استفاده از ازانفرتین دستاورد های علم و تکنیک در تولید تامین میشود . در این نیز جای تردید نیست کہ بہبود اساس واقعی کیفیت فرآورده های مصرفی ، صرفه جویی در مواد و ہم چنین ترقی قابل توجہ در رشته تکنولوژی فقط در پرتو کار علمی - تکنیکی ہر فمندانگان پذیر میگردد . رفیق ہونکرتاکید میکند کہ : " استفادہ کامل از دستاورد های علم و تکنیک در تولید نقطہ مبداء قاطع رشد درآمد ملی ما . . . خواهد شد " (۱) .

تعمیق همکاری ما با دیگر کشورهای سوسیالیستی برادر خواہ در رشته علم و تکنیک و خواہ در ی اقتصاد با ورکلی امکانات و چشم انداز های تازه و نامحدودی را در برابر ما میگشاید . وحدت قدرت ها علمی - پژوهشی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی امکان انجام سریع تر و مہمتر تر روابط مہم اقتصادی را فراهم میآورد . با ورمثال ، کشف شیوہ بسیار مہمتر تولید پلی اتیلن از طریق استفادہ از فشار زیاد کہ تحت عنوان (پلیمر ۵۰ / polimer) شہرت جهانی یافته و وسیلہ موسسات پژوهشی اتحاد جماہیر شوروی و جمهوری دموکراتیک آلمان ، شیوہ های تولید منسوجات مصنوعی و علوفہ پروتئینی و دیگر مواد و اشیاء قابل اهمیت گواہ مہمتر بخشی چنین همکاری است . در سال جاری تقریباً ۸ درصد تمام وظائفی کہ با تحقق برنامه اقتصادی کشور ما در رشته علم و تکنیک ارتباط دارند با همکاری نزدیک با اتحاد شوروی انجام خواهد شد . در کارہای مشترک پژوهشی بیشر از ۱۵ ہزار دانشمند ، تکنیسین و مہندسین جمهوری دموکراتیک آلمان شرکت دارند ؛

پیشرفت ہمپیوندی اقتصادی سوسیالیستی در آیندہ بہ جمهوری دموکراتیک آلمان امکان میدہد کہ تا سال ۱۹۸۰ مسئله بنیادی نظیر تامین نیاز مندہای فزایندہ بہ مواد خام و سوخت را کہ اهمیت فوق العادہ برای رشد اقتصاد کشور دارد حل کند . همکاری کشورهای برادر در رشته تولید و مبادلہ کالاہای مورد مصرف ہمگان ہم شرہای فراوان بسیار خواہ آورد و بنویہ خود بہ تسریع اعتلای رفاه و آسایش مردم کمک خواهد کرد .

تحقق پیگیر وحدت سیاست اقتصادی و اجتماعی ، موجب رشد چشمگیر فعالیت خلاق زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان در امر علمی ساختن وظائفی کہ حزب در برابر آنها قرار دادہ گردید . مسابقہ سوسیالیستی کہ وسیلہ اتحادیہ های کارگری و تحت رہبری حزب تشکیل میشود گواہ برجستہ و روشن این دعوی است . امروز این مسابقہ دامنه ، تحرک و بہرہ دہی بی مسابقہ ای کسب کردہ است ، و خود را ہرچہ بیشتر بمنزلہ کاملترین " بروز خلاقیت شودہ های زحمتکش در امر ساختمان جامعه پیشرفته اقتصادی " نمودار میسازد . (۲)

1 - " Neues Deutschland " , 4/5 September 1976, S. 4.

2 - Programm der Sozialistischen Einheitspartei Deutschlands, S. 35

اندکی پس از نهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان گروههای مختلف زحمتکشان و سازمانهای سندیکائی موسسات تعهدات نمودارانه داری در راه انجام برنامه اقتصادی کشور و فزاینده تر رفتن آزمایشاتی که طبق برنامه باید انجام دهند بعد گرفتند. مسابقه با این شعار انجام میشود که: "هرمارک، هر ساعت از وقت کار و هر گرم از مواد خام با حد اکثر بهره دهی مورد استفاده قرار گیرد!" این شعار ربط و رد قیق منعکس کننده تمایلات زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان است که مایلند با کار خود بتمعیق شدیدی تولید اجتماعی و بالا بردن کیفیت و ثمر بخشی کارگمکنند تا بدین ترتیب به رشد قدرت اقتصادی کشور سوسیالیستی مایاری رسانده باشند.

گروههای مختلف زحمتکشان که در جریان انجام مسابقه ها ابتکارهای تازه ای از خود نشان میدهند عزم راسخ دارند که در آیند هم اشتراك خود در انجام وظایف اصلی یعنی تامین وحدت سیاست اقتصادی و اجتماعی را تشدید نمایند. از اینجا چنین نتیجه ای بدست میآید که مسابقه دو هدف را دنبال میکند، یکی هدف اقتصادی یعنی پیشرفت تولید سوسیالیستی و دومی هدفی که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم با اعتلای سطح زندگی مادی و معنوی هر چه بیشتر مردم ارتباط دارد. بطور مثال، پیشنهاد شورای مرکزی سندیکاهای متحد آلمان برای ایجاد ۱۰۰ هزار خانه اضافی دیگر تا سال ۱۹۸۰، در چهار چوب برنامه ای که در پیشتر است، با تأیید پرداخته ای رویو گردید. هم سازندگان خانه ها و هم بسیاری از گروههای مختلف زحمتکشان از سایر رشته های اقتصاد کشور برای عملی ساختن این ابتکار که بنام "۷۵۰ هزار ریاضافه" ۱۰۰ هزار معروف گردید، پیشنهادهای مشخص ارائه میدهند. قبول تعهداتی نظیر تولید سیمان اضافه بر میزان پیش بینی شده در برنامه و یا اضافه تولید مصالح ساختمانی دیگر مانند شیشه، پنجره، کاغذ و مواد مختلف برای پوشاندن دیوارها و آنها و یا فروش کردن کف اطاق و سایر وسائلی و اشیا لازم برای ساختمان بروشنی نشان میدهد که ابتکار سندیکاهای از طرف زحمتکشان بمنزله وظایف تمام جامعه تلقی و پذیرفته شده و مورد پشتیبانی گسترده آنان قرار گرفته است.

مسابقه سوسیالیستی که مورد استقبال شدیدی زحمتکشان قرار گرفته، در عین حال شکل و شیوه پراهمیت اشتراك آنان در انجام وظایف اقتصادی و اجتماعی جامعه ما است. اشتراك فعال توده ها در طرح ریزی و اداره امور اقتصاد کشور و سراسر زندگی اجتماعی در این پروسه نیز نمودار میگردد که زحمتکشان بطور منظم طرح برنامه های بسط و تکامل اقتصاد کشور را در چهار چوب جلسات بحث و مذاکره ای که سندیکاهای تشکیل میدهند مورد مذاکره قرار میدهند و بدین ترتیب این برنامه ها را با پیشنهادهای مفید خویش غنی تر میکنند. از جمله، در سال جاری بیش از ۸۰ درصد از اعضا سندیکاهای در جلسات شرکت جستند که در آنها طرح برنامه سال ۱۹۷۷—۷۸ مذاکره گذارده شده بود. در این جلسات پیشنهادهای بسیار ارائه گردید و تذکرات مفیدی داده شد. در نتیجه ریک سلسله از موارد بودائفی که بمعهد دولت است افزودند و تعهدات بیشتری برای برنامه هائی که در پیشتر است پذیرفته شد. از جمله و بطور مثال در مجتمع پتروشیمی که در شوهت واقع است در جریان بحث و مذاکره برنامه ۵۳۲ پیشنهاد ارائه گردید. برنامه ای که بر اساس این پیشنهادها تنظیم گردید و بالا بردن حجم فرآورده های صنعتی و بازدهی کار را علاوه بر آنچه طبق وظایف برنامه های دولتی در نظر گرفته شده بهتر ترتیب همیزان ۴۳ و ۳۳ درصد افزایش میدهد. اشتراك گسترده زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان در برنامه ریزی و اداره پروسه های اقتصادی و اجتماعی تأیید روشن و آشکار قابلیت زیست بنیادی دموکراسی سوسیالیستی ما است. در هیچیک از کشورهای سرمایه داری جهان نمیتوان مؤسسه ای را یافت که کارگران آن دارای چنین

حق واقعی برای اشتراك در محل مسائلی باشند كه كاركنان موسسات سوسیالیستی ما اراهمتند . چنین امری برای كارگران ما در شمار واقعات زندگی روزانه است . این فاكت برتری سوسیالیسم و دموكراسی سوسیالیستی را بر مناسبات سرمایه داری استثمارتوده های زحمتکش بطور درخشانی نشان میدهد . پراتيك زندگی اجتماعی در جمهوری دموكراتيك آلمان هم مانند سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی بطور انكارناپذیری گواه بر این است كه : فقط از میان برداشتن استثمار فرد از فرد آزادی و دموكراسی واقعی برای زحمتكشان را تامین میکند . رفیق هونكر تاکید کرد كه " سوسیالیسم آزادی و وحدت جدائی ناپذیری را تشكيل میدهد . بدون سوسیالیسم آزادی نیعت بدون آزادی هم سوسیالیسم نیست " (۱) .

در جریان تكامل تدریجی دموكراسی سوسیالیستی و افزایش هر چه بیشتر نقش طبقه كارگر به مسؤلیت سندیکاها افزوده میشود و ارج و اعتبار آنها استوارتر میگردد . این سندیکاها كه تقریباً تمام كارگران ، كارمندان و نمایندگان روشنفكران را در صفوف خود متحد ساخته اند ، با موفقیت و وظیفه مكتب سوسیالیسم و اداره امور كشور بشیوه سوسیالیستی را انجام میدهند و در طرح و تنظیم عملی ساختن سیاست اقتصادی و اجتماعی در جمهوری دموكراتيك آلمان شركت جدی دارند . سندیکاها و وظائف به شمار خود را كه در ارتباط با دفاع از منافع زحمتكشان است ، تحت رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان انجام میدهند . آنها اتحاد خلق ناپذیر ، با حزب ماركسیستی - لنینیستی طبقه كارگر را ضامن فعالیت موفقیت آمیز خویش در راه خیر و رفاه زحمتكشان میدانند .

حزب طبقه، حزب خلق

نیکلای پتروویچف

عضو مشاور کمیته مرکزی حزب
کمیونست اتحاد شوروی -
معاون اول رئیس شعبه کارهای
سازمانی و حزبی کمیته مرکزی حزب
کمیونست اتحاد شوروی

مسائل نظری و عملی ساختمان حزب توده ای (خلقی) در آموزش مارکسیسم - لنینیسم در باره حزب انقلابی همواره از مسائل عمده و شمار رفته و در شرایط رشد و گسترش جنبش کمونیستی نیز از مسائل عمده اند . سود مندی و لزوم کوشش برای پژوهش ژرفترین مسائل نمیتواند مورد اعتراف همگان نباشد (۱) . بنظر ما با توجه به تجارب حزب کمیونست اتحاد شوروی ، عطف توجه بمسئله سرشت طبقاتی حزب ، اصول شکل یافتن ساختار اجتماعی آن و شیوه های تأثیر روی توده ها بویژه محاذ اهمیت است .

چنانکه میدانیم بنیاد گزاران کمونیسم علمی از این نظریه دفاع میکردند که برای پیروزی پرولتاریا حزب ویژه ای ، جدا از همه احزاب دیگر و حزبی که به طبقاتی بودن خود آگاه باشد لازم است . از جمله انگلر متذکر شده است که حزب دموکراتیک اصیل فقط میتواند حزب کارگری باشد . عناصر روشنفکر از طبقات دیگر نمیتوانند به این حزب بپیوندند و حتی پس از آنکه صداقت خود را به اثبات برسانند در پارلمان نمایندگان آن باشند . " اما هیچ حزب دموکراتیکی . . . نمیتواند به کامیابی واقعی برسد اگر خصلت پرولتری کاملاً آشکار نداشته باشد . کافی است از این امر صرف نظر کنید و آنوقت شما چیزی دیگری بجز یک دسته جدا از توده ها و فریب و دروغ نخواهید داشت " (۲) .

لنین در خصلت پرولتری جدی و استقلال طبقاتی حزب ، نخستین پایه ووشیقه انقلابی بودن ، ثبات اندیشه و توان پابرجایی در برابر آشفتگی اپورتونیستی را میدید . لنین در عین حال وظایف " حزب طبقه " بودن را با این خواست که در هر اوضاع و شرایطی " حزب توده ها " باقی بماند و پیش آنگی باشد که در دشوارترین دوران از مجموعه ارتش خود جدا نشود ، بشکل ناگسستنی بیکدیگر بپیوندند میدان " (۳) .

در گزارش کمیته مرکزی حزب کمیونست اتحاد شوروی به بیستم و پنجمین کنگره ، پیوند متقابل دیالکتیکی عمیق طبقاتی و عموم خلقی در سرشت و فعالیت حزب کمیونست اتحاد شوروی بر روشنی

۱ - مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۱۵۵ ای ۴ ، ۶ ، ۷ و ۱۱ سال ۱۹۷۶ .
۲ - مارکس و انگلس ، مجموعه آثار ، جلد ۱۹ ، ص ۴۸۸ .
۳ - لنین ، مجموعه کامل آثار ، (بزبان روسی) جلد ۱۷ ، ص ۳۶۴ .

سالهای اخیر رخدود یازده درصد کسانی را که تازه بصوف حزب پیوسته اند ، دهقانان گلخوری تشکیل میدهند . این امر تقویت نفوذ حزب در روستا و انجام موفقیت آمیز سیاست کشاورزی حزب را تامین میکند . بهترین نمایندگان روشنفکران که در رشته های تولیدی ، علمی و هنری فعالیت میکنند با علاقمندی به صفوف حزب کمونیست اتحاد شوروی می پیوندند و ۲۵ درصد شماره اعضای جدید و نامزد عضویت حزب را تشکیل میدهند . اکنون یک چهارم همه پندسان ، مهندسان کشاورزی و دامپروری و معلمان و یک پنجم تایلک ششم و هفتاد و پنج ساله در اتحاد شوروی عضو حزب میباشند .

حزب ما به این مسئله توجه فراوان دارد که صفوف خود را بطور مداوم با جوانان بویژه بهترین اعضای سازمان کومسومول تکمیل کند . حزب این امر را به مثابه توارث و بهیگیری نسل ها ، روح انقلابی حزب و سنن خود بشمار میآورد . تعداد جوانانی که به حزب وارد میشوند در حال فزونی است . در حالی که در سال ۱۹۶۶ میان کسانی که به عضویت حزب درآمدند ۴۰ درصد از سازمان کومسومول بودند در سال ۱۹۵۲ شماره آنها به ۷۰ درصد اعضای جدید حزب رسید . سازمانهای حزبی و جنبشها به مسئله جلب زنان به حزب توجه فراوان دارند . اکنون تعداد زنان عضو حزب ۲۳ درصد کلیه اعضای حزب و نزدیک به ۳۰ درصد اعضای جدید حزب را تشکیل میدهد .

در کشور کثیرالطنفه ما مسئله ترکیب ملی حزب اهمیت بسزایی دارد . اکنون نمایندگان بیست و صد ملیت و خلق که در اتحاد شوروی زندگی میکنند در صفوف حزب متحد شده اند . طبیعی است که در سازمانهای حزبی جمهوریها تعداد کمونیست ها در درجه اول از میان نمایندگان ملی محلی افزایش می یابد . در عین حال ترکیب این سازمانها از جنبه هر چه بیشتر انترناسیونالیستی میشود . این دو گرایش با هم پیوند متقابل دارند و نمود ارشد و شکوفائی اقتصاد و فرهنگ جمهوریها و رونق نزدیکی ملت ها و خلقها بیکدیگر است .

ارج و اعتبار عظیم حزب کمونیست اتحاد شوروی به تمایل و علاقمندی زحمتکشان برای پیوندند اندیشه ای و سازمانی سرنویست خود با حزب و ورود به صفوف آن میافزاید . اما حزب نمیتواند همه کسانی را که مایل به عضویت در حزب هستند بپذیرد . حزب تمام توجه خود را روی رشد کمی اعضای حزب متمرکز نمیکنند و ترکیب اعضای حزب را بطور منظم زیر نظر دارد . وسیله مهم این تنظیم و توجه به ترکیب حزب سختگیری بیشتر در شرایط ورود به حزب است . در نتیجه این شیوه برخورد در پذیرش به عضویت حزب ، در سالهای اخیر شماره کسانی که به حزب پذیرفته شده اند کاهش یافته . در حالی که دوران میان کنگرس های ۲۲ و ۲۳ حزب سالیانه ۵۷۶ هزار نفر از نامزدهای عضویت حزب به حزب پذیرفته شدند در فاصله میان کنگرس های ۲۳ و ۲۴ سالیانه ۶۰۰ هزار نفر در فاصله میان کنگرس های ۲۴ و ۲۵ سالیانه ۵۲۰ هزار نفر به عضویت حزب پذیرفته شدند . در کنگرس بیست و پنجم ضرورت بالا بردن اهمیت دوران نامزدی به عضویت حزب همانند دوران حیات لنین خاطر نشان گردید و هم چنین تاکید شد تا در مورد نامزدهای عضویت حزب به بررسی همه جانبه کیفیت سیاسی و فعالیت و پرورش مارکسیستی - لنینیستی آنها توجه بیشتری معطوف شود . استحکام سازمان حزب و افزایش احترام به مقام کمونیست و در نتیجه بالا بردن وجهه و حیثیت حزب در میان توده های وسیع نه تنها با تشدید ترکیب اعضای تازه که به حزب وارد میشوند و سخت گیری برای ورود به صفوف حزب ، بلکه به همین با پرورش کمونیستها و توسعه فعالیت و بالا بردن سطح انضباط آنها تامین میگردد . پایه این امر همان اصل مرکزیت و موکراتیک است .

رفورمیست ها و انتقاد کنندگان بورژوازی آموزش لنین در باره حزب را از نوین تلاش دارند ثابت کنند که گویا " مرکزیت " عرصه را بر مبداء " موکراتیک " فعالیت حزب تنگ میکند . اما زندگی

درون حزبی مثلا حزب کمونیست اتحاد شوروی خلاف این مطلب را نشان میدهد . تعمیق مستمر
 مضمون و تکامل شکل‌های دموکراسی درون حزبی از مشخصات حزب خلقی مارکسیستی - لنینیستی
 است و این جریان فقط همزمان با بالا بردن حس مسئولیت و انضباط کمونیست‌ها امکان پذیر میباشد .
 در سیاست وینجمن کنگره حزب تاکید شد که حزب ماکسانی را برارزش میداند که بتواند انضباط
 و حسن ابتکار و ابداع در اجرای همه کارها را با هم بیاورند . این خط مشی حزب و مجموعه فعالیت
 سیاسی آن پنداره‌های مبلغین بورژوازی و " شوروی شناسان " کوناگون را که گویا حزب کمونیست
 اتحاد شوروی خواستار اطاعت کورکورانه از بالا است و گویا کارهای حزبی نقش ندارند و " اوامر " را
 بایی اعتنائی و لا قیدی اجرا میکنند ، رد میکند . بدیهی است که تعلق داشتن به حزب ، از کفو
 فداکاری ، تابع ساختن منافع فردی به منافع جامعه و منافع جمع و صرف تمام نیروی رکاری را که اغلب
 فاقد جلوه و ثمربخشی ظاهری است ، میطلبد . ولی این امر بهیچوجه بدنامی نیست که ایدآل ما
 انضباط مبتنی بر تداوم بی‌اداری و ترس و غیره است . " در حزبی که میلیون‌ها نفر بدنیا آن میروند
 انضباط اصولا چیز دیگر غیر از انضباط در گروهی است که چند صد تن عضو دارد " (۱) .
 انضباط حزبی که بر پایه مرکزیت دموکراتیک استوار است ، انضباط رفیقانه حزبی بر آگاهی
 در تک مسئولیت خود ، وفاداری به آرمانهای طبقه کارگر ، اعتقاد تزلزل ناپذیر به درستی اندیشه
 و سیاست آن و به توانائی زیستن بخاطر منافع مشترک حزب و منافع توده‌ها مبتنی است .
 یکی دیگر از نشانه‌های جدائی ناپذیر حزب توده ای که از اینجائاتاشی میشود شرکت فعال
 تمام کمونیست‌ها در کارهای سازمانهای خود و زندگی روزمره کشور است .
 یکی از خصائص مهمی که حزب کمونیست اتحاد شوروی امروزی را متمایز میکند ، اعتدالی چشمگیر
 سطح ابتکار و فعالیت همه سازمانهای حزب و همه کمونیست‌هاست . ما در این باره از روی نتایج کلی
 کارهای حزبی طی پنجسال گذشته و از جمله از روی آن روحیه سیاسی عالی و شور و شوق کار ساز و خلاق
 که در جلسات انتخاباتی پیش از کنگره در سازمانهای اولیه و کنفرانسها و کنگره‌های حزبی بروز کرد ،
 قضاوت میکنیم . کافیست گفته شود که در جلسات سازمانهای اولیه حزب متجاوز از ۹۴ درصد همه
 کمونیست‌ها شرکت کردند ، و یک چهارم آنها در بحث و مذاکره شرکت داشتند .
 در جریان کار عظیم بحث و تحقیق برنامه‌های هر یک از واحدهای کار جمعی ویژه و وظائف
 نخستین سال در همین برنامه پنجساله ، بقی مصوبات بیست و پنجمین کنگره حزب ، فعالیت
 فوق العاده زیاد تمام کمونیست‌ها و تا از محتملشان بچشم میخورد . ارتباط متقابل ارگانیک طبقاتی
 و عموم خلقی در فعالیت حزب در تدرین و تحقق برنامه و سیاست آن بنحوی درخشان تجلی میکند .
 مارکسیسم - لنینیسم میآموزد که توده ای بودن حزب انقلابی طبقه کارگر را بقدره او یا فقط به تعداد
 اعضای آن بستگی ندارد ، اگر چه ترکیب کمی خود حائز اهمیت شایانی است . توده ای بودن حزب
 انقلابی طبقه کارگر قبل از هر چیز بانیروی نفوذ آن روی توده‌های انبوه و تأیید و پشتیبانی شعارها
 و سیاست حزب از جانب توده‌ها مشخص میشود . روشن است که درست‌ترین سیاست‌ها ، سیاست
 اصولی است . از آنجاکه حزب مارکسیستی - لنینیستی با جنبه طبقاتی خود مشخص میگردد و بآی بند
 به حیثیت سیاسی خود میباشد ، نسبت به مواضع برنامه ای خود با مسئولیت کامل برخورد میکند . این
 اصول را با زجه قرار میدهد و آنها را مانند پوشاک از مد افتاده بدور می افکند . ما از روی تجارب خود
 بدوی میدانیم که کمونیست‌ها که دارای وحدت اندیشه اند فقط بر پایه سیاست اصولی طبقاتی بطور
 استوار متحد میشوند .

حزب مادره مان نخستین برنامه خود که درد و مین کنگره حزب سوسیال د موکرات کارگری روسیه بته ویب رسید توانست اشتراک منافع با بقه کارگروید یگز زحمتکشان را در مبارزه با تزارسم ، ملاکمان و سرمایه داری منعکس کند . در این برنامه هم وظایف ، باقیاتی و سوسیالیستی پرولتاریا و هم خواست ۱.۵ د موکراتیک همگانی توده ای زحمتکش یعنی سرنگونی رژیم سلطنت ، تشکیل جمهوری د موکراتیک روزگار هشت ساعته ، لغو مالکیت زمینداران بر زمین و غیره مطرح شد . این امر اندیشه ۱.۵ ای حزب را برای توده ها قابل درک کرد و به حزب کمک نمود تا ۵ مه محافل ترقیخواه و کشاوررا بمبارزه انقلابی و پیشتیانی از اندیشه سوسیالیسم فراخواند .

توجه و اهتمام مستمر حزب نسبت به استحکام وحدت صفوف خود ، خط مشی استراتژیکی قابل درک برای توده های انبوه و تاکتیک انقلابی پیگیر و قابل انعطاف ، نفوذ و وجهه آترافوق العاد بالابرد ، بلشویک ها که بمثابة یک سازمان نسبتا کوچک انقلابیون حرفه ای بعرضه سیاست قدم گذاردند در اکتبر ۱۹۱۷ به حزب توده ها تبدیل شدند . پیر از انقلاب فوریه که حزب به فعالیت آشکار پرداخت نزدیک به ۲۴ هزار نفوذ داشت ، پیر از پنج ماه د رشمن کنگره اعضای حزب تا ۲۴ هزار نفوذ فزونی یافت و در اکتبر ۱۹۱۷ شماره اعضای حزب به ۳۵ هزار نفر یعنی پانزده بار بیشتر از زمانیکه به فعالیت آشکار آغاز نمود ، رسید . در این حالت هم حزب نسبت به توده های مردم مانند قطره ای در دریای بود . اما حزب اکثریت زحمتکشان را بد نیال خود برد ، حزب در راه رسیدن به پیروزی ، مبارزه با بقه کارگر خراطرسوسیالیسم ، جنبش همگانی مردم در راه صلح ، مبارزه دهقانان برای زمین و مبارزه خلقهای ستمکش روسیه برای آزادی ملی را در یک مسیر انقلابی درهم آمیخت و این نیروها را بسوی واژگونی نظام سرمایه داری هدایت کرد .

مردم بد نیال حزب لنین رفتند و بدان اعتماد کردند و حزب با سرافرازی نقش پیشوای سیاسی و رهبری خلق را ایفاء کرد و ایفاء میکند . حزب با تکامل آموزش مارکسیسم و تطبیق آن با شرایط مشخص برنامه عظیم ساختمان سوسیالیسم را تدوین نمود که حلقه های اصلی آن ، صنعتی کردن و الکتریکی کردن کشور ، نوسازی سوسیالیستی کشاورزی ، انقلاب فرهنگی و اعتلای سطح زندگی مردم بود . بلشویک ها توانستند توده های انبوه زحمتکشان را به تحقق برنامه های تدوین شده از جانب حزب جلب کنند و آنرا با روح صداقت و وفاداری به امر سوسیالیسم پرورش دهند .

حزب برای مردم بود و آمده و خدمت بخلق را اولترین هدف فعالیت خود میدانند . با توجه به این هدف عالی یا وظایف نامین اعتلای مداوم سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم شوروی حزب استراتژی اقتصاد را تدوین کرد که بعمرله اجرا در میآید و راهها و وسائل مشخص رسیدن به هدفهای حزب را هم در بر میگیرد . این وسیله ها عبارتند از رشد پرتحرک و متناسب تولید اجتماعی بالا بردن سطح ثمر بخشی آن ، تسریع ترقیات علمی و فنی ، اعتلای سطح بازدهی کار و بهبود همه جانبه کیفیت کار در شتام رشته های اقتصاد کشور . حزب بموازات تکامل بخشیدن بمناسبات اقتصادی به رشد و تکامل سیستم سیاسی سوسیالیسم و گسترش دموکراسی سوسیالیستی توجه فراوان دارد . حزب به امر بهبود فعالیت و بالا بردن نقش شوراها ، اتحادیه های کارگری ، سازمان جوانان یاری میکند ، وحدت و دوستی میان خلقهای اتحاد شوروی را استحکام می بخشد و بمسائل پرورش نسل جوان توجه فراوان معطوف میدارد .

بدین ترتیب برنامه ساختمان کمونیستی که بیانگر آرمانهای طبقه کارگراست ، دارای خصیلت طبقاتی است . در همین حال از آنجا که توجه و مراقبت نسبت به انسان و تکامل شخصیت آن در مرکز ثقل این برنامه و سیاست قرار دارد ، لذا این سیاست ، سیاسی واقعا انساندوستانه و عمیقا خلقی است .

حزب کمونیست در جمیع فعالیت های خود متکی به توده ها است . پیوند با زحمتکشان ، پرورش طبقاتی و آموزش و آماج کردن آنها برای مبارزه انقلابی را حزب با زحمتکشان روز تا سپس خود مهمترین وظایف خود میدانسته است . لنین تاکید کرد ، برای آنکه فعالیت حزب در عمل طبقاتی باشد نه تنها باید در زندگی سیاسی شرکت کند بلکه باید زندگی سیاسی و فعالیت های غیرمشکل قشرهای انبوه مردم را در عرصه عالی ترود رزاه هدفهای عمدترونیادی ترهدایت کند (۱) . توانائی رهبری توده ها ، سازگار شدن با پنداره های باطل ، تحت تاثیر روحیات عقب مانده قرار گرفتن ، سازمانده جنبش بودن و نه دنبال روی کردن از حوادث - اینهاست آن هنری که حزب ماتحت رهبری لنین و با پیروی از وصایای او به ورخستگی ناپذیر برای خود کسب کرده است . عمدترین شیوه رهبری حزبی توده ها شیوه اقلیت است . مسلم است که طی سالهای ساختن سوسیالیسم و کمونیسم سطح آگاهی و رشد فکری مردم شوروی همیزان فوق العاده زیادی بالا رفته است . اما این بهیچوجه بدات معنی نیست که نیاز مابه شیوه اقلیت منتفی شده است . برعکس ، همواره مهمترین کار حزب آن بود هوهست که محتوی سیاست تدوین شده را عمیقاً توضیح دهد ، توده ها را معتقد سازد و آنها را هدایت نماید . ماهیت کار حزبی در همین است . و این کار نتایج مثبتی بیار می آورد . مردم شوروی که سیاست حزب را بمثابة امر حیاتی خود می پذیرند ، برای تحقق سریع وظایفی که در برابر خود دارند و اجرای برنامه های پیش بینی شده ابتکار خلاق از خود نشان میدهند و طرق و شیوه های نوراجستجو میکنند و می یابند . تحریک جبهی و ذاتی از خصائص ویژه حزب مارکسیستی - لنینیستی است . حزب که بیانگر پیگیری اندیشه های انقلابی طبقه کارگر و امیدها و آرمانهای توده های وسیع زحمتکشان است نسبت به دیگر گونیه های شرایط اجتماعی دقیقاً واکنش میکند و با توجه به اوضاع ، مسائل مهمتری را مطرح و اجرا میکند و زندگی درونی خود را تکامل میدهد ، اشکال و شیوه های رهبری را با محتوی نو غنی میسازد .

پایه و اساس فعالیت های بازمانده انقلابی حزب و تکامل خود حزب بمثابة یک ارگانسیسم سیاسی زنده ، آموزش مارکسیسم - لنینیسم است . وثیقه یکپارچگی ایدئولوژیک صفوف حزب بمنزله حزب توده ای اصیل در همین است . این امرضامن جلوگیری از آشفتگی و تنزل و انحراف از خط مشی اصولی است . حزب ماضن پیروی پیگیر از اصول بنیادی مارکسیسم - لنینیسم و دفاع استوار از این اصول ، در عین حال با کاربست جزئی تئوری مخالف است . حزب کمونیست اتحاد شوروی بسط و تکامل خلاق آموزش انقلابی را وظیفه انترناسیونالیستی پرافتخار خود میدانده همیشه در اجرای این وظیفه ، مسئولیت کامل حس میکند . ل. برژنف در بیست و پنجمین کنفرانس خاطرنشان کرد : " نیروی مارکسیسم - لنینیسم در تکامل خلاق دائمی آنست . مارکس چنین می آموزد : لنین چنین می آموزد . حزب ما همواره به وصایای آنها وفادار خواهد بود " (۲) . قرارها و اسناد بیست و پنجمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی گواه پژوهش مستمر علمی و غنای خلاق تئوری انقلابی است .

سلاح آزمون شده تکامل همه جانبه زندگی اجتماعی و از آنجمله خود حزب ، انتقاد و انتقاد از خود میباشد . به تناسب افزایش دامنه و پیچیدگی وظایفی که انجام میشود ، برخورد انتقادی نسبت به همکارها اهمیت ویژه ای کسب میکند . بیست و پنجمین کنفرانس حزب خاطرنشان کرد که ماهیت شیوه انتقاد عبارت از آنستکه تمام جوانب فعالیت این یا آن سازمان ، این یا آن کارمند واقع بینانه ارزیابی شود و نارسائی های موجود ، بمنظور برطرف کردن آنها ، مورد تجزیه و تحلیل همه جانبه قرار

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۲۱ ، ص ۹۳ .

۲ - ل. برژنف ، "باخط مشی لنینی" جلد ۵ ، ص ۵۳۰ .

گیرد . ارزش انتقاد نهدر بیان ، خشونت آمیز آن بلکه در حقانیت و اهمیت اجتماعی مسائلی است که مطرح میشود . بنوبه خود انتقاد از خود نیز زمانی ارزش دارد که از روی صمیمیت بیان شود ، زمانیکه نه فقط بنماتسا آنها اعتراف میشود بلکه بسرعت در رفع آنها کوشش بعمل میآید . کار خود کنگسره بیستوپنجم واستنتاجات ومصوبات آن برای کمونیستها ی شوروی نمونه انتقاد وانتقاد از خود جدی ، اصولیت لنینی و روشن بینی چه در ارزیابی های کامیابها و چه امکاناتی که از آنها استفاده نشده ، میباشد .

رشد وتکامل حزب باروح توارث وپیگیری سنن ووصایای انقلابی باروح برخورد دقیق وجدی نسبت به تجارب نسلهای انقلابی پیشین کشور خود و دیگر کشورها ، تحقق می یابد . حزب کمونیست اتحاد شوروی کمونیستها و اعضای جدید خود را درست بهمین منوال پرورش میدهد . انگلس نوشته است " . . . یادآوری جنبشهای گذشته برای جوانان سود مند است وگرنه آنها تصور خواهند کرد که همه چیز امره وون خود هستند (۱) . این مسئله همیشه حائز اهمیت بود و در دوران ماهم که کامیابها ونفوذ احزاب برادرافزایش می یابد وتجارب آنها جامع تروفنی ترمیشود ، چنین برخوردی اهمیت ویژه ان کسب میکند . برخورد احترام آمیز نسبت به تجارب گذشته وحال ازوصایای لنین کبیر بعاست وحزب کمونیست اتحاد شوروی باعلاقندی ودقت قابل فهم فعالیت احزاب براد ررا در نظر دارد و کامیابهای آنها را بررسی میکند واین امر به پرورش ایدئولوژیک کمونیستها ی شوروی که میهن پرست وانترناسیونالیست اند ، کمک میکند . درک اینکه یک حزب بخش جدائی ناپذیرویکی ازگردان های جنبش کمونیستی جهانی است ، بمنظور وسط وتکامل وآگاهی همه جانبه آن از اوضاع جهان اگر یک حزب اصیل تود ه ان ونه حزب محدود ومنزوی است نمونه واروتیپیک میباشد . حزب کمونیست اتحاد شوروی طرفدار استوار اصول آزمون شد همارکسیستی - لنینیستی وانترناسیونالیسم پرولتری است وباتمام نیرووتما موسائلی که در اختیار دارد از مبارزه نیروهای انقلابی کشورها برادرانه پشتیبانی میکند وبه وحدت هرچه بیشتر جامعه کشورهای سوسیالیستی همه کمونیستهای جهان ، همه هوادار را استقلال ملی وترقیات اجتماعی وصلح میان خلقها همه جانبه کمک میکند .

در بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی منظاره رشد وتکامل حزب ما بعنوان یک ارگانسیم بزرگ ونیرومند بنحوی روشن نمود ارگردید وآشکارانشان داده شده است که چگونه بر اساس مراعات پیگیروتکامل موازین لنینی زندگی حزبی و اصول رهبری استحکام می یابد ووحدت تشویک وسازمانی آن با محتوی تازه غنی میشود . تجربه ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم گواه رشد فزاینده و پیگیر نقش رهبری حزب ، بالا رفتن وجهه آن مانند سازمان دهنده والهام بخش همه پیروزیها است . حزب کمونیست اتحاد شوروی با پیروی استوار و پیگیر از آموزن مارکسیسم - لنینیسم ورشد وتکامل وغنای مسترآن ، مردم شوروی را با اطمینان خاطر بصوی پیروزی کمونیسم رهبری میکند .

منابع نیروی حزب انقلابی

یوگ ایندراشارما

عضو کمیته اجرائیه مرکزی، دبیر
شورای ملی حزب کمونیست
هند وستان

حزب ما بهنگام تعیین مشی انقلاب هند وستان تحقق دموکراسی ملی را بمنزله مرحله گذار به سوسیالیسم هدف خود قرار داد. وظیفه ایحاد حزب انقلابی توده ای بیاد و مستقیم و بلاواسطه از این هدف ناشی میگردد. نیروی این حزب باید از وحدت یکپارچه و انضباط آگاهانه آن ناشی گردد، مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری را رهنمود خود قرار دهد و قادر به بسیج و وحدت تمام نیروهای میهن پرست و موکرات کشور بر پایه اتحاد کارگران و دهقانان باشد. مسائل مربوط به ایحاد چنین حزبی، بویژه در اوضاع و احوال هند وستان پیچیده و بیفرنج است، زیرا اهالی هند وستان بزبانهای گوناگون سخن میگویند، پیرو بین های مختلف اند و در آنجا چنانچه صورت بندی اجتماعی - اقتصادی ازمانده های نظام قبيله ای تا سرمایه انحصاری وجود دارد، بیشتر از رسوم اهالی بیسواد اند و ۸۰ درصد آنها در روستاها زندگی میکنند. با اینهمه ما با اطمینان به انجام این وظیفه مهم حیاتی پرداختیم.

۱

در این راه چه موفقیت هایی بدست آورده ایم؟ در حال حاضر بیشتر از نیم میلیون نفر بیصوف حزب کمونیست هند وستان پیوسته اند، ۵ میلیون نفر در سازمانهای توده ای که تحت تاثیر حزب اند متشکل شده اند، تقریباً ۱۰ میلیون نفر از انتخابات کنندگان آرا خود را بدان میدهند، در مجامع قانون گذاری ۱۵ ایالت نماینده دارد و در چهار خوب جبهه متحد با حزب حاکم کنگره ملی هند وستان و برخی از احزاب دیگر در ایالات کرالا و مانپور ردولت شرکت دارد.

حزب کمونیست هند وستان به بزرگترین حزب چپ گرا و زلخاظ بزرگی به دوین حزب ملی کشور مبدل شده است، این حزب در جریان نبرد آشتی ناپذیر با احزاب ارتجاع راست که به ازهم پاشیدن آن میکوشیدند و ضمن وحدت و مبارزه با حزب کنگره ملی هند وستان، استحکام یافت. نفوذ خود را گسترش داد و در بخشهای مختلف کشور طرفداران تازه ای پیدا کرد. حزب بویژه در سال گذشته، هنگامیکه نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی بمنظور "برهم زدن ثبات" وضع کشور فعالیت تبلیغاتی در یوانه واری دست زدند، با سرعت رشد کرد، آن تلاشها و تبلیغات هم، با مقاومت لازم رو بروگردید و نقشه های ارتجاع بوسیله دولت ایندیرا گاندی که وضع فوق العاده در کشور اعلام کسرد (ژوئن ۱۹۷۵)، بهم خورد.

گسترش فعالیت های ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی حزب که قادر است هرگونه تغییر و تحول اوضاع سیاسی را بدستی ارزیابی کند به رشد واقعاً بی سابقه حوزه های حزبی و افزایش تعداد سازمانهای تازه در نقاط مختلف کشور انجامید . تنها از آخر ژانویه سال ۱۹۷۵ یعنی دوران بسر گذاری آخرین کنگره حزب (کنگره دهم) ، تا آخر ژانویه سال ۱۹۷۶ اعضای حزب کمونیست هند وستان از ۵۲۶ ۳۵۵ نفر به ۵۳۸ ۸۷۰ نفر افزایش یافته است . نه فقط میزان بسیاری از بر تعداد سازمانهای اولیه (که ما آنها را شعبه مینامیم) ، بلکه به تعداد خود سازمانهای حزبی هم افزوده شد و تعدادشان از ۱۶ هزار به ۲۳ هزار رسید است .

حزب ، طی تمام دوران موجودیت خود چنین رشد چشمگیری در صفوف خویش نداشته است . تنها طی یکسال همانقدر اعضای تازه بصوف آن پیوستند که در نخستین سی و پنج سال موجودیت آن . تعداد این اعضای تازه بیش از رقم کل اعضای حزب (۸۶۶ ۱۳۴ نفر) است که در سال ۱۹۳۳ هنگام برگزاری آخرین کنگره پیش از انشعاب آن (کنگره ششم) به ثبت رسیده است . صفوف حزب کمونیست هند وستان طی ۱۲ سال پیر از انشعاب (سال ۱۹۶۴) پنج برابر شده است . این امر نشان میدهد که حزب در صورت پیروزی از مشی سیاسی - سازمانی درست صفوف خود را افزایش میدهد . درگذشته ، هنگامیکه حزب از بیماری های اپورتونیزم چپ و پاراست رنج میبرد تعداد اعضایش ثابت میماند و یا کاهش مییافت .

این حقیقت هنگامی روشن تر میشود که ما حزب کمونیست هند وستان را با دیگر احزاب سیاسی و از جمله با حزب دوم که از اپورتونیزم های چپ گرای انشعابی تشکیل یافته و خود را "گراف" حزب کمونیست هند وستان (مارکسیستی) * (۱) مینامد مقایسه کنیم . تعداد اعضای آن بی اندازه کاهش یافته است . بسیاری از اعضای سابق این حزب از نوع عضویت حزب ما در میآیند ، زیرا از مشی اپورتونیزمی چپ گرایانه رهبری خود دلسرد و نومید شده اند . بسیاری از سازمانهای حزب کمونیست هند وستان (مارکسیستی) در ایالات آند هرا - پرادش ، کرالا ، تامیلاند و ایالات دیگر به حزب کمونیست هند پیوستند . در سایر احزاب اپوزیسیون هم که از شعار ضد انقلابی جای پراکاش نارایان (۲) یعنی " انقلاب همه گیر (توتال)" پیروی میکنند ، چنین حالتی بچشم میخورد .

مشی سیاسی درست حزب کمونیست هند وستان در تلفیق با کوششهای هدفمند سازمانی همچنین موجب تغییرات کیفی در ترکیب سازمانهای اولیه گردید . من اکثریت مطلق اعضای جدید حزب کمونیست هند وستان میان ۱۸ تا ۳۰ سال است ، ۸۰ درصد آنها را کارگران صنعتی و کشاورزی ، در هفنان بی چیز و تهیدستان شهرها تشکیل میدهند . در مقایسه با گذشته ، اینک از اعضای جدید حزب انتظارات بیشتری می رود و آنها سهم بیشتری در فعالیت های حزب نسبت به گذشته دارند . طبق اساسنامه حزب کمونیست هند وستان عضو حزب فقط کسی میتواند باشد که در یکی از سازمان های آن کار کند . بنظر ما دوری و انحراف از این اصل لنینی به منزله خلعت رزمندگی و انضباط حزب منجر میشود و آنرا برای انجام مبارزات متشکل و هدفمند ناتوان میسازد .

- ۱ - نام این حزب که اغلب با آن برخورد میکنیم حزب کمونیست پارالل هند وستان است (هیئت تحریریه)
 - ۲ - جای پراکاش نارایان در گذشته از رجال جناح چپ کنگره ملی هند وستان بود . اینک در رار جنبش ارتجاعی در هند وستان قرار دارد که تحت شعار " انقلاب توتال " و " دموکراسی دون حزب " فعالیت میکند . این جنبش براندازی در نظرمونسق دموکراتیک در هند وستان و بازداشتن کشور از سیاست مترقی تلاش میکند .
- (هیئت تحریریه)

برای کسی که میخواهد بعضویت حزب درآید، در آغاز بعنوان عضو آزمایشی (نامزد عضویت) و سپس عضو با حقوق کامل، شرایط زیرین، بعنوان شرایط حداقل، در نظر گرفته شده است؛ نباید کمتر از هجده سال داشته باشد، باید برنامه و اساسنامه حزب را بپذیرد، بطور منظم حق عضویت بپردازد، در یکی از سازمانهای حزبی فعالیت کند و قرارهای حزب کمونیست هند و استان را اجرا نماید. در گذشته کسی که بعضویت حزب پذیرفته میشد تا زمانی که وی را طبق موازین حزبی از حزب اخراج نمیکردند عضو حزب بشمار میآمد، حالا هر ساله بوضع حزبی تمام اعضای حزب کمونیست هند و استان رسیدگی میشود و در جریان آن تصمیم گرفته میشود که این یا آن عضو شایستگی باقی ماندن در حزب را دارد یا خیر. در ضمن این رسیدگی عضو حزب را به عمل زیرین میتوانند اخراج کنند:

— عدم پرداخت حق عضویت؛

— عدم اشتراك در زندگی و فعالیت حزب؛

— امتناع از شرکت در کارهای این سازمان توده ای (بدون داشتن دلیل کافی) .

تقریباً ۲۰ درصد از اعضای حزب در سال ۱۹۷۵ در رسیدگی حزبی سال ۱۹۷۶ (بحسب مختلف پذیرفته نشدند و از حق باقی ماندن در صفوف آن محروم گردیدند. چنین درصد زیادی متأسفانه بطور عمدتاً نتیجه ضعف کار سازمانی با اعضای جوان حزب در بسیاری از شعبه ها و با وجود نقص در جریان رسیدگی بوضع حزبی اعضا، حزب بوده است. يك نفر دیگر یعنی درصد بسیار کم اعضای حزب از کارگران صنعتی، آدپواسی (۱)، نمایندگان اقلیت های مذهبی و زنان هم به سطح فعالیت شعبه ها مربوط است، اگرچه در این او اخراج افزایش تعداد اعضای حزب از میان افرادی که وابسته به کاتگری های نامبرده اند بچشم میخورد. بسط و تکامل حزب کمونیست هند و استان یعنی حزب طبقه کارگر هند و استان تا حد و زیادی وابسته به برطرف ساختن این نواقص است.

۲

در گزارش مربوط به مسائل سازمانی به هفتمین کنگره حزب کمونیست هند و استان (در سال ۱۹۶۴) چنین یادآوری میشود: " حزب ما از تها پیش از این وضع در تنگنا بود که نیروی متشکل کننده آن بنا نفوذ آن میان توده ها تطبیق نمیکرد. . . . مقصود از این مطالب چه بوده است؟

اگرچه حزب بمنزله نیروی سیاسی بزرگی که از پشتیبانی گسترده انتخاب کنندگان برخوردار است، از تها پیش محکوم استوار گردیده (در سال ۱۹۵۸، ۱۲ میلیون بدان رای دادند) در صفوف آن (در دهه مناسبت ۱۹۵۸) اندکی بیشتر از ۲۰ هزار نفر گرد آمده بودند، یعنی به هر يك از اعضای حزب کمونیست ۶۰ انتخاب کنند می رسید که به نامزد های آن رای داده بودند. حتی پس از انشعاب در حزب کمونیست هند و استان، زمانیکه در انتخابات سال ۱۹۷۱ تعداد چشمگیری از آراء را از دست داد، به هر يك از اعضای حزب ۳۲ رای می رسید. طی پنج سال اخیر نفوذ سیاسی حزب کمونیست هند و استان استحکام یافت و در کار پذیرش اعضای جدید بهبود حاصل گردید، اساساً با تمام اینها فاصله ای که از آن یاد کردیم هنوز بحال خود باقی است، اگرچه اینک، بسیار کمتر از گذشته است. این پدیده حاکی از امکانات رشد است، ولی اصل مسئله تاریخچه ای دارد که از بسیاری جهات آموزنده است.

ساختن حزب کمونیست هند و استان بمنزله حزب توده ای در اوایل سالهای ۵۰ (میلادی مترجم) هنگامیکه با برخورداری از پشتیبانی گسترده انتخاب کنندگان همانند عمدتاً ترین حزب

۱ - در هند و استان قبائل مختلف مردمی را که بطور عمدتاً در مناطق کوهستانی بسر میبرند چنین مینامند (هیئت تحریریه) .

اپوزیسیون در پارلمان هند وستان پابرمصه سیاست نهاد ، در دستر روز قرار گرفت . حزب کمونیست هند وستان در انتخابات مجمع ایالت کرالا اکثریت را بد ست آورد و برای نخستین بار در تاریخ کشور نخستین دولت يك ایالت هند وستان را که کمونیستها در راس آن قرار داشتند تشکیل داد . در آتنهنگام در زندگی سیاسی هند وستان تغییر و تحول آشکاره چپ مشاهده میگردد و به اوج اعتبار حزب کمونیست هند وستان میان مردم افزوده شد . در چنین زمینه مساعد پیشرفت اوضاع پنجمین کنگره در آمریکا (سال ۱۹۵۸) وظایف ایجاد حزب توده ای را مطرح ساخت . حزب کمونیست هند وستان اعضای خود را به برطرف ساختن فاصله ای که از آن یاد کردیم فراخواند و راه حل آنرا هم پرهیز از اقدامات سکناریستی و تشدید فعالیت در جذب اعضای جدید به حزب نشان داد .

در ساختار سازمانی حزب هم برخی تغییرات بوجود آورده شد . اما ، شعار ساختار حزب توده ای که کنگره پنجم به پیش کشیده بود عملاً انجام نشد ، بعکس تعداد اعضای حزب کمونیست هند وستان کاهش یافت و در آستانه گشایش ششمین کنگره آن (سال ۱۹۶۱) تقریباً ۹۵ هزار نفر رسید . جریان بدینقرار است که در حزب اختلاف نظرهای ایدئولوژیک و سیاسی جدی پدید آمد که انشعاب سازمانی را در پی داشت . این انشعاب نتیجه مبارزه فراکسیون بود که از طرف عناصر افراطی دامن زد همیشه . افراطی ها که در تلاش خود برای واداشتن حزب ما به پیروی کورکورانه از شی سیطره جویانه و شوینیستی آنها با شکست روبرو شده بودند به حزب اتهامات گوناگون وارد میساختند و آشکارا به انشعاب فرامی خواندند . کنگره هفتم حزب کمونیست هند وستان با تجزیه و تحلیل علل انشعاب در ردیف سایر علل ضعف ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی حزب راهم درآند و روان یاد آوردند . بدین ترتیب حزب کمونیست هند وستان با تجربه تلخ خود دریافت که برای ساختمان حزب توده ای وحدت ایدئولوژیک و سیاسی حزب تا چه اندازه درخور اهمیت است .

اینکه ما میکوشیم به مسئله ایجاد حزب توده ای از طریق انجام متقابل و مرتبط وظایف ایدئولوژیک سیاسی و سازمانی که نشست های نوپتی و منظم شورای ملی و کنگره های حزب تعیین میکنند راه یابیم .

۲

حزب کمونیست برزمینه مبارزه سیاسی توده ای رشد و تکامل پیدا میکند . این رشد و تکامل در ربهت مبارزه پیگیر برضد دشمنان طبقاتی و ملی امکان پذیرفت . مضمون شعارهای مبارزه حزب کمونیست هند وستان بر علیه امپریالیسم ، راجه ها ، مالکان و سرمایه انحصاری عبارتست از : استقلال و تمامیت ارضی کشور ، همبستگی با کوبا ، ویتنام و آنگولا ، پایان دادن به بالا رفتن قیمت ها و از زمین بردن بیکاری ، ملی کردن مؤسسات صنعتی بزرگ و بنگاههای مالی ، تحکیم بخش دولتی و شرکت دادن زحمتکشان در اداره امور ، اصلاحات ارضی و تحقق برنامه اقتصادی ۲۰ ماده ای (۱) حفظ وحدت خلق هند وستان که تجزیه آلمی ارتجاعی راست گرایان آنرا بمخاطره افکنده است ، دفاع از استقلال ملی و دموکراسی در برابر تحریکات و خرابکاریهای فاشیستی در ایالت بيجارود دیگر بخشهای کشور .

۱ - برنامه اقتصادی ۲۰ ماده ای که سال پیش ، نخست وزیر ایندیرا گاندی مطرح ساخت ، بر علیه پایه های اجتماعی - اقتصادی بازمانده های فئودالی است . به همین سبب ما از این برنامه پشتیبانی میکنیم . در عین حال ما برای ایجاد کمیته های خلق در تمام سطوح برای نظارت در انجام این برنامه مبارزه میکنیم ، زیرا تجربه نشان میدهد که این برنامه را نمیتوان يككم در دستگاه بوروکراتیک موجود بسا موفقیت بانجام رساند .

حوزه‌های حزبی حزب کمونیست هند وستان و سازمانهای توده‌ای آن تحت رهبری آن در سراسر کشور بقیاس گسترده‌ای فعالانه مبارزه میکنند. اما، بنظر ما این هنوز کافی نیست. رسالت حزب در این است که فعالیت‌های سیاسی توده‌ای سراسر هند وستان و مبارزه سیاسی توده‌ای را سازمان دهد و رهبری کند، زیرا تنها چنین فعالیتی آنها به نیروی سیاسی موثری بقیاس سراسر کشور مبدل خواهد کرد و این نیز، بنظر ما، بنویه خود یکی از مهمترین نشانه‌های حزب توده‌ای است.

طی سه سال ونیم اخیر حزب به اقدام گسترده بقیاس سراسر کشور را بانجام رسانده است. آخرین آنها تبلیغات گسترده و فعالیت شدید تحت عنوان " پارایاترا " در پشتیبانی از برنامه اقتصادی ۲۰ ماده‌ای بود که از آن یاد کردیم. کمیته اجرایی مرکزی حزب کمونیست هند وستان در جلسه ۱۸-۲۱ ژوئن سال ۱۹۷۶ خود تاکید کرد که نتایج این فعالیت گواهِ " موفقیت بزرگی است که بالا تر از انتظارها بوده است... " (۱). تمام حزب از پیشین تا بالا و همچنین سازمانهای توده‌ای که تحت رهبری آنست با شور و شوق واقعی در این جریان شرکت جستند. ارزیابی این فعالیت ها در قرار کمیته اجرایی مرکزی، چنین فید گردیده است: حزب برای نخستین بار در تاریخ موجود بی‌خود توده‌های زحمتکسر ساکن روستاها را بطور مستقیم به فعالیت و مبارزه فراخواند، بمیان آنان رفت و با آنها به اقدام مشترکی دست زد. شرکتکنندگان در جنبش " پارایاترا " نه تنها بروستا هائی رفتند که حزب در آنها درگذشته هم فعالیت میکرد، بلکه نقاط مسکونی تازه‌ای را نیز به حیطه فعالیت خود افزودند. علاوه بر صد ها هزار نفری که در میتینگ ها و جلسه‌ها شرکت کردند عملاً در این جنبش ۲۱۵ هزار نفر از اعضا و فعالین حزب هم شرکت داشتند. این جنبش ۴۴ هزار روستا را در ۲۷۰ منطقه کشور دربر گرفت. سازمانهای سندیکائی با و گسترده‌ای در این جنبش اشتراک ورزیدند و سندیکاهای تحت رهبری حزب برای نخستین بار با توده‌های روستا نشین بطور مستقیم تماس پیدا کردند. بدین ترتیب پایه‌ها و اساس برای وحدت طبقات کارگرو توده‌های روستائی و ویژه کارگران کشاورزی و کاست‌های پائین اجتماع که حزب برای جلب آنها مبارزه میکند، فراهم گردید.

حزب طی دو سال اخیر هم به دو اقدام و فعالیت گسترده بقیاس سراسر کشور دست زد است. یکی بمناسبت آغاز مبارزات گسترده ضد فاشیستی در هند وستان و دیگری بمناسبت پنجاهمین سال تاسیس حزب کمونیست هند وستان. اگر جنبش " پارایاترا " از لحاظ خصلت طبقاتی خود یک جنبش ضد فئودالی بود، فعالیت در حزب برای تشکیل کنفرانسهای ضد فاشیستی خصلت ضد امپریالیستی داشته و بر علیه سیاست ارتجاع داخلی بانیهروهای امپریالیسم ترتیب داده شده بود. در این کنفرانسها که تقریباً در هر صد تمام مناطق هند وستان تشکیل گردید نزدیک به ۵ میلیون نفر شرکت جستند.

حش پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست هند وستان به اقدام گسترده‌ای برای تحکیم سازمانی حزب مبدل گردید و موجب آن شد که نقش تاریخی آن در زندگی سیاسی کشور میان توده‌ها رواج و اشاعه پیدا کند. یافتن این پنجاهمین سالگرد تاسیس حزب برنامه‌های جنباعضای جدید به حزب و سازمانهای توده‌ای بیشتر از میزان در نظر گرفته شده انجام شد. معیازان فروش و انتشار نشریات حزبی افزوده شد و وجوه اضافی برای صندوق حزب جمع‌آوری شده است.

علت اصلی موفقیت فراوان ما در اقدامات و فعالیت‌های توده‌ای در سراسر کشور توانائی حزب در تهیه و تدوین موثرترین شکل عملیات طبقاتی، طرح مسائل مبهم روز و پیش کشیدن شعارهائی است

لیت که با وضع معین موجود متابقت دارد . در این مورد ما پیرو لنین هستیم که بما آموخت تمام اشکال فعا
رابطه مستمر و بدون استثنا باید تکمیل کرد . حزب طی دوران نیم قرن مبارزه خود که در شرایط
فوق العاده دشواری جریان داشته است فعالیت های سیاسی گوناگون توده ای را فراگرفت
که فعالیت های علمی و فنی ، پارلمانی و خارت از پارلمان ، مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز از جمله
آنها است . طی بیست سال اخیر کمونیست ها با تکمیل این اشکال مبارزه در تلفیق معقول اشکال
سنتی مبارزه مانند اعلام گرسنگی ، " دهارناس " و " ساتیاگ راها " (۱) که در جریان جنبش ملی
بر علیه حکمروائی بریتانیا بوجود آورده شد ، با اعتصاب های رزمجویانه و دیگر اشکال مبارزه طبقه کارگر
به موفقیت های شایان توجهی رسیدند .

در عین حال علیرغم موفقیت های جدی در یافتن اشکال تازه عملیات توده ای ، حزب هنوز در
زمینه تکامل هرچه بیشتر آنها باید کارهای زیادی صورت دهد . اقدامات لحام گسیخته فاشیست
ها در دو سه سال اخیر بر علیه حزب ماضوروت ساختمان حزب رزمنده ، پرتحرک و با انضباطی راکه
ریشه های عمیق میان توده های مردم داشته باشد و قادر باشد ، همانند ورکه در برنامه حزب تاکی
گردیده ، با آمادگی کامل " با هر وضع پیشینی نشد های و با هر گونه درخش غیر موقه و تغییر و تحولی
در زندگی سیاسی کشور " مقابله نماید ، حاد تر میکند .

۴

ساختمان چنین حزبی که واقعا نبهترین توده های زحمتکش را بدنیال خود ببرد با تشکیل جبهه
متحد تمام نیروهای چپ و موکراتیک و تعیین دقیق مقام آن در این جبهه ارتباط ناگسستنی دارد .
همانند ورکه یاد آور شدیم ، حزب کمونیست هند وستان در جریان فعالیت توده ای و سیاسی خود
برنامه ضد امپریالیستی ، ضد فئودالی و ضد انحصاری انقلاب ملی - موکراتیک را رهنمود خود قرار
میدهد . در این برنامه چنین پیش بینی شده است که به سلطه انحصارهای خارجی بر اقتصاد ما
کاملا پایان داده خواهد شد ، بخش دولتی مستقل از انحصارهای خارجی که بر پایه موازین
و موکراتیک عمل خواهد کرد ، بمنزله وسیله نیرومندی برای ایجاد اقتصاد ملی مستقل ، توسعه یافت
استحکام خواهد یافت ، گروه های انحصارهای هندی که حاکمیت اقتصاد را در صنایع ، بازرگانی
و کارهای بانکی و سایر آنها در دست خود متمرکز کرده اند از بین خواهند رفت ، هرگونه گرایش در جهت
پیشرفت انحصارها بکنار العمل جدی و موثر و برو خواهد شد ، به سلطه مالکان بزرگ و با زمانده های
فئودالیم بنگالی پایان داده خواهد شد ، اصلاحات ارضی را دیکال بسود دهقانان بواقعیست
خواهد پیوست و سلطه سرمایه های ربا خواران ، بازرگانان و بانکها بر اقتصاد کشور ما از بین خواهد رفت .
برای رسیدن باین هدف ها حزب به سیاستی پرنرمش و به ایجاد جبهه ملی و موکراتیک سراسر
کشور که از انقلاب ملی و موکراتیک پشتیبانی کنند نیازمند است .

مناسبات میان حزب کمونیست هند وستان و حزب حاکم ، کنگره ملی هند وستان ، که سازمان سیاسی
بورژوازی ملی است و مناسبات با دیگر احزاب خصلت جبهه مشترکی راکه بر موازین برنامه ای واحدی
متکی باشد ندارد . اما در عین حال در باره برخی از مسائل که با ورعه و جنبه ضد امپریالیستی
و ضد فئودالی دارد ، موضعگیری حزب ما با آنها یکی است . بطور نمونه ما را با از مناسبت حزب
کمونیست هند وستان نسبت به برنامه اقتصادی . ۲ ماده ای سخن بهمان آوردیم . همچنین میدانیم
که در سال ۱۹۶۹ در حزب کمونیست هند وستان بر سر مسئله ملی کردن بانکها و الغای ایتیازهای

۱ - اشکال مشخص رفتار و کردار ضد قانونی و بهم زنده نظم و ترتیب بعلامت اعتراض . همیشه بریه .

فئودالی راجه‌ها و مپاراجه‌ها ی سابق که حزب ماود یگرنیروهای چپ درون حزب حاکم و خارج از آن در راه تحقق آنها زمان درازی مبارزه میکردند انشعاب رویداد (۱) . ما در آن زمان غیرمقدم‌گمانیکه با این تدابیر دموکراتیک مخالفت میکردنا از دولت پشتیبانی کردیم .

در سال ۱۹۲۵ هنگامیکه نخست وزیرایند پراگانندی برای سرکوب تمرکز نیروهای ارتجاعی راست و فاشیست‌ها که هدف عمده شان نبود ساختن حزب ما بود ، و میکوشیدند " بی ثباتی " بوجود آورند ، برقراری وضع فوق العاده در کشور اعلام داشت ، ما از وی پشتیبانی کردیم ، ولی در عین حال مابدون اندک تردیدی سو استفاده از قوانین وضع فوق العاده بر علیه نیروهای دموکراتیک و مسود انحصارها را محکوم کردیم .

حزب کمونیست هند وستان که بطور پیگیر بود و گذشت بر علیه نیروهای ارتجاع راست مبارزه میکند از سیاست وحدت و مبارزه نسبت به حزب حاکم پیروی مینماید . در اوضاع و احوال بفسرنج سیاسی ، تنها چنین سیاستی به وحدت تمام نیروهای چپ بفضا و ایجاد جبهه ملی دموکراتیک در مراسم کشور و انجام انقلاب ملی - دموکراتیک کمک میکند . متأسفانه سیاست کوتاه بینانه " ضد کنگره " که حزب پارالل کمونیست هند وستان و حزب سوسیالیست دنبال میکنند و آنها را بانیروهای ارتجاع که برای سرنگون ساختن دولت ایند پراگانندی مبارزه میکنند در رینکردیف قرار میدهند . در راه این وحدت است . این احزاب بطور عینی آب با آسیاب عناصر ضد کمونیست در داخل و خارج حزب حاکم صیرزند .

مشی ایجاد جبهه متحد با تمام نیروهای چپ و دموکراتیک بر پایه موازین ضد امپریالیستی ، ضد فئودالی و ضد انحصاری به حزب کمونیست هند وستان در تدارک و انجام اقدامات سیاسی توده‌های کمک‌کرد و برای رشد سیاسی و سازمانی آن شرایط مساعد فراهم آورد . بطوریکه تجربه نشان داد موفقیت در اتحاد نیروهای چپ و دموکراتیک در درجه اول وابسته به توانایی احزاب به اتکای بلا واسطه به توده‌های مردم ، در عین پیروی از سیاست ویژه مستقل طبقاتی خویش است . هر قدر حزب کمونیست نیرومند تر باشد امکانات آن در جلب متحدین که بدون وجود آنها رسیدن به هدف‌های سیاسی برای آن غیر قابل تصور است ، گسترده تر خواهد بود . جبهه متحد و نقش مستقل حزب کمونیست در آن ، هر دو عوامل مهمی هستند ، این دو عامل یکدیگر را تکمیل و تقویت میکنند . هنگامی که ما این دو را در نقطه مقابل هم قرار میدادیم و یا اینکه به یکی از آنها کمتر توجه میکردیم ، بدون استثنا ، مبارزه ما زیسمان جدی وارد میشد .

در قطعنامه سیاسی کنگره در هم ضمن جمع بندی تجارب ما چنین گفته شده است :

" حزب باید در تحکیم خود بکوشد ، نقش مستقل خویش را بمیزان چشمگیری افزایش دهد و ابتکار بیشتری بخرج دهد تا بدین ترتیب در شرایط درخشان‌های شدید و تغییر اوضاع و احوال مسلطی بر اوضاع باشد . افزایش نقش مستقل حزب میباید در رشته ساختمان حزبی ، تحکیم سازمانهای توده‌ها ، کار در میان توده‌ها ، بسط و تکامل جنبش توده‌ای و سیاسی و بالاخره در امر مهم دیگری که عبارت از افزایش نقش حزب بمنزله مبتکر اتحاد و نیروهای چپ و دموکراتیک و پیشاتاز در مبارزه بر علیه ارتجاع راست و ایجاد درخشان به چپ در زندگی سیاسی کشور است ، منعکس گردد . فعالیت حزب باید روی پیشرفت و گسترش اقدامات متحد توده‌ای و جنبش‌ها و عملیاتی که هسته مرکزی آنها را طبقه کارگر ، کارگران کشاورزی و دهقانان زحمتکش و پایه آنها را اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل میدهد ، متمرکز شود " .

۱ - انشعاب در صفوف حزب کمونیست هند وستان که نتیجه بدتر شدن وضع اقتصاد و تشدید ناراضگی و مقاومت توده‌های مردم بود ، موجب آن شد که ارتجاعی‌ترین گروه‌ها و افراد طرفدار امپریالیست‌ها که سازمان کنگره را بوجود آوردند ، از حزب کناره‌روند . هیئت‌محریر بریده .

اما، ناد رست بود اگر تصور میشد که مبارزه توده ای در نقاط مختلف و با مقیاس مرا سرکشور بطور خود بخودی به استواری ورشد حزب منجر میگردد. حزب کمونیست هند وستان مدت درازی چنین برخورد ناد رستی بدین مسئله داشت. نهمین کنگره حزب (سال ۱۹۷۱) چنین برخوردی را نشا و خستگی ناپذیرد ستگا حزب "بشمار آورد. فعالیتتومبارزه سیاسی توده ای پایه و اساس موفقیت است، ولی چنین چیزی بدون کوشش های آگاهانه، هدفمند و پیگیر در ساختن سازمان حزب برپایه برنامه های ویژه غیر ممکن است. برای ما این وظایف از اهمیت ویژه ای برخوردار است:

- تأمین رهبری جمعی در تمام سازمانهای حزبی؛
- تکمیل دستگا سازمان حزب؛
- گسترش سیستم روشنگری حزبی؛
- انتخاب درست، آماده ساختن و یکار حزبی گماردن معقول کادرها؛
- فعالیت بدون وقفه سازمانهای اولیه حزبی.

عدم انجام این وظایف در سالهای ۵۰ موجب پیدایش بحرانی در حزب گردید که بالاخره به انشعاب در آن انجامید. برخلاف این مبارزه آگاهانه و پیگیر در راه انجام این وظایف پراز نهمین کنگره حزب کمونیست هند وستان به رشد سریع صفوف حزب و تحکیم یکپارچگی آن کمک کرد. ما برای بهبود و مشخص ساختن کار ساختن حزب تصمیم گرفتیم در دستگا مرکزی حزب در سطح ایالات و ولایات شعبه ساختن حزبی بوجود آوریم. تا حال حاضر ما توانسته ایم این قرار را فقط در مورد دستگا مرکزی و نیرومندترین سازمانهای حزبی برخی از ایالات بمورد اجرا گذاریم. ما همچنین سیستم روشنگری حزبی تحت رهبری شعبه ویژه تعلیمات حزبی که مدرسه حزبی مرکزی دائمی و پنج مدرسه حزبی دائمی ایالتی را رهبری میکند، بوجود آوریم. علاوه بر اینها کلاسهای کوتاه مدت برای بالا بردن سطح معلومات حزبی اعضای حزب کمونیست هند وستان تشکیل میشود. حزب هشت روزنامه (بزبانهای هندی و مالائی لام، در روزنامه بزبانهای تلوگی بنگالی، پنجابیسی و مانپوری هریک، یک روزنامه)، ۱۵ هفته نامه و تعداد زیادی مجله های ماهانه انتشار میدهد و همچنین کار چند بنگا نشریاتی را که آثار کلاسیک های مارکسیسم-لنینیسم و کتابها و رساله های مختص مسائل روز را بزبانهای گوناگون چاپ میکنند رهبری مینماید. این نشریات از مسائل مهم تبلیغاتی و تشویق و ترغیب میان بقیه کارگرو متحدین آن و پرورش و تربیت اعضای سازمانهای اولیه ما است. البته ترویج و تبلیغ شفاهی (در میتینگ های توده ای، کنفرانسها، سمپوزیومها و نظایر اینها) نیز دارای اهمیت زیادی است.

این واقعیت نیازی به گفتن ندارد که کادرهای رهبری استخوان بندی حزب را تشکیل میدهند سر نوشت حزب تا حدود زیادی وابسته به کیفیت سطح کیفی کادرهای حزبی است که در اختیار دارد. گسترش دایره فعالیت حزب و افزایش تعداد سازمانهای آن نیاز به افزایش کادرهای حزبی دارد که دارای معلومات ویژه ای باشند و بطور فعال در راه هدف معینی کار و فعالیت نمایند. حزب در حدود ۵ هزار کارگزار دارد که دبیران شعبه های حزبی و معاون های آنان از جمله آنها هستند. تقریباً ۵ هزار نفر از آنان افراد هستند که از کار آزاد شده اند و فقط در ارگانهای گوناگون و دستگا کمیته مرکزی و سازمانهای حزبی ایالات و ولایات کشور فعالیت میکنند. شورای ملی حزب سند مشروحي را درباره سیاست کادرها به تصویب رسانید که در آن حفظ کادرهای قدیمی حزبی در عین جلب هرچه بیشتر جوانان یکار پیش بینی شده است. طبق این سند کارگران صنعتی و کشاورزی برد یگران ترجیح داده میشوند.

بارشد چشمگیر صفوف سازمانهای اولیه و شماره اعضای آنها تشدید فعالیت این سازمانها اهمیت ویژه ای کسب میکند . شعبه سازمان کمیته مرکزی میگوید به کمیته های حزبی ایالات و ولاهات کشور با تحکیم هسته رهبری و شعبه های حزب و کمک به تشدید فعالیت آنها باری رساند .

حزب کمونیست هند وستان با مقاومت و پایداری از بروز هر نوع جریان خود بخودی در تمام عرصه های کارهای درون حزبی جلوگیری بعمل میآورد .

حزب کمونیست هند وستان یکی از گردان های صدیق جنبش جهانی کمونیستی است که مبارزه در راه صلح در سراسر جهان ، استقلال ملی و دموکراسی و سوسیالیسم راهبردی میکند . در اساسنامه حزب گفته میشود : " حزب کمونیست بر علیه شوینیسیم و ناسیونالیسم بورژوازی مبارزه میکند . طبق اصول استقلال و برابری تمام احزاب کمونیست ، این حزب از مواضع جنبش جهانی کمونیستی که مورد توافق متقابل همه احزاب است در مبارزه بخاطر صلح ، بر علیه جنگ ، استعمار و استعمار نو و دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم در راه دموکراسی ، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم در سراسر جهان پشتیبانی میکند . حزب بر این عقیده است که همکاری و تقاضای متقابل زحمتکشان و خلقهای کشورهای سوسیالیستی و غیر سوسیالیستی نقش مهم حیاتی در رسیدن به این هدف مشترک ایفا میکند . "

حزب کمونیست هند وستان با اتکا به تجربه غنی خود که نشان داده است دستاوردهای جنبش جهانی کمونیستی به توده های مردم هند وستان الهام میبخشد و نیروهای حزب و دموکراتیک و میهن پرست کمک میکند و عرصه را بر ضد کمونیست ها تنگ ساخته و نقشه های پلید امپریالیسم و ارتجاع را بر هم میزند ، چنین موضعی اتخاذ کرده است . موفقیت های تاریخی در ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ، پیروزی عظیم مردم قهرمان ویتنام در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا ، دفاع از انقلاب کوبا و پیشرفت های آن ، پیروزی مردم آنگولا در مبارزه در راه آزادی ملی خود ، نیروی مستحکام یابنده احزاب کمونیست پرتغال ، فنلاند ، فرانسه ، ایتالیا و سایر کشورها ، همه اینها با سایر موفقیت های جنبش جهانی کمونیستی مبارزه حزب کمونیست هند وستان را در راه دموکراسی ملی و سوسیالیسم آسان تر میکند و به جلب توده های مردم بسوی حزب مایاری میرساند .

دوستی تحکیم یابنده و همکاری هند وستان با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی همواره الهام بخش ما بوده است . این دوستی میزبانان بخشی در برابر تعرض ارتجاع داخلی و خارجی است . نتایج دیدار رفیق برژنف ، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از هند وستان در سال ۱۹۷۳ و دیدار چندی پیشتر نخست وزیر ایندیرا گاندی از اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری دموکراتیک آلمان ، همانطور که در قطعنامه کمیته اجرایی مرکزی حزب کمونیست هند وستان تاکید شده است ، چشم اندازهای تازه ای در " همکاری در مهمترین مسائل مناسبات بین المللی که بر سر آنها مبارزه میان نیروهای امپریالیسم و جنگ و ارتجاع از یکسو و نیروهای صلح ، آزادی ملی و سوسیالیسم ، آزادی دیگر روز بروز تشدید تر میشود " میگذاید .

تجربه مبارزه با افراطیون هم که فعالیتشان آب به آشیاب نیروهان ارتجاع راست می ریخت و زیان بزرگی به وجهه وحدت جنبش کمونیستی در هند وستان وارد ساخت ، خیلی چیزها با ما موخت . این تجربه به مثبت و منفی حزب ما آن را بر راه سیاست پیگیر دفاع از وحدت جنبش جهانی کمونیستی برپایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری افکند .

حزب کمونیست هند وستان دوش و شش جنبش جهانی کمونیستی و با اتکا به دستاوردهای آن در مبارزه پیگیر در راه ساختمان حزب توده ای که با وحدت و انضباط خود نیریزدنده بوده ، به تمام اشکال مبارزه و قوف داشته باشد و قادر باشد تمام نیروهای میهن پرست و دموکراتیک را بنام انقلاب ملی - دموکراتیک که مرحله گذار بسوی سوسیالیسم است متحد سازد ، به تحکیم صفوف خود ادامه میدهد .

انسانهای زائد در جهان « آزاد »

گئورگ کویا تفسکی

نمایند حزب کمونیست آلمان
در مجله

طی سالهای اخیر بیکاری میان جوانان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری بسیار زیاد شده است. اگر گذشته پر شمارترین گروه بیکاران را افراد مسن تشکیل میدادند، حالا افرادی هستند که سنشان تا بیست و پنج سال است (۳۰ درصد از تعداد کس بیکاران در جمهوری فدرال آلمان نزدیک ۵۰ درصد در فرانسه و دانمارک) (۱).

طبق آمار رسمی تنها در کشورهای جامعه مشترک اقتصاد اروپا، بیتر از یک میلیون و پانصد هزار بیکار تا سن ۲۵ سالگی وجود دارد. بدین افراد شعاره بیکاران با اصطلاح پنماتی، یعنی کسانی راهم که ما را بیکاری در برنگرفته باید بیفزائیم. بطور مثال سال گذشته در کشورهای "نه گانه" صد ها هزارتن از فارغ التحصیلان مدارس نه کار پیدا کردند و نه محلی برای ادامه تحصیل یعنی ورفسرا گرفتن حرفه در اختیار داشتند (۲). ولی از آنجا که آنها هنوز وارد دربروسه کار نشده بودند و سایر مربوط بمسائل کار و اشتغال توجهی به سرنوشت آنها ندارند. بسیاری از جوانان و بویژه دانشجویگانی که محل کار خود را از دست داده اند و بعد از گذشت زمان معین دیگر مدد معاش بیکاری دریافت نمیکند نامشان در شمار بیکاران ثبت نمیشود و بدین دریافت مدد معاش از دولت ناچارند شغل تازه ای پیدا کنند.

آخرین سرشماری بیکاران با تقسیم بندی آنها به گروهها بر حسب سن و سال در سیتامبر سال ۱۹۷۵ برگزار شد. طبق آمار که بدست آمده ۲۸۷۴۳۰ نفر که سنشان پائین تر از ۲۵ سال است بدون کار بودند (۳).

در عمده ترین کشور امپریالیستی یعنی ایالات متحده امریکا بیکاری بویژه بسیار زیاد است. در آوریل سال گذشته (۱۹۷۵) سه میلیون و سیصد و پنجاه و یک هزار امریکائی بین ۱۶ تا ۲۴ سال بیکار بودند (۴). هرگاه آنها را راهم که بقضاتن در دادند و دیگر بدنبال کار نگشتند و تعداد زیاد راهم که ما را رسمی در برنگرفته است بر این رقم بیفزائیم نتیجه این خواهد بود که تقریباً از هر پنجاه

1- Jugend ohne Arbeit. München. Kösel-Verlag, 1976. S. 14.

2- Krise der kapitalistischen Weltwirtschaft 1974/76 IPW, Forschungshefte. Heft 2/76. DDR. Berlin. S. 114.

3- "Frankfurter Rundschau", 14 August 1976.

4- Statistical Abstract of the United States 1975, P. 349.

امریکائی جوان یکی نتوانست برای خود کاری پیدا کند . جوانان سیاه پوست درد شوارترین وضع قرار گرفتند ، زیرا ۴ درصد از آنها ، و در مراکز جمعیت وزاغه های شهرهای بزرگ نزدیک به ۸۰ درصدشان ، بیکار بودند (۱) .

کسانی را هم که چون توانائی یافتن کاری سابق تخصص خود را نداشتند ، با امید اینکه سال آینده شانس با آنها یاری خواهد کرد ، به تحصیل ادامه میدهند باید در شمار بیکاران به حساب آورد . آنهاش را هم که بعلمت پیدا نکردن کار به تحصیل در کلاسهای " تکمیل شخص " مشغول شده اند می باید از این گروه بشمار آورد . این قبیل افراد از صورت بیچاران حذف میشوند ، اگرچه ، معمولاً پس از پایان کلاس تکمیلی هم برای بکار بستن حرفه دانش خود محلی پیدا نمیکنند . اگر هم کسی موفق به یافتن کاری بشود ، معمولاً بحساب فرد دیگری است که کار خود را از دست میدهد .

بدین ترتیب هیچ وقت بدقت نمیتوان گفت در واقع تعداد جوانان بیکار چقدر است . ولسی بررسی هایی که انجام شده امکان میدهد چنین نتیجه بگیریم که آمار و ارقام رسمی را با دلیل و مدرک کافی میتوان دوبرابر کرد .

سیاستمداران و کارشناسان مسائل اقتصاد که مدافع منافع محافظانند بارها اطمینان دادند که حادث شدن معضل اشتغال پدیده ای موقتی و گذراست و این امر جزئی ناگواری است که زیبایی و توازن بنیادی سرمایه داری را بهم میزند . اما گذشت زمان دروغ بودن این قبیله اطمینانات را که هدف از آنها همراه ساختن مردم است بخوبی نشان داد . بررسی های بیشماری گواه بر این است که در سالهای آینده ارتش عظیم " دست های اضافی " نه تنها کاهش نخواهد یافت بلکه بر تعدادش هم افزود خواهد شد . هفته نامه " ولت در آریات " ارگان اتحادیه سندیکاهای آلمان (جمهوری فدرال آلمان) معتقد است که تا آغاز سالهای ۸۰ بیش از یک میلیون نفر از جوانان کشوری و نامادگی حرقه ای و تخصص خواهند بود و در سال ۱۶۸۲ ، ۲۵۰ هزار نفر از میان فارغ التحصیلان دبیرستانها قادر به پیدا کردن کار نخواهند بود (۲) . گرایش به افزایش مدت زمان بیکاری در میان جوانان تشدید خواهد شد و این امر وضع آنان را دشوارتر خواهد ساخت .

ارقام و آماری را که آوردیم نباید آماری خشک بشمار آورد . در پسر هر عددی سرنویشت انسانی که ناچار شده است به کمک معاش موقتی بیکاری فقط قناعت کند و با اینکه مدت زمان دیگری هم بحساب والدین خویش ، زندگی کند ، نهفته است . بیچاره جوان بیکار قادر به رشد و تکامل استعداد های خویش نیست و نمیتواند دانش و تجربه حرفه ای لازم را فراگیرد . این وضع درست به نگاهی است که مغز و فکر او از هر من دیگری بیشتر آماده آموختن است . اگر پسر از گذشت چندین سال او بتواند شغلی پیدا کند ، بهترین دوران آموزش سپری شده است و او مجبور خواهد بود برای بدست آوردن درآمدی اندک عرق بریزد ، چشم اندازی برای افزایش مهارت و تخصص حرفه ای نخواهد داشت و در نتیجه نه داشتن تخصص کافی درصفت افرادی خواهد بود که از کار اخراج میشوند . در نتیجه این وضع در جوانان حس بی ارجمی و حقارت و عاطف و باطل ماندن و فروپاشی نقشه های شان برای زندگی آینده بوجود میآید ، افزایش معتادین به الکل و مواد مخدر و بالا رفتن تعداد مجرمین هم از اینجاست سرچشمه میگردد . افزایش تعداد خودکشی ها هم معلول این اوضاع است . مافقط بد کریک نمونه اکتفا میکنیم : جوان ۱۷ ساله ای در اوت امسال در نورنبرگ خودکشی کرد . او برای پیدا کردن کاری بمنزله ینفشار کرد

1 - " Daily World " , June 19, 1975.

2 - " Welt der Arbeit " , 6, Februar 1976.

به ۴۰ فیوم مراجعه کرد ، ولی همه جا با جواب رد مواجه شد (۱) . خطر فساد اخلاق مقدم بر همه میان جوانان بی تجربه و غیر متشکل که به جنبش کارگری وابستگی ندارند ، پدید می آید . رقابت و مبارزه بر سر محل کار تشدید میگردد ، کوششهایی بعمل می آید که کارگران محلی را بر علیه خارجیان و سفید هارا بر ضد سیاها ن برانگیزند . بدین ترتیب زمینه مساعدی برای خشونت ، شوینیسم و نژاد پرستی (راسیسم) فراهم می آید .

در شرایط بیکاری جمعی نه فقط کسانی که در بهترین دوران شکوفائی نیروی خود هستند ، ناچارند به عذالت و بیکاری بسربرند ، بلکه کسانی هم که شانرا این را داشتند که به پروسه تولید بپیوندند در رنج و عذاب اند . انحصارها با بیرحمی هر چه تمامتر آنها را تحت فشار قرار میدهند و مرتباً با آنان تذکر میدهند که " دیگران پشت درها منتظرند " . حقوق سیاسی و اجتماعی زحمتکشان محدود میشود . برای آنکه در جریان تولید حداکثر نیروی کارگران جوان مورد استفاده قرار گیرد ، تهدید اخراج از کار ، بویژه در آغاز دوران فعالیت بکار میافتد . کار در روزهای تعطیل هفته ، ساعات اضافی کاربرد و پرداخت مزد ، فشار کار فرمایان روی شاگردان بنحویه وارد آشتن آنان به صرف نظر کردن از کمک هزینه ای که در دوران کارآموزی طبق قانون بدانان تعلق میگیرد و حتی تنبیهات جسمانی که بکرات اتفاق میافتد ، اینها همه خصوصیات واقعیت اجتماعی امروزی در کشور ما است . برخورد آنها به جامعه بطور کلی و آینده آن بدرستی قضاوت کرد . افزایش بیکاری میان جوانان پدید متصادفی نیست . این پدیده بیانگر بحران عمیق اقتصادی ، سیاسی و اخلاقی سیستم سرمایه داری و نتیجه تشدید تضاد میان کار و سرمایه است . این پدیده همانند شیشه زره بین امکان پذیر میدهند توانی سرمایه داری را در خل معضلات ژرف اجتماعی و تامين اطمینان و اعتماد به فردا برای جوانان ، آشکارا به بینیم .

طبقه کارگری سالهای دراز مبارزه پیگیر در بسیاری از کشورهای سرمایه داری موفق به تصویب قوانین چندی در دفاع از منافع جوانان شده است . بطور مثال ، این قوانین استفاده از کار جوانان در شب و روزهای تعطیل هفته و یاد رکارهای خیلی سخت را قائل نمیکند . قانون واگذاری وقت آزاد کافی و امکان کسب معلومات حرفه ای را که باید همطراز با کار در بخش های تولیدی بشمار آید ، پیش بینی میکند . این قبیل مواد قضائی برای سرمایه های بزرگ همانند استخوان گلوگیر است . از این رو سرمایه بزرگ ، با استفاده از قدرت اقتصادی خود علیرغم قوانین موجود آشکارا در تلاش تشدید بهره کشی از جوانان و یا برکنار داشتن آنها از تولید است ؛ زیرا جوانان بمنزله نیروی کار سود کمتتری برای آن حاصل میکنند .

اینکه طی ۶ سال اخیر در جمهوری فدرال آلمان از تعداد افراد ای که به تحصیل در مدارس حرفه ای مشغولند تا ۵۰ درصد کاسته شده نیز تا حدود زیاد معلول همین امر است (۲) . سازمان جوانان هسن موفق شد بخشنامه ای را که فریم (Toom - Markt GmbH & Co) و شرکا ، در ماه اکتبر سال ۱۹۷۴ برای تمام کارکنان مسئول خود فرستاده بود بدست آورد . در این بخشنامه از جمله گفته میشود : " بعثت گسترش روز افزون قوانین بسود جوانان زحمتکش (افزایش مدت زمان مرخصی ها و ساعات استراحت ، لزوم دادن وقت آزاد اضافی ، کاهش روز کار و تعطیلات ایرانیها) در آینده باید از پید پرفتن جوانان بکار امتناع شود و با حداقل تعداد هر چه کمتری از آنان استخدام

1 - "Unsere Zeit " , 30, August 1976.

2 - " Frankfurter Rundschau " , 14 August 1976 , S.14.

شود * (۱) .

در سیستم سرمایه داری در همان مدارس پایه و اساس بیکاری فزاینده میان جوانان و سطح نازل مهارت و تخصص آنها بی ریزی میگردد . سیاست طبقه حاکمه در این جهت است که مانع از آن شود که زحمتکشان چنان معلوماتی کسب کنند که از چهارچوب نیاز بالا واسطه تولید سرمایه داری معاصر فراتر رود . این امر با نیازهای انقلاب علمی و فنی که برای بالا بردن سطح معلومات طبقه کارگر ضرورتی ایجا نمیکند ، در تضاد است . انحصارگران از آن بیم دارند که هر قدر سطح معلومات این طبقه بالا تر باشد ، قاطع تر و با موفقیت بیشتری از منافع خود دفاع کنند . آنها منطبق مخصوص بخود و درک ویژه ای از پیشرفت علمی و فنی دارند که چنین است : بخش نسبتاً کوچکی از کارگران باید تخصص عالی و مهارت داشته باشد ، برای بقیه همینکه بتوانند عملیات ساده و آسان تولید تسهیل (نوار متحرک) را انجام دهند کافی است . مجمع فدرال اتحادیه های آلمانی کارفرمایان بطور کاملاً آشکار اعلام داشت که : " با وجود رشد تکمیل و پیشرفت تولید و اتوماتیزاسیون در رشته اقتصاد بخش قابل توجهی از شاغل باقی می ماند که نیازی به آمادگی ویژه حرفه ای ندارد . این واقعیت باید پایه سیاست در رشته آموزش و پرورش قرار گیرد " (۲) .

بررسی های متعدد نشان میدهد که جوانان را با این علت پیش از دیگران از کار بیکار میکنند که آنها کمتر از دیگران در کار تولید تجربه دارند یا اصولی تجربه اند . بدین ترتیب در سیستم سرمایه داری جوان بودن بمعنی محکومیت به تبعیض آشکار است . این دعوی بویژه نسبت به فرزندان کارگران صادق است که در جامعه بورژوازی که بنا به خصلت خود یک جامعه طبقات ممتاز است ، تنها همین امروز هم به آنها بچشم افراد " با استعداد محدود " نگاه میکنند . آخرین نمونه چنین تکبر و تفرعن بی پایه را روزنامه " بایرن کوریر " که بلندگوی فرانر ژوزف اشتراوس ، یعنی منادی تمام نیروهای افراطی راست گرای جمهوری فدرال آلمان است ، بدست میدهد . این روزنامه بیکاران را ، نه کم و نه بیش ، ابلهان هیچ کاره قلمداد میکند . بدین شکل است که برای رضایت خاطر اربابان انحصارگر قربانیان سیستم آنها در نقش مقصرین ناکامی های خویش جلوه گرمیشوند .

تازیان بیکاری باشد تهر چه بیشتر بیکارگران جوان خارجی فرود میآید . آنها اکثر در چنان رشته های اقتصادی بکار مشغولند که بیش از همه در کثرت و قوس تغییرات شرایط روز و اوضاع محیط قرار دارند . علاوه بر این تخصص آنها هم کم است . اینهم بنوبه خود نتیجه مستقیم تبعیض اجتماعی نسبت به کارگران خارجی و خانواده آنها است . از بررسی هایی که در سرزمین بادن - ویتبرگ بعمل آمد معلوم شد که فقط ۶۵ درصد کودکان کارگران خارجی امکان دارند بعد رسیده بروند (۳) . بدین ترتیب مثل این است که آیندگان آنها از پیش تعیین شده است .

اغلب در مطبوعات بورژوازی گفته میشود که گویا علت بحران آموزشی که نزدیک میشود و دامنه وسیع بیکاری میان جوانان را باید در افزایش زاد و ولد جستجو کرد . این هم مانند کوششی است که سرمایه بزرگ بکار میبرد تا جوانان را بدین مشتم کند که آنها اصولاً هنگامی پایه عرضه وجود نهاده اند که اقتصاد نیازی بدانها ندارد . برهان بی پایه و ناچیزی است ! سطح زاد و ولد در کشورهای سوسیالیستی پائین تر از دیگر کشورها نیست ، ولی در آن کشورها درهای مدارس عالی و موسسات بروی جوانان باز

1-Jugendarbeitslosigkeit, Fakten, Analysen, Argumente, Hrsg. Vorstand des Hessischen Jugendringes, März 1976, S. 24.

2-"Der Arbeitgeber", Offizielles Organ der Bundesvereinigung der deutschen Arbeitgeberverbände, 3/1976, S. 27.

3- "Stern", Nr. 44, 23. Oktober 1975, S. 171.

است ، آنجا در سیماى جوانان کارگران تازه ای را می بینید که جامعه بدانها نیازمند است و آنها هم دوش بدوش دیگران بر شروتهای اجتماعى خواهند افزود .

سرمایه داری ، جوانان را از ابتدائى ترین حقوق و آزادیهائى که در قانون اساسى کشورهای سرمایه داری نوشته شده و عبارتست از : حق تکامل و پیشرفت آزاد شخصیت ، حق انتخاب آزاد شغل و حرفه ، محل کار و تحصیل محروم میکند . آنجا دیگر از حق کار که در هیچ کشور سرمایه داری نمیتواند تضمین گردد ، سخنى هم نمیتواند باشد ! با تمام اینها در نیایشی را که در آن میلیون ها جوان ناچارند راهزندی را با بیگاری آغاز کنند ، جایی را که وضع فلاکت بار در سیستم آموزش و پرورش هر چه غیر قابل تحمل تر میگردد و چندان نسل نگران آینده خویش است ، دنیای " آزاد " ۵۰ م می نامند . روز بروز این واقعیت آشکارتر میشود که سرمایه داری و فقدان آزادی برای نسل جوان و تمام زحمتکشان مفاهیم شباهسى هستند .

نسل جوان آزادی واقعى را فقط در شرایط سوسیالیسم بدست میآورد . حق تضمین شده برای تحصیل و کار ، امکانات لازم برای تکامل و پیشرفت کامل استعدادها و شکوفائی شخصیت را نظام اجتماعى میدهد که پایه و اساس آن را حکومت سیاسى طبقه کارگر در اتحاد با تمام زحمتکشان ، مالکیت اجتماعى بر تمام وسائل اصلی تولید ، طبق برنامه معین استفاده از تمام منابع ثروتهاى اجتماعى بسود مردم زحمتکش و افزایش این ثروت ها تشکیل میدهد . کمونیست ها هم در واقع در راه چنین نظام اجتماعى و المال در راه منافع بنیادى جوانان و تمام زحمتکشان و در راه آزادی آنها مبارزه میکنند .

حزب کمونیست آلمان آشنائى جوانان کشور را با سوسیالیسم واقعى موجود و با امکاناتی که در نظام سوسیالیستى در برابر نسل جوان پدید میآید از وظایف مبرم خویش بشمار میآورد . این امر به بخشى از جوانان كمك خواهد کرد که بر روحیه مذایع و منقاد بودن ، خود را درین بست احساس کردن و بی اعتمادى به نیروى خود غلبه کنند . این امر به آنها كمك میکند تا آینده دردسترس خود را که در زمان باید فعالانه مبارزه کنند روشن تر در نظر مجسم نمایند .

نادرست است اگر فقط از بیگاری و تاثیر فلاکت بار آن بر جوانان صحبت شود و این موضوع یاد آوری نشود که بر تعداد جوانانى که درین بست قرار گرفتن سیستم سرمایه داری و ضرورت زوال آنها هر چه روشن تر درك میکنند ، مرتباً افزود مىگردد . طبیعى است که این پروسه در کشورهای گوناگون به طرق مختلف جریان دارد . این پروسه تا حد و بسیار زیادى به استحکام مواضع نیروهاى دموکراتیک و درجه نفوذ کمونیستها وابسته است . اما جنبش جوانان در راه بدست آوردن کار ، در راه حق تحصیل و پیدا کردن تخصص هیچگاه به نیرومندی کئونى آن نبوده است . جوانان دوش بدوش برادران ارشد خود مبارزه میکنند . علاوه بر اینها جوانانى که دارای نظریات گوناگون سیاسى اند در دفاع از منافع خویش ، طی سالهاى اخیر به اقدامات جمعى و مشترکى دست میزنند .

این واقعیت که اینك تمام سازمانهاى سیاسى و اجتماعى ، اگر چه از مواضع مختلف هم باشند از معضلى بیگاران جوان اظهار نگرانى میکنند ، گواه فعالیت و نظا هرات جوانان است . هانس مارتین شلایر صد رجمع فدرال اتحادیه های آلمانى کارفرمایان در سامبرسال گذشته اعلام داشت که همیبوندی جوانان در جامعه بمنزله شرط لازم اولیه ثبات چشم انداز (پرسپکتیو) آینده ضرورى است (۱) . طبیعى است که در اینجا سخن بر سر چشم اندازهای آینده سرمایه بزرگ است . برنامه ویژه ای را هم که دولت جمهورى فدرال آلمان انتشار داد و برای تحقق آن سه میلیون مارك

1- Jugendarbeitslosigkeit und Lehrstellenmangel, Hrsg. Bundesvorstand der SDAJ, S. 32.

اعتبار داده شده ، همین نگرانی تحمیل کرده است . احزاب بورژوازی که از روگردان شدن فزاینده جوانان از سیستم سرمایه داری بیعناک شده اند میکوشند چنین وانمود سازند که در آتش غمخواری برای نسل جوان همسوزند . ولی تمام این تدابیر عملاً و طبق معمول در این خلاصه میشود که سرمایه بزرگ کمک هزینه نقدی و اعتبار اضافی دریافت میکند ، اگرچه این اقدام دولت نه چشم انداز پیدا شدن کار برای جوانان را تضمین میکند و نه امکانات تازه برای بدست آوردن آموختگی و مهارت حرفه‌ای در اختیار آنان میگذارد . تنها آن تدابیری موثر اند که در جهت ریشه‌کن ساختن علت های فلاکت و بدبختی باشند و نه کاستن موقتی اثرات آنها .

هرمان گوتیه معاون صدر حزب کمونیست آلمان در جلسه عظیم انتخاباتی که به روزهای حزب کمونیست آلمان در گوتینگن اختصاص داده شده بود از یک سلسله تدابیر مرموز ، لازم برای برطرف ساختن وضع فلاکت بار اشتغال جوانان نام برد . باید موسسات بزرگ را که بیشتر از هزار کارگر دارند موظف کرد تا رویه گرفته ۲۵۰ هزار محل کار تازه ویژه شاگردان مدارس حرفه‌ای بوجود آورند و شرایط کسب

تخصص عالی آنها را هم در نظر بگیرند . باید تدابیر موثر برای معانعت از بیگاری کردن جوانان اتخاذ گردد . هر یک از کارآموزان پس از پایان تحصیل باید از موسسه‌ای که در آن تحصیل کرده محل کار متناسب با تخصصی خود بدست آورد . جوانان یائین تر از بیست سال بعلمت سن کم و عدم تجربه حرفه‌ای و سابقه کار کافی ، باید از خطر بیگاری شدن محفوظ بمانند و این نکته باید در مواد قانون یا قرار داد های کاریه ثبت برسد . همچنین باید قانون در موکراتیک تازه‌ای در باره مسائل آموزش حرفه‌ای که پاسخگوی خواستهای مجمع سندیکا های آلمان باشد بتصویب برسد . در تمام رشته‌ها باید حق شرکت در اداره امور تولیدی برای سندیکاهای ، شوراهای تولیدی و نمایندگان جوانان تامین شود .

این خواست حزب کمونیست آلمان در ابیر مرموز ساختن اتحادیه‌های کارفرمایان از تحمیل اراد و خویشتر در مسائل مربوط به آموزش کارگران جوان با استقبال ویژه‌ای روبرو شد . برای تامین سیستم آموزش با بودجه اعتبار کافی ، با توجه به منافع جوانان ، باید بنیاد های لازمی بوجود آورده که تمام موسسات و جوجه معینی را طبق حجم سرمایه در گردش و بزرگی و کوچکیشان ، بدانها پرداخت کنند . حق اشتراک سندیکای استفاده از این بنیادها باید تضمین گردد .

حزب کمونیست آلمان برای بهبود وضع جوانان خواستار کاهش هزینه تسلیحات و اختصاص مبلغ آزاد شده به امر برطرف ساختن وضع دشواری که در رشته آموزش پدید آمده و بوجود آوردن محل کار و تحصیل تازه می باشد .

حزب کمونیست آلمان ضمن مبارزه در راه تحقق این خواست‌ها این نکته را برای جوانان و تمام زحمتکشان تشریح میکند که برای الغای بیگاری ، افزایش حق کارگران برای شرکت در اداره تولید و تمام جوانب زندگی اجتماعی باید سلطه انحصارها را ابتدا محدود کرد و سپس کاملاً از بین برد . تمام احزاب کمونیست ، در کشورهای پیشرفته سرمایه داری ، بدین بنیادان شکل برنامه های مناسب شرایط روز برای مبارزه با این آموخته‌های بحرانی که بشدت در وضع جوانان نیز تاثیر میکند طرح و تدوین کرده اند . از آنجا که کمونیست‌ها بنزله پیگیرترین بیانگران منافع جوانان عمل میکنند ، این افراد هر چه بیشتر بدانها روی می‌آورند ، این نیز کاملاً طبیعی است که احزاب کمونیست بخش بزرگ کار تکمیلی خود را میان جوانان بدست می‌آورند .

کمونیست‌ها برای این واقعیت اهمیت قاطع سیاسی قائلند که تعداد هر چه بیشتری از جوانان خود را وقف مبارزه در راه ترقی اجتماعی میکنند . کمونیست‌ها در مقابل سیاست طبقه حاکمه که جنبه

خصمانه ای نسبت به جوانان دارد ، مبارزه همه جانبه برای جوانان و یکمک جوانان ، مبارزه برای برآوردن خواسته های مخصوص آنها و افزایش نقش سیاسی و اجتماعی آنان را مطرح میکنند . این نکته در سند مشترک ۲۹ حزب کمونیست و کارگری اروپا نیز منعکس شده است : " شرکت کنندگان در کنفرانس از این کوشش جوانان که آینده قاره مارا در دست دارند ، برای اشتراک هر چه بتوانند در مبارزه برای اروپای صلح ، ترقی و آزادی و مخاطرات اروپائی که در آ آینده سوسیالیستی گام می نهد پشتیبانی میکنند " (۱) .

این اظهارات با موضعگیری حزب ما کاملاً توافق دارد . هربرت میس صد ر حزب مادر گزارش خود درکنگره بین در مارس سال ۱۹۷۶ گفت : " حالا در آ آینده نزدیک بیشتر از هر زمان دیگری وظیفه هر کمونیست این است که خود را وقف حل مسائلی کند که با جستجوی راه نجات جوانان از وضع فلاکت باری که دارند ارتباط دارد . هر کمونیست باید به مسائل مربوط به جوانان بپردازد و همه جا از آنان پشتیبانی کند " (۲) .

کمونیست ها با فرورومبهاات میتوانند بگویند : ما قاطع ترین مدافعان منافع جوانان و امروزه فردای آنها ایم ، ما طرفدار جوانانی هستیم که در راه حقوق اساسی خود مبارزه میکنند . وظیفه ما وسیله مارکس و انگلس درمانیفست حزب کمونیست فرمول بندی شده است : " کمونیست ها با مخاطرات هر فهای نزدیک و منافع طبقه کارگر مبارزه میکنند ، اما در عین حال در جنبش امروزی آنها از آ آینده جنبش هم دفاع میکنند " (۳) .

کمونیست ها وعده های پوچ به جوانان نمیدهند . بهمین جهت آنها میگویند : برای تحقق خواسته های جوانان ، مبارزه فعال خود جوانان ضروری است .

۱ - " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۸ ، سال ۱۹۷۶ ، صفحه ۹ .
 2- Bericht des Parteivorstandes der DKP an den Bonner Parteitag
 19-21 März 1976. Berichtstatter: Herbert Mies, Düsseldorf 1976
 S. 45 .
 ۳ - مارکس ، انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روسی) ، جلد چهارم ، صفحه ۴۵۸ .

در بارهٔ منطق پیشرفت معلومات تئوریک

ولا دیسلا و لکتورسکی

فیلسوف شوروی

حمید صفری

اقتصاد دان ایرانی

"بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی هم‌نمی‌تواند باشد" (۱) - این سخنان لنین که بیش از هفتاد سال پیش از این گفته شده و بیانگر ماهیت برخورد و مناسبت کمونیست‌ها نسبت به دانش تئوریک است، امروز هم اهمیت خود را کاملاً حفظ میکند. علاوه بر این روز بروز بر اهمیت تئوری برای پراتیک اجتماعی و در درجه اول برای مبارزه انقلابی افزوده می‌گردد.

نیازمند بهای ساختمان سوسیالیستی و کمونیستی، تغییرات کنونی در وضع و شرایط مبارزه با بقا و گروه یگانه‌های زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری، پروسه‌های اجتماعی که در کشورهای آزاد شده می‌گذرد، انقلاب علمی و فنی که در سراسر جهان بسط و تکامل می‌یابد، مسائل پیچیده تازه بسیاری را پیش می‌آورند که به تجزیه و تحلیل خلاق و درک عمیق از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم نیازمند است و به همین جهت توجه افراد را به مسئله راه‌ها و شیوه‌های بسط و تکامل بعدی تئوری جلب میکند.

رشد بیش از حد حجم و اهمیت پراتیک پژوهش‌های متدولوژیک که هدفشان تدوین منطق شکل معلومات، تازه در علوم است از ویژگی‌های نمونه‌وار (تئوریک) دانش معاصر است و یکی است. درک قانونمندی حصول نتایج تازه در علوم و نقش و اهمیت شیوه‌ها و مسائل مختلفی که علوم برای رسیدن به نتایج تازه بکار می‌برند بمنزله یکی از شرایط ضروری پیشرفت شناخت و معرفت جلوه‌گر میشود. مارکسیست‌ها اصول و مقولات دیالکتیک ماتریالیستی را پایه و اساس تجزیه و تحلیل متدولوژیک پیشرفت معلومات علمی قرار میدهند. این اصول و مقولات برهنگان بخوبی معلوم است و ضرورتی ندارد که ما آنها را مورد بررسی ویژه قرار دهیم. فقط یاد آور میشویم که وقتی سخن بر سر معرفت و شناخت پدیده‌های اجتماعی است نتیجه‌ها حد و زیاده‌ها با سنگینی حزی (بقاقتی) خلافت معین می‌گردد. در ضمن موضع بقاقتی پژوهنده عامل خارجی مؤثر در رویه متدولوژیک که برگزیده شده نبوده، بلکه جزء آن رویه متدولوژیک است.

ما در این مقاله با استناد به اصول متدولوژی مارکسیستی - لنینیستی و نمونه‌های فعالیت تئوریک مارکس، انگلس و لنین می‌خواهیم منطق پیشرفت معلومات تازه تحریک (آمیریک)

وفاقت های تازه به تکامل و دقیق تر شدن احکام تشویریک یا طرح احکام تازه را مورد بررسی قرار دهیم .
این مسئله بزبان متد ولوژی معاصر علوم بمنزله مسئله مناسبت متقابل سطح آگاهی های تجربی
و تشویریک در جریان پیشرفت پراتیک و دانش های اجتماعی فرمول بندی میشود .

راهتمای قابل اطمینان و شرحش در عمل

مارکسیسم - لنینیسم باین اعتنائی و عدم توجه به تئوری بیگانه استویط و اصولی با آمپیریسیم
که از خصائص بسیاری از جریانهای فلسفی بورژواشی است ، در یکجانبی گنجد . مارکس پایه و اساس
متد ولوژیک اقتصاد سیاسی و ولگر بورژواشی را که خود او تشویری علمی مناسبات اقتصادی را در نقطه
مقابل آن تدوین کرد ، در همین آمپیریسیم سطحی که از فلسفه متافیزیکی د . لوک و فلسفه اید آلیستی
سویژکتیف (ذهنی) د . برکلی به ارث رسیده میدید . همین آمپیریسیم سویژکتیف و پیوسته ویسم
(اثباتگرایی) طرفداران مایخ (ماخیزست ها) که میکوشیدند انقلاب در علوم طبیعی را در آستانه
قرن بیستم از مواضع اید آلیستی و رلا تیویستی (نسبی) تعبیر و تفسیر نمایند ، موضوع تنقید همه جانبه
لنین در اشواری بنام " ماتریالیسم و آمپیریو کریتیسیسم " بود .

همه نمایندگان اقتصاد سیاسی بورژواشی و ولگر ، همه ماخیزست ها ماهیت تئوری را در توصیف
و تعریف تا حد امکان کامل و بیرو سواس آنچه که از ظاهر پدید می آید می دانستند . بطور مثال
ماخیزست ها عقیده داشتند که بخش توضیحی که قانونمند یها و وابستگی های درونی مادی را در
علوم آشکار میکند بطور کلی زائد است و برای " صرفه جوئی " باید از آن حذف شود . مفهوم علیت را هم
مایخ از جمله جز " این قبیل عناصر " طفیلی " بشمار می آورد .

مارکس و لنین با انتقاد از این تصورات نادرست نشان دادند که آنجا که پژوهنده فقط در فکر
این است که فاکت های تجاری را توصیف کند و سیستم بندی نماید و پژوهشگر بدون آنکه بسعه
ماهیت پدید می آید به ظاهر آنها اکتفا نماید ، ماد ر آنجا هنوز با علم سروکار نداریم .
" اکتونومیست و ولگر هم تصور میکند ، وقتی اوجای آشکار کردن ارتباط درونی اشیا باقیافه جدی اعلام
میکند که اشیا در پدید می آید . او بطور دیگری بنظر می آید کشف بزرگی کرده است . ولی در واقع او بدین
میبالد که سخت به ظاهر اشیا چشمپند است و صورت ظاهر را بمنزله چیز نهائی بحساب می آورد .
در این صورت دیشریط و رکی علم برای چیست ؟ " (۱) .

روشن است که انتقاد آمپیریسیم اکتونومیست های بورژواشی و ولگر و ماخیزست ها از طرف مارکس
و لنین بمعنی نفی یاکم بهاداد آن به اهمیت تجربه نیست و هدف آن تعبیر و تفسیر های نادرست
فلسفی و متد ولوژیک سرشت تجربه و مقام آن در معرفت است . تجربه به مفهوم دیالکتیکی - ماتریال -
لیستی آن و منزه از تعبیر و تفسیر های ذهنی و اید آلیستی منبع لایزال معلومات علمی است . اما
ماتریالیسم دیالکتیک در عین حال تاکید میکند که پیشرفت معرفت تنها با یافتن مضمون بشکل آماد های
که احساس و ادراک مابستعید هد مشخص نمیگردد ، بلکه ارتباط دادن آن با ساختارهای
(استروکتور) بفرنج تریبروسه معرفت را الزام میکند که نتیجه آنهام پیدا ایشرجنان آگاهی و دانشی است
که بطور مستقیم از احساس و ادراک بدست نمی آید . بدین مفهوم تشویری از دانش تجربی با خصائص
معینی متمایز میگردد که بشرح زیر است : اولاً با درستی معلومات علمی موجود در آن ، ثانیاً با تعمیم
و اصلت ارزیابی پدید می آید . ثانیاً که در آن مورد بررسی قرار گرفته اند ، و این خود امکان پیش بینی فاکت های

تازه ای را امید هر که هنوز بررسی نشده است ، ثالثاً با منظم بودن و ارتباط متقابل قوانین و احکامی که در آن داخل شده است .

قراردادن آموزش تئوریک اصیل و اقمیت در نقطه مقابل آمپیریسم و پراکتیسیسم دارای مفهوم متدولوژیک مهمی است . این امر پژوهش های تئوریک را از " تعلق بیش از اندازه به تجربی — و پراتیک " معطوف داشتن آنها به نیازهای آتی و لحظه ای که تئوری را از داشتن چشم انداز تاریخی برداشته محروم میسازد ، محفوظ نگاه میدارد . بنابه تعریف لنین تعالیم مارکسیستی برخسلاف آمپیریسم عبارتست از " نتیجه گیری از تجربه که با جهان بینی فلسفی عمیق و آگاهی وسیع به تاریخ روشن شده است " (۱) . چنانکه تاریخ قلم و فلسفه نشان میدهد برخورد سرسری به تئوری میتواند مایه پیدایش دشواریهای جدی خواهد تئوریک — ادراکی ، خواه پراتیکی گردد . نمونه قناعت بخش آن تاریخ تئوریزیتیویسم است که دعوی در اربودن نقش " فلسفه و متدولوژی دانش معاصر " را داشت . تئوریزیتیویست ها همانند ما خیمت ها میکوشیدند علم را در شرح صوری و سیستماتیزه کردن فاکت ها خلاصه کنند و امکان بدست آوردن آگاهی های تازه بکلی تئوری و کشف برخی از جوانب یا خواص واقعیت را که در دسترس تجربه آمپیریکی و درک مستقیم نیست ، نفی میکردند (۲) . بسی اعتنائی به تئوری برای تئوریزیتیویسم به بهای از دست دادن اعتماد آن بخش از طبیعت شناسان هم که در سالهای ۳۰ — ۵۰ بدان گرویده بودند وورشکست کامل نظریات فلسفی و متدولوژیک آن تمام شد .

از نقطه نظر فلسفه مارکسیستی — لنینیستی معیار حقیقت معلومات پراتیک است . اما تئوری منعکس کننده واقعیت عینی یا واسطه و بیابورته می یافته بطرز دیگری غیر از ظاهر نظر در ساره فاکت های تجربی و یا حتی قوانین تجربی (آمپیریکی) مورد آزمایش قرار میگیرد . رد همه جانبیه و مستند احکام تئوریک بدون مراجعه به همان دلیل و برهان تئوریک غیر ممکن است . تجربه جدا از تئوری فاقد تعمیم و قابلیت استدلال است . بظورتثال ، اندیشه تئوریک بنیادی که نتیجه جمع بندی مجموعه فاکت های عینی باشد که مرحله معینی از پیشرفت تاریخی — جهانی را مشخص میسازد نمیتواند با استناد ساده باینکه " اوضاع و احوال کنونی " و شرایطی که این یا آن اندیشه طی

۱ — لنین ، مجموعه کامل آثار ، (بزبان روسی) ، جلد ۳۳ ، ص ۲۹ .

۲ — رجوع کنید به : ف . فرانک . فلسفه علم ، مسکو ، ۱۹۶۰ ، ص ۲۶ . کارناب ، مبانی فلسفی فیزیک مسکو ۱۹۶۱

H. Reichenbach, The Rise of Scientific Philosophy

Berkeley and Los Angeles, 1951

C. Hempel, The Theoretician's Dilemma. Minnesota Studies in the Philosophy of Science, vol. II Minneapolis, 1958 و . . .

انتشار گسترده آمپیریسم که از ویژگیهای پژوهشیتویسم و پراکتیسیسم است در ایران نیز بچشم میخورد . بظورتثال م . باباطیائی ، ا . سیاسی ، م . صنایع را باید از فعال ترین مبلغین این نظریات فلسفی متدولوژیکی روزگاری بشمار آورد . انتقاد مفتح پژوهشیتویسم و آمپیریسم را در بسیاری از آثار دانشمندان مارکسیست میتوان یافت . در اینجا کتابهای زیر را یاد آور میشویم :

M. Cornforth Marxism and the Linguistic Philosophy, London, 1965;

L. Sève. La Philosophie française contemporaine, Paris, 1962.

و . س . شویرف ، تئوریزیتیویسم و مسائل مستدل ساختن تجربی (آمپیریکی) علوم . مسکو

• ۱۹۶۶

آن طرح وتد وین گردیده اختلاف جدی دارند در شود . ارزیابی عمیق اندیشه تئوریک از لحاظ تئوریک بودن و داشتن چشم انداز (پرسپکتیو) خارج از زمینه تئوریک و بدون در نظر گرفتن اصول تکوین و گرایشهای معاصر علم نمیتواند انجام یابد .

استقلال نسبی معلومات تئوریک بروشنی خاص ویژه در شرایطی بروز میکند که اینطور بنظر میآید که پدیده های زندگی روزمره گویا با تعمیم های تئوریک تطابق نمیکند . معلوم است که اگر برخی از احکام مهم تئوریک جلد اول " سرمایه " (کاپیتال) را برداشته و آنها را بلا واسطه با فرمول بندی های جلد سوم مقایسه کنیم ، میتواند اینطور بنظر آید که میان آنها تضاد وجود دارد . در جلد اول گفته میشود که ارزش اضافی فقط حاصل آن بخش سرمایه است که بصرف مزد و حقوق رسیده یعنی حاصل بخش متغیر سرمایه است . ولی در جلد سوم گفته میشود : " هر طور که میخواهد باشد ، در آخرین تحلیل معلوم میشود که ارزش اضافی در آن واحد از تمام بخش های سرمایه ای که گذاشته شده پدید میشود " (۱) . دانشمندان بورژوازی که با اقتصاد سیاسی سروکار دارند پیر از انتشار جلد سوم " سرمایه " درباره وجود تضاد هایی در تئوری اقتصادی مارکس سروصدا برآه انداختند و این خود گواهدم درک اسلوب علمی او بود .

اشکال ظاهری بروز قوانین سرمایه داری نه فقط ماهیت آنها را از نظر پوشیده نگاه میدارد بلکه فریبنده جلوه میدهد . اما خود این پرده پوشی وحقه و فریب فقط شرتصویرات ذهنی نیست بلکه منظره ایست که بطور اجتناب ناپذیر در نظر هر کس که بد اثره مناسبات سرمایه داری کشاند شده مجسم میگردد ، زیرا این منظره نتیجه حالت عینی امور در ظاهر جامعه سرمایه داریست . از جمله هزینه تولید کالا در نظر سرمایه داران اگر بر شکل ارزش واقعی خود کالا جلوه میکند ، خلصت ویژه سرمایه داری تولید که ضمن آن " . . . هزینه های تولید در اقتصاد سرمایه داری ظاهر و عین مقولاتی را پیدا میکنند که به خود تولید ارزش مربوط میشود " (۲) در این پدیده تجلی میکند . برای توصیف و تعریف این نوع مناسبات مارکس مفهوم ویژه " تبدل شکل " (۳) را وضع کرد که پژوهندگان مارکسیست بمقایس گسترده از آن استفاد میکنند . هزینه های تولید در سیستم اقتصاد بورژوازی نمونه تئوریک چنین شکلی است .

بدین ترتیب این حکم که ارزش اضافی در آن واحد از تمام بخش های سرمایه بکار انداخته شده پدید میآید نه حالت واقعی ، بلکه ظاهر عینی آمیخته را نشان میدهد . اما وارد کردن عامطسی مانند موضع گیری سرمایه داران جداگانه در تجزیه و تحلیل ، تضاد مبهم و تصویری میان احکام تئوریک را که بیانگر ماهیت پروسه های اقتصادی جامعه سرمایه داری است و در جلد اول " سرمایه " فرمول بندی شده با تجزیه و تحلیل اقتصادی در جلد سوم کماشکار کنند شکل خارجی و تحریف شده بروز این پروسه های ماهوی است ، بر طرف میسازد .

مفهوم شکل تبدل یافته ، بنظر ما ، در تجزیه و تحویل بسیاری دیگر از ویژگیهای بسط و تکامل صورت بندی سرمایه داری ، مثلا در تجزیه و تحویل دیالکتیک ماهیت و شکل حاکمیت دولتی در سیستم سرمایه داری دولتی - انحصاری هم تئوریکتر است . دانش مارکسیستی - لنینیستی بشکل

- ۱ - مارکس ، انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۲۵ ، بخش اول ، ص ۴۳ .
- ۲ - مارکس ، انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۲۵ ، بخش اول ، ص ۳۳ .
- ۳ - رجوع کنید به : مارکس - تئوری ارزش اضافی ، بخش سوم ، مارکس ، انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۲۶ ، بخش سوم ، صفحه های ۴۷۱ - ۴۷۷ ، ۵۱۰ ، ۵۲۳ ، ۵۲۵ - ۵۵۰ .
- " سرمایه " - مارکس و انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۲۳ ، صفحه ۸۲ ، ۴۷ ، ۵۰ - ۲۲۶ .

رضایت بخشی با ثبات رسانید که دولت بورژوازی معاصر از لحاظ ماهیت اجتماعی - طبقاتی خویش در آخرین تحلهیل عبارت از دیکتاتوری سرمایه انحصاری است . این دیکتاتوری فقط از طریق شیوه های تروریستی آشکار که ویژه رژیم های فاشیستی است تحقق نمی یابد . سیستم سیاسی دولت های امپریالیستی در بسیاری از موارد با شکل دموکراتیکی عمل میکند که سرشت طبقاتی آنها را از نظر پوشید می داند و تحریف میکند (۱) . بدین ترتیب دیده میشود که شکل ظاهری پدیده ها تصورات نادرستی در باره توانایی سیستم بورژوازی برای ابراز خواست ها و منافع تمام قشرهای یعنی " اکثریت " و نظایر اینها بوجود می آورد . در عین حال همین اشکان تحریف شده مناسبات واقعی ، از آنجا که تمام آنها در سطح و ظاهر پدیده ها چشم می خورند ، در شعور معمولی بورژوازی " یقین آشکار " ، و بطور پراتیک " درست و مطابق با واقعیت " حلو می کنند .

بررسی این مطالب که این قبیل تصورات " روشن تر از آفتاب " در عین حال کاملاً نادرست در باره تناسب دموکراسی ، آزادی و دیکتاتوری در نظام سرمایه داری ، با در نظر گرفتن اشکال تازه سازگار شدن امپریالیسم با شرایط متغیر تاریخی ، چگونه تشکل یافته و مورد پشتیبانی قرار می گیرند ، اهمیت تئوریک و سیاسی جدی کسب میکند .

نمونه دیگر ، کوشش ایدئولوگ های " انقلاب سفید " در ایران است که با بازی با برخی آمار تکنیکی اقتصادی سطحی و عدم توجه به عوامل اجتماعی - اقتصادی می خواهند اقتصاد کنونی ایران را همانند یک اقتصاد " مختلط " غیر سرمایه داری جلوه دهند . آنان بدین مناسبت اغلب و با علاقه فراوان به رشد سریع بخش دولتی طی سالهای اخیر استناد میکنند و میگویند آنرا به طبقه کارگرو سرمایه زحمتکشان مانند عرصه مالکیت خلقی معرفی کنند که در قالب تعاریف متداول اجتماعی - طبقاتی نمی گنجد . اما در واقع " اقتصاد مختلط " یکی از انواع راه رشد سرمایه داری است .

چنانکه میدانیم ، ماهیت اجتماعی بخش دولتی مقدم بر همه با خصلت طبقاتی حاکمیت دولتی تعیین میشود . طبقات حاکمه ایران را سرمایه داران بزرگ ، وزمینداران تشکیل میدهند . بخش دولتی در چهارچوب " اقتصاد مختلط " وظائف مکانیسمی را انجام میدهد که به ایجاد شرایط ضروری مادی - تکنیکی برای پیشرفت مالکیت خصوصی و سرمایه داری در سطح و عمق کم می کند . سیاست رژیم شاه که هدف آن تشویق و ترغیب ایجاد موسسات مشترک با سرمایه انحصاری خارجی است ، بنویب خود گواهی خصلت بورژوازی مالکیت دولتی در ایران است . این سیاست که اقتصاد دانان ایران آنرا " استراتژی موسسات بزرگ " می نامند موجبات ورشکستگی سرمایه داران کوچک و متوسط و برقراری سلطه سرمایه بزرگ داخلی و خارجی بر سرمایه متوسط و کوچک را فراهم می آورد . تشدید این گرایش ها نشانه تغییرات کیفی در تحول سرمایه داری در ایران است . برای تبدیل سرمایه داری در ایران از سرمایه داری دولتی بازیرینای مختلط اقتصادی که اکنون موجود است به سرمایه داری دولتی - انحصاری امکانات مادی ایجاد میشود . این است ماهیت " اقتصاد مختلطی " که بنا بر بنیاد یبسا شکل ظاهری آن که تصور کاملاً نادرستی در باره زیربنای اجتماعی - اقتصادی ایران امروز بوجود می آورد ، متفاوت است .

۱ - در ضمن ، چنانکه میدانیم ، بسیاری از دستاوردهای دموکراتیک در کشورهای سرمایه داری نتیجه مستقیم مبارزه شدید زحمتکشان است و بنابراین امکان وجودی آنها نه در مهمل و علاقه طبقات حاکمه ، بلکه در نیروی انقلابی بالقوه قطب مخالف آنهاست .

نتیجه‌مند ولو یکی که در حالاتی که در بالا بررسی کردیم حاصل میشود، عبارت از این است که بعد مطابق صوری میان اندیشه‌های کلی تئوریک و این بیان وضع آمپیریک پدید می‌آورد و او رویدادها بخودی خود از نشانه‌های ضروری لزوم رد حکم اصلی کلی و یا تجدید نظر در آن نبوده، بلکه میتواند معلول ناتمامی و یا نقص تجزیه و تحلیل تئوریک باشد. این دعوی بطریق اولی هنگامی عادلانه و درست است که سخن نه بر سرفاکت‌های معلوم و مشخص زندگی روزمره، نه بر سر رویدادهای واقعی که از لحاظ تاریخی هم غیر قابل انکار است، بلکه فقط بر سر سمت و گرایش محتمل پیشرفت است. حکمی را که هنوز تجربه بر آن صده ننهاده و پشتوانه‌ای نظری استدلال همه‌جانبه تئوریک ندارد به سطح تعمیم تئوریک بالا بردن بمعنی آنست که خواسته و یا ناخواسته از ارزش و اهمیت تئوری بکاهیم. نیرو و قدرت تئوری در این نیز هست که پیش از آنکه پراتیک حکم قطعی خود را صادر کند، تئوری بامکان میدهد تا از طریق بحث و گفتگو مقایسه نظریات مختلف و مجموعه تجربه‌های تاریخی این یا آن تعمیم را از لحاظ "استحکام" آن مورد آزمایش قرار دهیم، و این هم بسود تئوری وهم بسود پراتیک است.

"هیچ چیزی پراتیک تر از تئوری خوب نیست". بنظر ما این سخنانی که به یکی از فیزیکی‌دانهای برجسته معاصر نسبت داده میشود بطور بسیار دقیق مقام و منزلت تئوری را در شناخت و در گساری پراتیک واقعیت موجود بیان میکنند. تئوری به پراتیک آن چیزی را امید دهد که تجربه هرگاه جدا از تئوری باشد نمیدهد و نمیتواند بدهد. بنوبه خود فقط آن دانش تئوریک که قادر است معلومات تازه پراتیک اجتماعی و شناخت علمی را گرد هم آورده و درک کند میتواند بمنزله راهنمود مطمئن و شریکشی در عمل مورد استفاده قرار گیرد. حال به بینیم بروسه بسط و تکامل و غنای دانش تئوریک چگونه تحقق می‌پذیرد؟

دیالکتیک بسط و تکامل تئوری

ایرواقعیت که پیشرفت علم در شرایط مبارزه شدید برضد تصورات نادرست در باره مکانیسم و قانونمندی‌های افزایش و تراکم معلوما تحقق می‌پذیرد، مسئله گذار از فاکتها و اطلاعات تازه پراتیک اجتماعی و شناخت علمی به نتیجه‌گیریها و تعمیم‌های تئوریک را بویژه مبرم و حاد میکند. در برخی از موارد جنبه نسبی بودن و ناهمگونی در بسط و تکامل علوم مطلق میشود. ارزش اندیشه تئوریک برای این نوع تفسیرهای نسبی و ذهنی سرشت خلافت تئوریک نه در حقیقت بودن آن، بلکه در تازگی بی حد و حصر آنست.

نوع دیگری از افراط و تفریط یعنی، نفی صحت و درستی آنجه تازه است و بررسی هر رویدادی فقط بمنزله نمایش و تایید قانونمندی‌های کلی که تا حال کشف شده است، از خصائص نظریات فشرده و متافیزیکی است. در همین حال بسط و تکامل تئوری از نظر این گروه در انطباق سیستم مفاهیمی که یکبار قبول بندیده شده بر تمام گروهها و انواع تازه بتازه رویدادها و پدیدها، خلاصه میشود. خود مفاهیم و اصول تئوریک بمنزله حقیقت‌های مطلق و چیزی که نیازی به تفنن و دقیق و مشخص تر شدن ندارد مورد نظر و توجه قرار میگیرد. این قبیل تصورات نسبتا همین چندی پیش در علم علوم طبیعی و فلسفه غیرمارکسیستی رواج کامل داشت.

روشن است که تطبیق احکام کلی تئوریک در تجزیه و تحلیل رشته‌های تازه آمپیریک مرحله مهمی از مراحل بسط و تکامل معلومات علمی و از جمله تئوریک است. اما، مطلب بر سر این است که خود این انطباق را چگونه بفهمیم. آیا این بمعنی بکار بردن ساده و مکانیکی نوعی "الگوهای

تئوریک " برای تمام " مواد خام آمپیریک " نو و تازه و در عین حال بدون هرگونه ارتباط معکوس از درک و تفهیم اطلاعات تجربی تازه بسوی مفاهیم تئوریک است ؟ روشن است که اینطور نیست . در تاریخ علوم چنین حالاتی هم پیش میآید که ضرورت مشخص ساختن اندیشه های کلی تئوریک ، دقیق تر کردن مضمون اصول و فرمول بندی تعمیم های تازه تئوریک در میان است . چنین حالاتی نه فقط باید اثبات فاکت های مهم تازه ، بلکه در اثر منطقی درونی پیشرفت تئوری هم بوجود میآید . انقلاب در علوم طبیعی اوایل قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میتواند نمونه ای برای این حالت باشد . با تئوری خاص و سپس تئوری عام نسبیت ، با مکانیک کوانت اندیشه های تازه ای وارد علوم شد که نه فقط فاکت های تازه تجربی را روشن کرد ، بلکه درک بسیاری از اندیشه های بنیادی علوم طبیعی کلاسیک را بشکل تازه ای ضروری ساخت .

فلاسفه بورژوازی و همچنین بسیاری از دیگر دانشمندان انقلاب در علوم طبیعی اوایل قرن بیستم را بمنزله ازهم پاشیدگی تمام سیستم تئوریک فیزیکی تعبیر و تفسیر کردند که در علوم طبیعی کلاسیک با صورتی که این دانشمندان آن زمان از آنها پیروی میکردند تشکیل یافته بود . لنین — بی پایگی تفسیر نسبی علم را نشان داد و تعالیم مربوط به دیالکتیک حقیقت مطلق ، نسبی و عینی را بسط و تکامل بخشید . این تعالیم کلید درک پروسه های واقعی تغییرات علمی — تئوریک را بدست میدهد (۱) .

از این تعالیم چنین برمیآید که پیشرفت علم پروسه بی پایان نزدیکی به حقیقت مطلق و پروسه بازتاب هرچه دقیق تر و کاملاً مطلقیت عینی است . آنچه واقعاً جنبه علمی دارد و معلوماتی که از آزمون اجتماعی — تاریخی بدآمده از بین نمیرود ، بلکه به یکی از اجزای متشکله بنای تئوریک تبدیل میشود که در جریان ترقی علمی ساخته میشود . در ضمن سخن تنها بر سرفرازی بخش های تازه و تازه تر در این ریزی این بنیان نیست . در جریان ساختمان این بنا تصورات موجود درباره نقشه ساختمان ، جای این یا آن عنصر ساختمانی در سیستم کلی بنا میتواند تغییر پیدا کند ، اما در جریان ساختمان این بنا حتی یک بخش هم بدور انداخته نمیشود (البته در صورتیکه مراد ما از این کلمه فقط معلومات عینی و واقعی باشد و نه گمراهی هایی که در روند پیشرفت علوم تعدادشان کم نیست و که البته در این — جریان بدور انداخته میشوند) (۲) .

نیروی مارکسیسم — لنینیسم در پیشرفت خلاق مداوم آنست . بخوبی معلوم است که بنیاد گذاران مارکسیسم — لنینیسم به معلومات تازه پراتیک اجتماعی و علوم چه توجهی داشتند و معکوس نسبت به گرایشهای دوری جستن از بنیادهای تازه و پروسه های زندگی اجتماعی چقدر سخت گیر و بی گذشت بودند . لنین در یکی از آثار نخستین خود چنین نوشت : " مایه تئوری مارکس بهیچوجه بمنزله چیزی پایان یافته و دم بر خورد نمیکنیم ، بعکس مایه قین داریم که این تئوری فقط نخستین

۱ — تجزیه و تحلیل مشروح ماهیت و علل انقلاب در علوم طبیعی در اوایل قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از طرف فلاسفه مارکسیست بعد آمد و در سهای متدولوژیک و نتایج حاصله از این انقلاب روشن شده است ، به ورمثال رجوع کنید به اثر کدروف ، ب . م " لنین و دیالکتیک علوم طبیعی قرن بیستم ، مسکو ، سال ۱۹۷۱ .

۲ — این مسائل از جمله در آثار زیر بررسی میشوند : پ . ن . فدوسیف " دیالکتیک دوران معاصر ، مسکو ، ۱۹۷۵ ، پ . و . گننین " اساسهای گنوستولوژیک و منطقی علم " ، مسکو ، ۱۹۷۴ ، تئوری بزتاب لنین و دانش معاصر ، جلد های اول تا سوم ، صوفیه ۱۹۷۳ ، Lenin et la Pratique scientifique, Paris, 1974.

سنگ دانش را بنیاد نهاد که سوسیالیست ها ، اگر نمیخواهند از زندگی عقبمانند ، باید آنرا در تمام جهات به پیش ببرند (۱) . خود لنین هم درست همینطور عمل کرد . احزاب کمونیست برادر هم با درك خلاق و تعمیم تجربه ساختمان سوسیالیسم در شرایط گوناگون که هم قانونمندی های مشترك و هم گوناگونی اشکال مشخص آنرا نشان میدهند و همچنین با درك خلاق و تعمیم تجربه دفاع از منافع حیاتی توده ها و مبارزه در راه سوسیالیسم در کشورهای که در سطوح مختلف پیشرفت اقتصادی و سیاسی اند ، درست اینطور عمل میکنند . لئونید برژنف در سخنرانی خود در کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری اروپا یاد آور شد که : " تمام اینها به تجزیه و تحلیل و تعمیم نیازمند است ، بخصوص که در تجربه هر يك از احزاب برادر ، علاوه بر وجود مشخصه تکرارشدنی وابسته به ویژگیهای ملی بدون تردید خطوط مشترکی هم موجود است که برای تمام جنبش ما جالب و قابل توجه است . خود زندگی هم در جریان پیشرفت پروسه های عینی اجتماعی - سیاسی و اقتصادی در کشورهای جداگانه و مقیاس جهانی بطور مستمر جزیتازیه ای بدست میدهد . . . " (۲) .

نمونه برخورد خلاق به پیشرفت تئوری آثار لنین است که در آنها توجه دقیق نسبت به اصول تئوری و پراتیک مارکسیسم با تأمل عمیق در پروسه ها و پدیده های نوین واقعیت بطور رگانیك تلفیق شده است . در چهارچوب مسائل مربوط به ارتباط متقابل معلومات تجربی و تعمیم های تئوریک که در مقاله مورد بحث قرار گرفته برخی از جنبه های متدولوژی لنینی تجزیه و تحلیل پروسه های اجتماعی را بررسی میکنیم .

نخستین جنبه این مطلب به درك خود پروسه تطبیق اندیشه ها و اصول تئوریک در تجزیه و تحلیل واقعیت های تازه امپیریک مربوط است . لنین نشان داد که بکار بردن تئوری در خود ماهیت مسئله يك پروسه خلاق است . در جریان این پروسه بطور مثال ، مسأله ای از این قبیل پیش میآید : این یا آن مسئله ای که پراتیک مبارزه حال حاضر پیشتر آورد ، با مسأله نوظهور گشته با هم چه شباهت و یا چه اختلافی دارند ؟ تجزیه و تحلیل اوضاع گذشته و راه حل های تئوریک که بر اساس آن تدوین گردیده تا چه اندازه در شرایط جدید میتوانند ماریاری را دهند ؟ بطور دقیق در تعمیم های فرمول بندی شده چه تصحیحاتی باید بعمل آید تا بتوان بهترین راه های حل و فصل مسأله را که پیشتر آمده تعیین کرد و نیز آنها را برایشناخت .

بطور مثال لنین در یکی از نخستین آثار خود " درباره باصلاح مسئله بازارها " (سال ۱۸۹۳) ضمن بحث وجدل با نارتونیک ها که خصلت سرمایه داری پیشرفت روسیه را نفی میکردند و با استناد بدان نتیجه میگرفتند که متدولوژی مارکسیستی برای تجزیه و تحلیل گرایش اجتماعی و اقتصادی پیشرفت روسیه آن دران غیر قابل تطبیق است ، تشابه خاطر نشان ساختن اینکه احکام کلی تئوری مارکس قابل انطباق به شرایط روسیه است قناعت نکرد ، بلکه این حکم را بطور همه جانبه با ثبات رساند . بنویس خود دلیل و برهان هم در استناد ساده به تعداد معینی از فاکت های مناسب و مقتضی خلاصه نمیشد ، زیرا فاکت های میتوانند متضاد باشند و آنها را باید درست درك کرد و درست تعبیر و تفسیر نمود ، و اینهم مقدم بر هر چیزی بسط و تکامل خود تئوری از طریق غنی و دقیق ساختن احکام کلی اولیه آن ، نیازمند است . برای تشریح علمی واقعیت افلاس و فقر همگانی در هقانا

- ۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۴ ، ص ۱۸۴ .
- ۲ - در راه صلح ، امنیت ، همکاری و ترقی اجتماعی در اروپا . درباره نتایج کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری اروپا . مسکو ، ۱۹۷۶ ، ص ۱۹ .

روسیه و پاسخگوشی به اینکه آیا این پدیده عدم امکان پیشرفت سرمایه داری و بازاری سرمایه داری در روسیه را درین دارد، لنین يك سلسله از احکام مهم تئوریک را که مارکس در "سرمایه" آورده و دقیقتر ساخته و آنها را با بسط و تکامل میدهد. سخن بر سر طرح های تجرید تولید ساده و وسیع سرمایه داری است.

لنین نشان میدهد که طرح کلاسیک تجرید تولید گسترده که در "سرمایه" بیان شده از روند پیشرفت فنی استنتاج شده است. اثر این وضع را در نظریه مارکس، نتیجه آن "افزایش سریع ترو مسائل تولید نسبت به وسائل مصرف است" (۱). لنین با وجود آوردن طرح جدید تولید گسترده که فرمول مارکس را مشخص تر میساخت از نظریه تئوریک به نتیجه مهم اصولی میرسد و آن اینکه افلاس دهقانان و گسترش و تکامل بازار، علیرغم تضاد صوری میان آنها هیچوجه دویروسه نفی کننده و یکدیگر نیستند. فقر توده های مردم نه فقط "مانع پیشرفت سرمایه داری نمیکرد، بلکه به کسر، بخودی خود بیانگر رشد آن است، شرط سرمایه داری است و آنها تشدید میکند" (۲).

نکته دوم برخورد لنین با احساس مسئولیت فراوان به د دقیق ترو مشخص کردن احکامی است که بنیادگذاران سوسیالیسم علمی به پیش کشیده اند. لنین از برخورد های سطحی به "غناهی" اندیشه ها و مفاهیم تئوری مارکسیستی بدور بود. آن اصل و قاعده مقدس علمی که مارکس، انگلس و لنین بطور پیگیر و نظر می گرفتند عبارت از این است که هر حکمی که باید تا سطح قانون تئوریک بالا برده شود نه فقط باید با مجموعه کاملی از فاکت های عینی، بلکه با اندیشه تئوریک نیز وفق دهد. لنین نوشت که هر یک از احکام "سرمایه" بر (کوهی از فاکت ها) استوار است و تمام فاکت ها در جریان پیشرفت تاریخی مورد آزمایش قرار گرفته و با تئوری علمی غنی تر شده است. این ارزیابی تمام و کمال در باره آثار لنین هم صادق است.

معلوم است که در جریان پیشرفت از معلومات تازه پراشیک و معرفت به اندیشه تئوریک میتواند در شواهدی گنوسئولوژیک و متد و لوژیک پیش آید و پیش هم خواهد آمد. در واقع هم اغلب از همین علل گنوسئولوژیک ناشی از منحنی خود پیرو سه معرفت تعمیم های تئوریک و نتیجه گیری های بی پایه، کم اهمیت و گاهی هم بکلی اشتباه آمیز بوجود می آید. در جامعه بورژوازی در مواردی که سخن بر سر معلومات اجتماعی است این "خطاهای تفکر" دارای زمینه و پایه اجتماعی اند: آنها وسیله ایدئولوژی های بورژوازی بشکل نظریات نادرست و غیر علمی فرمول بندی میشوند که هدف از آنها دفاع از نظام اجتماعی روبرزوال است. کمونیست ها هم در برابر خطا و اشتباه بیمه و تضمین نشده اند. اما در جنبش کمونیستی، اگر یکجا در نظر گرفته شود، عوامل اجتماعی وجود ندارد که بده تثبیت و قوام و دوام تعمیم های نادرست تئوریک که در جریان تامل و تدقیق تئوریک پدیده های تازه بوجود می آید، کمک کند. بعکس، کمونیست ها که بیانگر منافع انقلابی ترین طبقه عصر ما یعنی طبقه کارگران و میدانند که منافع این طبقه کاملاً پاسخگویی نیازهای ترقی اجتماعی است، در شناخت حقیقت عینی نایم نفع اند. ترقی و تکامل مداوم دانش مارکسیستی - لنینیستی که غنا و تدقیق آن در شرایط کنونی با مساعی مشترک احزاب برادر تحقیق می پذیرد بهترین دلیل اثبات این مدعا است. کمونیست ها به تمام سلسله مسائلی که بواسطه پژوهش همعانه خلاق تئوری مارکسیسم - لنینیسم مربوط است توجه فراوان دارند. همانطور که در برنامه حزب توده ایران گفته شده است

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی)، جلد ۱، صفحه ۷۸.

۲ - همانجا، صفحه ۹۷.

هدفهای دورنزدیک و مثنی سیاسی آن "از انطباق خلاق این جهان بینی علمی و انقلابی بر شرایط ویژه جامعه ایران ناشی میشود" .
 در گزارش ل. ی. برژنف در بی‌رک کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان گردید که متد ولوژی مارکسیستی - لنینیستی باتئوری باقی اسکولاستیک جد از زندگی و برخورد محدود پراتیک و سودگرایانه به تئوری در یگهها نمی گنجد (۱) .

بی توجهی به تئوری و گرایش به فدا ساختن احکام اصولی به خاطر برخی منافع پراتیک آنسی که نامرست درک شده از لحاظ چشم انداز گسترده تر پیشرفت پراتیک انقلابی میتواند نتایج زیان باری داشته باشد .

تک گرائی بر علیه چند گرائی (پلورالیسم)

یک خصیصه نمونه وار (تیپیک) معلوما ت علمی که ویژه مارکسیسم - لنینیسم نیز میباشد تک گرائی (مونیسیم) است . وحدت معلوما ت علمی و عام بودن قوانین و مفاهیمی که علم فرمول بندی میکند بر پایه استوار وحدت مادی واقعیت طبیعی و اجتماعی قرار دارد . بآوریکه تجربه تاریخی فلسفه و علم نشان میدهد هرگونه تلاش برای تضعیف و یا متزلزل ساختن عام بودن وحدت معلوما ت علمی همواره با پائین آوردن مقام علم و راه دادن به اشکال غیر علمی در واقعیت (مانند دین ، افسانه و اساطیر ، عرفان و خرافات ، تجربه گرائی عامیانه و نظایر آنها) همراه بوده است . اغلب میکوشند برای این تصورات غیر علمی اساس متد ولوژیک نیز ایجاد کنند . بآور مثال از نظریات فلسفی و متد ولوژی علمی که بعد از پوزیتیویسم بعد ان آمده بعنوان چنین اساسی استفاده میکنند . این نظریات در جستجوی خروج از بحران عمیقی که اسلوب علمی پوزیتیویسم معاصر بدان دچار شده پدید آمده است . محتوی این نظریات عبارتست از اینکه مجموعه مقولات و اصطلاحات علوم را عماد رتغییر است (آثار ت . گن ، پ . فیربند و دیگران) (۲) .

با پدید آمدن این نظریات اسلوب زیرکانه تازه نسبی که شرط عمده پیشرفت تفکر و اندیشه علمی را در چند گرائی تئوریک و در انقطاع و تخریب مستمر توارت در بسط و تکامل معلوما ت می بیند ، چنانچه کثیر تجربه گرائی متعصبانه و عاجزانه که ویژه پوزیتیویسم و نئوپوزیتیویسم است ، گردید . گاهسی طرفداران نظریات بورژوازی که پس از پوزیتیویسم به معرض آمده اند تا سرحد دفاع از مجاز بودن هر چه و مرج در معرفت پیش میروند ، طبق این نظریه برای بسط و تکامل معلوما ت علمی وجود و برخورد مداوم نظریات گوناگون و راههای مشخص حل این یا آن دسته از مسائل و علاوه بر این «تئوریهای علم فلسفی معرفتی مغایر یکدیگر را هم لازم میدانند (۳) . از اینجا چنین بر میآید که هر قدر در اصول بنیادی این یا آن رشته از علوم اختلاف بیشتر باشد ، همانقدر برای پیشرفت علمی هم تراست .

۱ - ل . برژنف - با مثنی لنینی - سخنرانیها و مقاله ها ، جلد ۵ مسکو ۱۹۷۶ ، ص ۵۳۲ و ۴۸۳ .

۲ - رجوع کنید به ت . گن . ساختار انقلابیهای علمی ، مسکو ۱۹۷۵ .
 P. Feyerabend, Problems of Empiricism Beyond the Edge of Certainty New Jersey, 1965; P. Feyerabend, Problems of Empiricism II, The Nature and Function of Scientific Theory Pittsburgh, 1970; Criticism and the Growth of Knowledge, Cambridge 1970.

برخی از نمایندگان این نظریه برخورد خود را با لکتیکی و در برخی موارد (مانند پ . فیربند) حتی دیالکتیک ماتریالیستی اعلام میکنند .

۳ - رجوع شود به : پ . فیربند . Against Method. London, 1975.

۳ - رجوع شود به : پ . فیربند

انظریات تئوریستین های بورژوازی که پراثر فداران پوزیتیویسم علمی ، بعرضه آمدند و گسترش مییابد برای تیرته هر و مرج تئوریک که در جامعه شناسی معاصر بورژوازی حکمفرما است استفاده فراوان میشود . بی برن به همجنسی ایدئولوژیک میان نظریات چند گزائی تئوریک و متدولوژیک و مساعی که برای مشکوک جلوه دادن خصلت هم و انترناسیونالیستی بودن تعالیم مارکسیستی - لنینیستی و متزلزل ساختن آن بوسیله تقسیم به بخش های ملی و منطقه ای و اثبات صحت وجود " مارکسیسم های " گوناگون بعمل میآید دشوار نیست . البته برای مخالفین مارکسیسم لنینیسم مناسب تر بود اگر موفق میشدند شیوه نسبی و ذهن گرایانه (سوژکتیویسم) را به عرصه تئوری سوسیالیسم علمی نیز راه دهند و احزاب کمونیست و کارگری را از داشتن اساس واحد جهان بینی و تئوریک محروم سازند . در سالهای اخیر پیوسته از " کمونیسم اروپائی " بسیار سخن میگویند و از این اصطلاح هم مقصودشان تصور ضرورت (باتوجه به ویژگیهای پیشرفت کشورهای جداگانه که هیچ کس منکر آن نیست) ویژگی معین " تفسیر و تعبیر تئوری مارکسیستی - لنینیستی بسرای کمونیست های اروپای غربی است که با درک " سنتی " آن تفاوت و اختلاف دارد . تصورات باطل درباره وجود " مارکسیسم های " مختلف نه از نقطه نظر واقعی و نه از لحاظ تئوریک پایه و اساس دارند و بطوریکه میدانیم احزاب کمونیست آنها را رد میکنند .

مارکسیسم - لنینیسم دانش واحد یکپارچه است که تمام اصول و اندیشه های اساسی آن در ارتباط متقابل و مشروط متقابل درونی بایکدی بگراند . این دانش آنچنان است که گوش از قطعه پولاد یکپارچه ای ریخته شده است . این تئوری است که نمیتوان یکبخش مهم آن را حذف کرد ، بدون اینکه با این عمل تمام تئوری را نفی نکرده باشیم . در اینجا جایی برای ذهن گزائی ، و دست چین خود سرانه و " ترجیح دادن " برخی از بخش ها و اندیشه های بنیادی آن بدیگر بخش ها و اندیشه ها وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد .

اصول مارکسیسم - لنینیسم از لحاظ ماهیت و سرشت خود جهان شعول است . مارکس ، انگلس و لنین پژوهش های خویش را هیچوقت به چهار رچوب اروپا و روسیه محدود نکردند ، نتیجه گیریهای آنها دارای اهمیت جهانی است نه ملی محدود و یا منطقه ای . تئوری مارکسیستی - لنینیستی دارای اعتبار عام است و این تئوری از این واقعیت سرچشمه میگیرد که یک کارپرولتاریا و بورژوازی ، برقراری صورت بندی اجتماعی - اقتصادی کمونیستی در دایره یک کشور معین محدود نمی

گردد ، بلکه سراسر جهان را فرا میگیرد و بدین ترتیب مضمون تاریخ اجتماعی در دوران نو نوین را تشکیل میدهد . شعار و پرچم مارکسیسم - لنینیسم انترناسیونالیسم است که نه بایب اعتنائی به منافع این یا آن ملت ها و نه با مطلق کردن این منافع در یکجائی گنجد . در پایه تیپولوژی (گروه بندی) تئوریهای علمی ملاکهای ملی و یا منطقه ای قرار ندارند ، بلکه تفاوت آنها نتیجه موضوع بررسی و خصوصیات ساختن منطقی این علوم است . فیزیک روسیه ، ریاضیات ایتالیا ، زیست شناسی سوئد و یاشیمی امریکای جنوبی وجود ندارد . علم هرز ملی ندارد .

طبیعی است که خود ویژگی شرایط مهر و نشان خود را بر مراحل و وظایفی که در جریان مبارزه پدید میآید باقی میگذارد و تجربی نتایج مختلف از تحزیه و تحلیل اوضاع و احوال مشخص میگردد . اما این گوناگونی و از جمله در مسائل مهم هم ، اشتراک ژرف مساعی و هدفهای کمونیست ها و توافق در مسائل اصلی و بنیادی معاصر را که از وحدت زیربنای جهان بینی و تئوریک جنبش کمونیستی ناشی میشود ، از نظر پنهان نمیکند . گواهی متع این امر از یابی ها و نظریات واحد آنان بر سر مسائل بنیادی است که سند نهائی کنفرانس برلن احزاب کمونیست و کارگری اروپا شامل است .

مانده در صفحه ۶۳

فاشیسم و تاکتیک «دمکراسی پارلمانی»

سوفیاد و کاسترو

نویسنده آثار اجتماعی و سیاسی
برزیل

وجود کانونهای فاشیسم در زمینه موفقیت‌های چشمگیر جنبش انقلابی جهانی و بهبود کلی فضا و اوضاع بین المللی به پدیده تاریخی منسوخ شده‌ای شباهت پیدا میکند. ولی برای یک سلسله از کشورهای امریکای لاتین وجود کانونهای فاشیسم یک واقعیت روزاست که خط رجعی برای صلح در سراسر جهان در بر دارد.

در امریکای لاتین و از جمله در برزیل، فاشیسم بمنزله آلترناتیو ضد انقلابی در مقابل جنبشهای انقلابی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک آغاز سالهای ۶۰ احیا گردید. برزیل برای امپریالیسم و ارتجاع داخلی بمنوعی میدان تیر آزمایشی با آوردن رژیم‌های نوع فاشیستی، بمنظور نگهداری مواضع خویش در کشورهای قاره مهمل گردید. این مسئله از جمله بارویدارهای فاجعه‌آمیز در پلوی اوروگوشه و شیلی که در جریان آنها تملیلات توسعه طلبانه قشراکم برزیل بویژنه‌هایان گردید، تأیید میشود.

برای درک خصلت رژیم سیاسی کنونی در کشور مالا زم است به کودتای ارتجاعي نظامی آوریل ۱۹۶۴ بازگردیم. در آنم نگاه دارود ستای که متکی به الیگارشی مالی که از لحاظ ترکیب خود و مستگیری سیاسترکم و بیش همگون بود زمام امور را بدست گرفت. در هم‌آمیزی فوق العاده زیاد الیگارشی مالی و قشر فوقانی نظامیان در آن هنگام و وحدت هدف‌های آنها به سرگرفتن کودتای واستقرار رژیم جدید کمک کرد.

فاشیسم در یک روز برقرار نمی‌شود. مبتکرین کودتای سال ۱۹۶۴ موفق شدند بخش از مردم را فریب دهند و آنها را قانع کنند که بمنظور دفاع از دموکراسی و قانونیت مشروطه " که گویا تمایل و کوشش ژوآگولارتا (Joao Goularta) رئیس جمهوری وقت که میخواست برای ابد در اتحاد با کمونیستها و جنبش سندیکائی حکومت را در دست داشته باشد آنها را بمخاطب طره افکند و بورد و ارد عرصه بیکار شوند. این بخش از اهالی بطور عمد از قشرهای میانه " سنتی " تشکیل میشد که در آنها نفوذ جنبشهای فاشیستی گذشته زیاد بود و ستایش " شخصیت‌دیرومند " ریشه‌های ژرفی داشت. در جامعه بورژوازی - لیبرال اینگونه قشرها بسادگی تحت تاثیر اندیشه‌های " حکومت نیرومند " قرار میگیرند، زیرا بدین امیدند که چنین " حکومت نیرومندی " از منافع آنها دفاع خواهد کرد اندیشه دیکتاتوری که " قادر باشد زندگی کشور را بدون اشتراك احزاب سیاسی رهبری کند " آنها را بخود جلب میکند و بدینا چیزی شبیه اطمینان به حفظ وضع ثابت اجتماعیشان میدهد و این امید را بدینا میبخشد که " خطرهای پرولتاریا شدن " دامنگیرشان نشود.

در جریان فاشیستی شدن کشورهای راستگراهای تمرش میگردند و گاهی عقب می نشینند به پیروزمیانی دست می یافتند و یاد چار شکست میشوند . این روند همیشه پیر از انتشار مجموعه لوایح قانونی شماره ۵ در دسامبر ۱۹۶۸ که بازمانده های ناچیز آزاد بهای بورژوا - دموکراتیک را هم از بین برد شدت یافت . با تصویب آن به رئیس جمهوری حق متوقف ساختن فعالیت کنگره و سایر ارگانهای قانونگذاری ، مداخله در کارهای ایالات و شهر در آنها ، حق الغای حقوق سیاسی Habeas Corpus یا (حق افراد ذینفع برای تقاضای بررسی قضائی ، علل سلب آزادی این یا آن شخص در حضوری در دادگاه) و تغییر محل مأموریت یا برکنار کردن نمایندگان قوه قضائیه و غیره را گذار گردید .

رژیم سیاست ضد کارگری اعمال میکند . یکی از نخستین فرمانهای آن ثابت نگه داشتن مزد ها بود . اتحادیه های کارگری زیر کنترل قرار گرفته اند و برجسته ترین رهبران آنها بازداشت شده اند . برای معرفی نماینده برای هر یک از مقام های انتخابی در اتحادیه ها ارائه مدرک قابلیت اطمینان سیاسی که از طرف اداره امنیت داده میشود اجباری گردید .

توده های مردم در جریان تحقق برنامه های اقتصادی و سیاسی رژیم بمخالفت با آن برخاستند ، رژیم هم این مخالفت ها را با شیوه های فاشیستی سرکوب کرد . در این تشدید تصاعدی تضییق و فشار سازمانهای افراطی راستگشوری و نیمه نظامی از نوع "شکارچیان کمونیست ها" ، " پلیس ضد کمونیست " و جمعیت " سنت ها ، خانواده و مالکیت " هر چه بیشتر شرکست میگردند . " اسواران مرگ " کذائسی ارگان فعال تضییق و فشار علیه کمونیست ها و تمام سپین پرستان گردید .

در این دوران به طبقه کارگر و نیروهای دموکراتیک ضربه های سنگینی وارد آمد . بیدادگرهای تروریست تفرقه ویرانکنندگی نیروهای دموکراتیک همراه بود . در سال ۱۹۶۸ نمایشها و تظاهرات گسترده دانشجویان و روشنفکران بوقوع پیوست . ولی افکارنازای ضد کمونیستی و افراطی چپ که میان آنها شایع بود و همچنین تاثیر گروههای افراطی سود و ثمرات سیاسی اعتراض آنان بر ضد فاشیسم را گاملا از بین برد . البته ، این بهیچوجه بدان معنی نیست که گروههای چپ گرای افراطی مسئول بسر قراری فاشیسم در برزیل اند . این گناه بگردن انحصارها و تمام ارتجاع برزیل است . ولی ، حتی مرتجعین هم نمیتوانند بدون گذشت های معینی در برابر خواستهای توده های مردم و بنظر عسکره قشرهایی که بدانها متکی هستند هر چه دلخواهشان است انجام دهند ، زیرا در تلاش آنستند که بهر وسیله کمینک است پایه های اجتماعی حاکمیت خود را توسعه دهند . در عین حال آنها برای تبرئه تدابیر غلاظ و شداد خود در نظر مردم بدنبال دلیل و برهان میگردند و گروههای فراجسیونسی و افراطیون چپ گرا همچنان فعالیت های ماجراجویانه خویش برای آنها چنین مستمسک هایی فراهم می آورند .

تشدید فاشیسم در شرایط نسبتا مساعد اقتصادی صورت می گرفت و این موضوع تا اندازه معینی به توسعه زمینه اجتماعی آن کمک میکرد . در دوران " معجزه اقتصادی " گروههای تازه ای به بخش ارتجاعي قشرهای متوسط پیوستند که بطور عمد نمایندگان بوروکراسی و تکنوکراسی کشوری و نظامی بودند که سطح زندگی و وزن و اعتبار سیاسی آنها بالا رفته بود . فاشیست ها موفق شدند بخشی از اهالی راهزین شماره " کشور بزرگ برزیل " بسیج کنند . در این جریان رژیم از بالا رفتن سطح مصرف اهالی سو استفاده میکرد . رژیم با استفاده از سیستم تبلیغاتی گوش فرمان خود میکوشید توده های مردم را از مبارزه در راه منافع واقعی شان منصرف سازد و تضییق و فشار بر علیه عناصر " ضد ملی " را که با فعالیت های خرابکارانه شان " گویا مانع پیشرفت کشور و رسیدن به " آیندافتخار آمیز " بودند ، تیر میزند .

در چنین اوضاع و احوالی نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی توانستند به هدف های ضد انقلاب خود دست یابند و چنان مکانیسم حاکمیت اقتصادی و اجتماعی - سیاسی بوجود آورند که با خواست های انحصارهای خارجی و داخلی مطابقت داشت .

برقراری ایدئولوژی فاشیستی هم در این جریان نقش کوچکی ایفا نمیکرد . آنتی کمونیسم دیوانه وار و عوام فریبی اجتماعی و ملی شوینیستی از خصایص آنند ، رژیم برزیل به تاثیر ایدئولوژی روی توده ها تحت شعار " مسلح ساختن ملت بنام عظمت " ، " مشکل ساختن نیروی اخلاقی و مدنی برزیلی ها " پرداخته است . میکوشد با انواع وسائل از خالت توده ها و پیوسته طبقه کارگر ، مقدم بر همه از راه اعمال تضییق و فشار دیوانه وار بر طبقه پیشتاز سیاسی آن و کاهش دامنه فعالیت های صنفی که در ساختار سندیکا های برزیل از سال ۱۹۳۱ وجود داشته ، جلوگیری بعمل آورد و سندیکا ها را به سازمانهای بوروکراتیک برای انجام تدابیر و اقدامات سرگرم کند و متفریحی و دادن انواع کمکهای مادی مبدل سازد . سعی و کوشش برای ترویج خود پرستی (اندیویدالیسم) ، محدود ساختن مقام انسانها در جامعه تا حدیکه صرف کنند ، در ورکردن حیوانات از فعالیت های سیاسی (از راه ترور ، دخالت در کارهای سازمانهای دانشجویی ، یکسان کردن سطح آگاهی و فرهنگ آنها ، تعمیم روحیه مصرفی بی بند و بار) از ویژگیهای ایدئولوژی و سیاست رژیم است . علاوه بر تمام اینها رژیم افسانه قدر قدرت بودن بدولت را که گویا بالای طبقات قرار گرفته باشد تبلیغ میکند . فاشیسم بدین شکل میکوشد مبارزه طبقاتی را از زندگی جامعه حذف کند .

دکترین " پیشرفت اقتصادی و امنیتی " پایه و اساس ایدئولوژی فاشیستی در برزیل را تشکیل میدهد و رسالت آن نه فقط مدلل ساختن جستجوهای راه خروج از بحران اجتماعی - اقتصادی ، بلکه بطور عمدتاً تأمین بسط و تکامل سرمایه داری وابسته در شرایط ثبات سیاسی است .

اشتراک فعالانه توده ها در زندگی سیاسی تا کودتای سال ۱۹۶۴ مانع انحصارهای خارجی و داخلی وابسته بدانان در رشد و افزایش تراکم سرمایه بود . ایدئولوگ های فاشیسم برزیل از این مسئله بطور گسترده استفاده میکنند . دکترین " پیشرفت و امنیت ملی " روی مبارزه برضد " جنگ انقلابی داخلی " ، ناپدید ساختن لیبرالیسم و برقراری " صلح اجتماعی " بمنزله " خواست ضروری امنیت " زیاد با فشار میگذرد .

علیرغم تمام درز و گشای های ایدئولوژیک در دوران ما ، در تمام کشورهای واجمله در برزیل ایجاد سازمان بزرگ سیاسی از نوع احزاب فاشیستی که در اروپا وجود داشت ، بسیار دشوار است . رژیم احزاب سیاسی بورژوازی سنتی را منحل کرد و بجای آنها اتحاد ملی تجدد (آرنا) و جنبش دموکراتیک برزیل دو سازمان رسمی را بوجود آورد که در وی " اپوزیسیون " علنی را تشکیل میدهد . آنها باید وسیله " بسیج " یا درستتر بگوئیم بد و رنگهداشتن مردم از سیاست باشند و در عین حال نقش " میسمت دموکراتیک " و حزبی " را ایفا کنند .

رژیم با وجود آوردن احزاب رسمی در واقع نوعی آزادی فعالیت سیاسی ، اگرچه بی یال و دم و اشکم را مجاز دانسته است . در ضمن نباید فراموش کرد که بوجود آوردن هر حزبی که برنامه و سیاست فعالیت آن بانظراً موجود در تضاد باشد دشوار است . اپوزیسیون باید " سازنده " باشد ، در غیر اینصورت اعتبارنامه نمایندگی آنها لغو میشود و این خطر همواره آنها را تهدید میکند .

در کشور بورتو گالو موازین دموکراسی بورژوازی انتخاباتی مانند قانون اساسی ، تغییر تناوبی رئیس جمهوری و انتخاباتات درکنگره ملی حفظ میشود . ولی این بازی با دموکراسی است که رژیم برای فریب افکار عمومی جهان و توده های مردم در داخل کشور بدان نیازمند است . زیرا فاشیسمی

که در جریان جنگ جهانی دوم تارومار گردیده است، نفرت و انزجار جامعه بشری را برمیانگیزد. تنها به همین سبب هم شده فاشیسم معاصر امروز قادر به عملی ساختن سلطه خود بهمان اشکال سابق نیست.

در لحظه‌های دشواریهای سیاسی فاشیست‌های برزیل لیدران احزاب بورژوا-لیبرال سابق را به کمک میخوانند. این احزاب را غدن کرده اند، ولی فاشیست‌ها میگویند لیدران آنها را با وعدہ‌های عوام‌فریبانه لیبرالیزه کردن رژیم درآینده بسوی خود جلب کنند. آنها بی میل نیستند که با این قبیله مانورهابه "توافق و رضامندی اجتماعی" دست یابند و توده‌ها را تحت کنترل خود درآورند. رژیم سیاسی در برزیل علیرغم کوششهایی که برای درآمدن بلباس اشکال دموکراتیک فلابی بعمل میآورد قادر به پنهان کردن این واقعیت نیست که نمایندہ دیکتاتوری تروریستی گروه ارتجاعی ترین جناح سرمایه‌مالی یعنی سهامداران بزرگ، نمایندگان انحصارهای بین المللی، صاحبکاران و مدیرانی است که بضایع جنگی وابسته اند. نظامیان قشریالائی و ممتاز تکنوکراتهایی هستند که در عین داشتن شغل‌های رهبری در دستگاه دولتی همان وظائفی را انجام میدهند که مقام‌های عالی بوروکراسی کشوری در دیگر کشورها. این افراد بطور عمدہ فارغ التحصیلان دانشکده‌های افسری هستند که دکتربین کذائی "امنیت ملی" و اندیشه‌های "معجزه اقتصادی برزیل" در چهار دیواری آن پدید آمد و کودتای ۱۹۶۴ هم در آنجا تدارک دیده شد. بعد هاهم دانشکده افسری به مرکز ایدئولوژیک برقراری فاشیسم در برزیل مبدل گردید (۱). اما قوه مجریه در برزیل شکل و خصلت با اصطلاح و رتیکالیسم رئیس‌جمهوری را بخود میگیرد (رتیکالیسم - سیستم تغییر دهنده بدوره رئیس‌جمهوری). فاشیسم به تغییر و تعویض نمایندگان قوه مجریه دست میزند، زیرا چنین سیستمی نوعی نمرش‌یدان میدهد. اما این سیستم ماهیتاً ترا تغییر نمیدهد.

تمام مکانیسم اتخاذ تصمیم و رهبری دولت بطور کلی وابسته به سیستم رتیکالیسم رئیس‌جمهوری است. این مکانیسم تمام کمال در دست رئیس‌جمهوری و شورای امنیت ملی جنب آن، اداره اطلاع و دیگر ارگانها متمرکز شده است (۲). شورای امنیت ملی، ارگان عالی مشورتی رئیس‌جمهوری است.

۱ - ژنرال گوبری د کوتود سیلوا از رجال فعال دانشکده افسری و یکی از ایدئولوگ‌های رژیم است که اداره اطلاعات ملی را تاسیس کرد و در نخستین دولت ارتجاعی پراژکود تازیانست آنرا بعهده داشت، اینک رئیس دفتر کشوری رئیس‌جمهوری است. او وابسته به کمپانی "داو-کمیکل" است.

ژنرال ژواآویا تیمستا د فیگی رادو رئیس دفتر نظامی رئیس‌جمهوری در دولت مدیسی بود، (اینک در راس اداره اطلاعات است)، با "دوپین د وبرا زیل" (شعبه "دوپین د ونمور اند کمپانی") در ارتباط است. این فقط د نمونه از نمونه‌های بسیار دیگری است که رابطه نزدیک رجال دولتی را با کورپوراسیون‌های تیپ "پیرلی"، "اسکانیا و ابیس"، "مرسدس بنسز" و غیره تأیید میکند.

۲ - بموجب قانون اساسی ارتجاعی سال ۱۹۶۷ و اصلاحاتی که در سال ۱۹۶۹ در آن بعمل آمده، فقط قوه مجریه (رئیس‌جمهوری) حق دارد در باره مسائل اساسی مربوط به امور مالی مالیات‌ها، هزینه‌های دولت، تعیین رتبه و درجه، افزایش حقوق و تعداد افراد نیروهای مسلح ایجاد سازمانهای اداری و قضایی و فعالیت آنها، عفو و بخشودگی جرائم سیاسی و غیره قانون وضع کند.

قانون امنیت ملی (در واقع امر این همان " قانون اساسی " کشور است) از طریق تصویب
 لایحه ها و فرمان هائی که فقط رئیس جمهوری میتواند بدست تحقق می پذیرد (۱) ، اداره اطلاعات
 سیستم نیرومند شبکه متمرکز کنترل سیاسی و خبرچینی است که سراسر کشور را در بر میگیرد . تعداد
 زیادی ارگانهای اعمال فشار ایجاد گردیده که رهبری آنها از اداره پلیس کشوری به فرماندهان
 نظامی ایالات محول گردیده و مراکز آنها نیز در سرپازخانه ها است .
 قوه قضائیه کشوری و دادگستری در حقیقت وزن و اعتبار خود را در زندگی اجتماعی از دست داده
 و اخذ تصمیم های مهم قضائی در اختیار دادگاه های نظامی است . وکلای را که دفاع از زندانیان
 سیاسی را بعهده میگیرند ، اغلب بزدان می افکنند و شکنجه میکنند .
 بیک سخن به جدائی و استقلال سه قوه مقننه ، اجرائیه و قضائیه که از مشخصات " دموکراسی
 پارلمانی است " پایان داده شده است . مکنایم سیاسی با مطلق کردن نقش دولت و نیروهای
 مسلح مافوق همه چیز ، وجود واقعی و حقوقی سیستم توتالیتر و تیکالیسم رئیس جمهوری ، استفاده
 از قوانین فوق العاده بمنزله سلاح اعمال سلطه فاشیستی علیرغم وجود قانون اساسی ، پایمال
 کردن حقوق مدنی در شرایط وجود تروری که " بصورت قانونی درآمده " مشخص میگردد .
 نظامیان که قوای اجرائیه و قضائیه را بدست گرفته و ارگانهای تضییق و فشار را کاملاً زیر کنترل خود
 دارند ، همچنین میکوشند زندگی اقتصادی و اجتماعی را هم در برزخ رهبری کنند (۲) .
 مجتمع نظامی - صنعتی بوجود آورده میشود که به دارنده نظامیان نیروی بیشتری می بخشد .
 بررسی و پژوهش هائی در رشته های نظامی آغاز شده است . تولید اسلحه تشدید میگردد و ایمن
 اسلحه به کشورهای امریکای لاتین و آفریقا صادر میشود . با اصطلاح گروه ثابت بسمح صنعتی ایجاد
 گردیده است تا میان حاکمیت سیاسی - اقتصادی و حاکمیت نظامیان رابطه برقرار کند .

- ۱ - بطور مثال در فرمان قانونی شماره ۸۹۸ مورخ ۲۶/۹/۱۹۶۹ گفته میشود : شرکت " فعال
 اندک و بی اغیر مستقیم " در با اصطلاح " نبرد روانی (پسیکولوژیک) خصمانه " ، تبلیغ ، اظهار
 مخالفت و فعالیت در عرصه های سیاسی ، اقتصادی ، روانی و نظامی که روی افکار و عقاید ، احوال
 و روحیه ، موضع گیری و فعالیت گروه های خارجی ، دشمنان ، بی طرف ها و بی طرفداران رژیم
 بشکل متضاد با هدف های ملی موثر واقع گردد خیانت برضد امنیت ملی بشمار می آید . " تبلیغات
 مخالف رژیم " با استفاده از هر نوع از وسائل ارتباط جمعی مانند : روزنامه ، مجله ، کتاب ، بولتن
 شب نامه ، رادیو ، تلویزیون ، سینما ، تئاتر و نظایر اینها هم در شمار خیانت است . در بررسی
 عالی نظامی در این اواخر مراسم مذهبی کلیساها را هم جزء " وسائل ارتباط جمعی " قلمداد کرده
 که میتواند " در جریان نبرد روانی مخالف رژیم منشاء خیانت های بشود " .
- ۲ - سنت دخالت نظامیان در زندگی سیاسی مدتهاست در کشور مرسوم شده است . محافظان
 کشوری در لحظات بحرانی سیاسی معمولاً از ارتش می خواستند که مسئولیت برقراری و حفظ
 نظم و ترتیب موجود را بعهده خود بگیرند . در اواخر سال ۱۹۶۳ افسران عالی رتبه ارتش
 مواضع مستحکم در زندگی کشور بدست آوردند و مشاغل حساس کشوری را در سطح دستگاه دولتی
 در مرکز ، ایالات و شهرها اشغال کردند . نظامیان در گذشته پس از اظهار شدن در صحنه
 سیاست ، اگر احزاب بورژوازی تقاضا میکردند معمولاً به سرپازخانه ها باز می گشتند ؛ حالاً نمایندگان
 ارتش در زندگی اجتماعی - سیاسی کشور به تدریج و نه فقط بمنزله ضامن امنیت طبقات حاکمه ،
 بلکه در نقش (کاتالیزور) بسط و تکامل سرمایه داری دولتی - انحصاری هم شرکت می کنند .

شورای امنیت ملی برنامه بکارنداختن صنایع برای رسیدن به هدفهای نظامی و طرح و تدوین کرد . با جمهوری فدرال آلمان و فرانسه قرارداد هایی بخصاً و رایجاد صنایع اتعی در برزیل به اعضا رسید ه است . کشوره کاتون در گریه های نظامی بالقوه در امریکای لاتین مهمل شده است . سیاست فاشیسم در تمام رشته ها ناگزیر به محدود شدن زمینه اجتماعی آن می انجامد . یک سلسله عوامل عینی و ذهنی به اعتلای تدریجی جنبش توده ای کمک میکند . دشواریهای اقتصادی داخلی ، سیاست ضد کارگری و ضد ملی رژیم بهور شکستگی " معجزه اقتصادی برزیل " انجامید . پیروزی نیروهای اپوزیسیون در انتخابات تنوامبر ۱۹۷۴ به توده ها نشان داد که با فاشیسم میتوان مبارزه کرد و در پیوار رژیم فاشیستی میتوان شکافهای پدید آورد . دشواریهای جدی ناشی از بحران عمومی سرمایه داری ، تنزل قدرت خرید مردم ، آهنگ سریع افزایش تورم به تشدید فعالیت سیاسی توده های از مردم انجامید که هر چه بیشتر به مخالفت با رژیم بر میخیزند . فاشیسم از نووازیو به شدیدترین فشار و تضییق ها بر ضد طبقه کارگر و بیوزنه بر علیه کمونیست ها دست میزند ، اعتبار نامه نمایندگان اپوزیسیون در پارلمان را باطل میکند و تهدید میکند که مانع ادامه فعالیت جنبش و موکراتیک برزیل خواهد شد . اما در پی پیروزی تمام این اقدامات ترس از آینده که در نتیجه تضاد های عمیق داخلی در برابر رژیم نمودار میگردد ، وجود دارد .

همین یک عامل که رهبری دولت بانفایمیان است ، خود منبع تضاد های بسیاری است -

گروه های سیاسی سنتی که در سستان از رهبری کشور کوتاه شده در راه رسیدن به شرکت موثر در دولت مبارزه میکنند . این گروه ها به موکراتیزه کردن زندگی سیاسی در کشور تا میزان معینی ، مثلاً تاحد و انتخاب مستقیم رئیس جمهوری نینفع اند (۱) و یا اینکه میخواهند کنگره ملی ارگانی نباشد که فقط بد ستورها و اواصر قوه اجرائیه صدمه میگذارد ، بلکه تریبون باشد که آنها بتوانند از پشت آن خواسته های خود را مطرح کنند .

خصلت استبدادی و تمرکز شدیدی در دستگاه دولتی با آن قشرهایی از بورژوازی که میکوشند برای فعالیت خود محیط وسیعی در اختیار داشته باشند در تضاد است ، آنها از دولتی شدن رشتت اقتصاد بسود انحصارها در بیم و هراس اند . این نیرو ها اغلب با مدخله دولت در زندگی کشور و تضییق و فشار هایی که از طرف رژیم اعمال میشود مخالفت میکنند .

رژیم فاشیستی به تبلیغ اتوسیع وسیع بیند و بارضد کمونیستی پرداخته و روزنامه ها را مجبور میکند هر روز رباره " اقدامات خرابکارانه " و " خیانت بر علیه دولت " مطالبی منتشر کنند . ولی در چنین شرایطی هم گاهی اخباری در ایر بر شکنجه ها و کشتار زندانیان سیاسی در صفحات روزنامه ها منعکس میگردد . تضییق و فشاری که بد ستور فرماندهان نظامی اعمال میشود منجر به پیدایش تضاد درون نیروهای مسلح میگردد ، زیرا بخش بزرگ افراد نیروی مسلح با انجام وظائف پلیسی موافق نیستند ، با اینهمه دستگاه شکنجه و تضییق و فشار بدولتی در ردیف دولتتبدیل شده و این پدید نمیتواند موجب نگرانی بخشی از نظامیان حرفه ای نگردد .

قشر بالائی نظامیانی که مقام های دولتی را بخود اختصاص داده اند ، نقش مدافعین منافع بورژوازی انحصاری محلی و بین المللی را ایفا میکنند و این امر ناگزیر به رشوه خواری منجر میگردد و هوی و هوس بدست آوردن امتیاز هایی را در میان افسران عالی رتبه ارتش بر می انگیزد . این نیز

۱ - آنها در حال حاضر نمیتوانند در انتخاب رئیس جمهوری که در آن فقط تعداد کمی از نمایندگان عالی رتبه نیروهای مسلح شرکت میورزند ، موثر باشند .

منبع دیگر تضادهای موجود میان افسران عالیرتبه وبقیه افراد نیروهای مسلح است و یکی از علل فساد اخلاقی و سیاسی آنان میباشد .

ماکمونست‌ها در راه وحدت نیروهای دموکراتیک زیرشعارهایی که در کار پایه ضد فاشیستی حزب آمده مبارزه میکنند . شعارهای مبارزه در راه احترام به حقوق انسانها و آزادیهای دموکراتیک و لغای لایحه قانونی شماره ۵ ، تصویب تمام سیستم قانونگذاری فوق العاده ، برهم زدن ساختار دولت فاشیستی ، تصویب قانون اساسی دموکراتیک و فروع عمومی زندانیان سیاسی مقدم بر سایر شراکتهای مبارزه در راه دموکراسی را حزب ماباد دفاع از مصالح ملی ، با اظهار مخالفت با سیاست ضد ملی تسلیم طلبانه ، تجاوزکارانه و توسعه طلبانه فاشیسم کمیونس. جهانی وابسته به ارتجاعی ترین گروه های انحصاری است که با گاهش تشنج بین الطلی و صلح در سراسر جهان مخالفت میورزند در هم می آمیزد .

مبارزه ضد فاشیستی و ضد انحصاری و مبارزه در راه دموکراسی و استقلال ملی سهمشخصی ما در نبرد عظیم نیروهای دموکراتیک و مترقی سراسر جهان بر علیه امپریالیسم ، ارتجاع و در راه صلح و ترقی اجتماعی و وظیفه ملی و انترناسیونالیستی ما است .

مانده از صفحه ۵۶

پراتیک اجتماعی - انقلابی معاصر در برابر مارکسیست ها - لنینیمت ها وظیفه بسط و تکامل خلاق متهورانانه تئوری را قرار میدهد . این بسط و تکامل فقط هنگامی میتواند واقعاً مریخش و علمی باشد که بر اصول مارکسیسم - لنینسم که از آزمون زندگی بدرآمده ، متکی باشد .

مجله 'مسائل بین المللی' که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مندوجات این مجله از میان مقالات مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۱۱ و ۲۱ (نوامبر - دسامبر) سال ۱۹۷۶ مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' بچاپ رسیده است.

خوانندگان عزیز!

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

شماره حساب بانکی جدید مجله
'مسائل بین المللی':

Berlin
Deutsche
Außenhandelsbank A. G.
Konto-Nr. 9608-3131-0010